

# تایخ سیر ترجمه قرآن

در اروپا

و آسیا

ترجمه و اقتباس و تخریص

دکتر جواد سمساری زاده

حق طبع برای مؤلف محفوظ است

مرکز فروش : کتابخانه ابن سینا

شهر یور - ۱۳۴۲

چاپخانه دانشگاه تهران

**A History of the Progressions**  
**in the Translation of the Koran**

**in Europe and Asia**

**Translated, edited and Written by**

**J. Salmasizadeh**

**Sold by Ibn Sina Bookshop Tehran**

**Published 1342**

**Printed at Tehran University Press**

**Copyright J. Salmasizadeh**

تاریخ مختصر ترجمه قرآن در اروپا و آسیا

ترجمه و اقتباس و نگارش

جواد سلطانی زاده

۱۳۰۶

۲

۱

۲۲

اسکن شد

# تاریخ سیر ترجمه قرآن

## در اروپا

و آسیا

ترجمه و اقتباس و نگارش

جواد سلماسی زاده

حق طبع برای مؤلف محفوظ است

مرکز فروش : کتابخانه ابن سینا

قیمت ۱۰۰ ریال

شهریور - ۱۳۴۲

چاپخانه دانشگاه تهران



## مقدمه

مطالعه و مذاقه مجلدی چند از تراجم قرآن مجید که بالسنه اروپائی طبع گردیده بود. نگارنده را برآن داشت تا هدیده تحقیق، در تاریخ دنیای مغرب زمین نظر افکند و در سیر تاریخ روابط مسلمین و نصاری تعمق نماید. مخصوصاً در تحول تاریخ روحانیت در اروپا و قدرت بی پایان پاپ ها و نفوذ فوق العاده کلیسا و در کیفیت تفتیش عقاید معموله آن زمان تأمل کند. و با اسعان نظر بمطالب مذکور دریابد که در قرون ماضی تراجم قرآن بر اساس تعصب مذهبی و کینه توزی و خصومت با اسلام نوشته شده و بر مبنای هتک حرمت و بهتان و افترا به پیشوای بزرگ دین مبین اسلام پی ریزی گردیده است و اکنون که رونق بازار تعصب کاسته است. در پرتو دانش و تمدن جمال حقیقت از حجاب استتار خارج شده تراجم قدیم نیز بارنگ دیگری بمیدان آمده است و چون امروزه طالبان کتاب و عاشقان مطالعه و تحقیق روز افزون گردیده اند پس تراجم مذکور با مختصر حذف و تغییر طبع و در دسترس عموم قرار گرفته و دام دلها شده است.

بنابراین چنین کتابهائی اعتماد را نشاید و برای هدایت جوانان لازم و بلکه واجب است که پرده های تیره و تار اغراض از جلو چشم شان برداشته شود و فرد فرد مترجمین چنانکه باید و شاید معرفی گردد و انگیزه که آنانرا بترجمه قرآن واداشته بطور شافی و وافی بیان شود. الحق باید اعتراف کرد که قدم باین دریای بی کرانه گذاشتن وطی این مرحله بدون همراهی خضر کردن یعنی صحبت از علوم مربوط بقرآن داشتن با بضاعت سزجات علمی چندان کار آسانی نیست. ولی چون دریافتم که دانشمندان فارسی زبان در این موضوع تاکنون وارد نشده اند و فقط در پاره کتب

برسمیل حکایت و بطور اختصار اشاره بموضوع شده است که در حکم ایجاز مغل می باشد. موضوع چنانکه باید و شاید شکافته نشده و بحث و فحص و تحقیق نگردیده است لذا لازم دید که برای مزید اطلاع دانش جویان و دانش پژوهان یادداشتهای خود را بصورت کتاب درآورد.

در همین حال عنایت ربانی و توفیق یزدانی درسفرو حضرم نصیب شد و وسائل فراهم آمد تا این حقیر توانست در حدود مقدورات و وسع خود مطالب را جمع آوری از عهده این مهم برآید رجاء واثق دارد که ارباب دانش هر نقصی در این مقال بینند بادیده لطف و اغماض بنگرند و از راه کرم از رهنمائی مضایقه نفرمایند تا نتایص در چاپهای بعدی رفع گردد انشاء الله بمنه و کرمه و عونہ.

بنابر این قبل از شروع بموضوع باید معنی اصطلاحی ترجمه را تعریف و شرائط و اقسام آنرا بیان نمود و صفات بارزه مترجم شایسته را ذکر کرد. و اصول کلی را در این فن مورد بحث قرار داد و اینهمه را بموضوع تطبیق کرد تا باین نکته رسید که آیا اصولاً و منطقاً قرآن مجید قابل ترجمه است. ؟

آیا اوصاف و شرائط ترجمه خوب و مترجم امین در ترجمه این کتاب کریم صدق می کند؟ آیا کلمات مرسوم قرآن و محکمت و تشابهات و قصص آن و مفردات و ترکیبات قرآن با ترکیب خاص آن را میتوان در قالب الفاظ یخ زده و بی جان و بی لطف السنه دیگر ریخت ؟

آیا این آیات عالم غیب که میثاق بزرگ میان آفریدگار و آفریدگان است و کارنامه جهانیان و بیان معجز نشان سبحان است و شاهکار فصاحت و بلاغت کردگار جهان چه گونه در قالب سست کلمات مدعیان ریخته می شود ؟

آیا این کوزه های تنک حوصله و یارای آنرا دارند که دریای موج و خروشان در آنها گنجیده شوند ؟

باری بی گفتگو ترجمه قرآن بدون آشنائی کامل بعلوم ادبی و تبجرتام و تمام در زبان عربی و اطلاع وافیه از علوم قرآنی و تاریخ اسلام از بدو نهضت آن و سیره

پیامبر اکرم و تاریخ و آداب و رسوم و سنن و اشعار عرب دوره جاهلیت میسر نیست چه قرآن روح اسلام است.

صرف نظر از مطالب مذکور اینهمه زیبایی و لطف و شور و شوق و ایجاز در کمال مطلوبی و جزالت در نهایت خوبی و فصاحت و بلاغت تمام یعنی شماره کلمات کم و تعداد معانی بسیار از تصنع بری از تکلف برکنار است. چه گونه ترجمه می شود؟ آن حسن ترکیب کلمات که شنیدنش از لحاظ هم آهنگی و روانی فی المثل آبرای جریان و مرغ را از طیران بازسیدارد. چه سان بشکل ترجمه بدست نااهلان ستمگر بصورت عبارات نارسا و بی جان درآمده است؟ باری مسلم است هرگز نویسنده دانا و مترجم توانا را آن یارا نیست چنانچه شاید و باید ترجمان کتاب خدای لایزال گردد و آئینه وار تصویر کلام معجز نشان سبحانی را منعکس سازد.

### معنی اصطلاحی ترجمه

بحث در معنی لغوی ترجمه را به فصول آینده برگزار می کنیم حالا به بیان معنی اصطلاحی آن می پردازیم. بطور کلی منظور از ترجمه در اصطلاح و در عرف انتقال معنی کلام از زبانی به لسان دیگر است با توجه باینکه جمیع معانی و مقاصد منظور در اصل متن را متضمن باشد بحدی که گوئی عین کلام را از لغتی به لغت دیگری منتقل کرده اند با علم باینکه نقل عین کلام از زبانی بزبانی دیگر میسر نیست. ترجمه اصطلاحی بدو قسم منقسم است:

۱ ترجمه لفظی یا مقید ۲ ترجمه تفسیری یا آزاد

ترجمه لفظی آن است در مقابل هر کلمه مرادف آن قرار گیرد باین ترتیب که متن ترجمه حکایت از مراعات نظم و ترتیب اصل نماید. در اینحال وظیفه مترجم غیر از مراعات امانت هاید در هر دو زبان متبعر باشد و هر کلمه را در موضع و محل معین خود بگذارد و اگر چنین عمل نماید معنی مراد مخفی گردد و علت آن همانا اختلاف لغات و طرز استعمال کلمات در زبانهای متعدد است.



### شرائط ترجمه لفظی

۱- وجود مفردات در لغت ترجمه است که باید با مفردات اصل متساوی باشند  
 بنحوی که نظیر هر مفردی را در زبان ثانوی به محل مفردات زبان اصل بتوان گذاشت  
 ۲- تشابه لغتین در ضماثر و قیود و پساوند و پیشاوندها و بطور کلی هممانندی  
 روابط کلام است که برای ایجاد تراکیب بکار می‌برند. بعلاوه تشابه ذوات روابط  
 نیز باید مورد نظر باشد.

شرط تشابه برای آنست که ترجمه حکایت از ترتیب موجود در اصل نماید.  
 ولی مع الوصف باید گفت که وجود ایندو شرط متعذر است و شرط دوم مشکل‌تر  
 از اول می‌باشد و از این نظر است که عده گفته‌اند ترجمه لفظی محال است.

### ترجمه تفسیری یا آزاد

در این نوع ترجمه مراعات و محاکات نظم و ترتیب اصل مورد نظر نیست  
 بلکه آنچه بهم است. حسن تصویر معانی و ذکر کامل اغراض مؤلف است.  
 از این روست که این ترجمه را معنوی یا تفسیری می‌نامند زیرا که غرض از  
 این نوع ترجمه فقط بیان مطالب است مترجم اصلی را بر میدارد و در قالب جدید که  
 حکایت از معنی مراد نماید میریزد.

### شرائط مترجم

بر هر مترجمی لازم است که واجد چهار شرط زیرین باشد:  
 اولاً مترجم باید کاملاً بدقایق و نکات هر دو زبان یعنی اصل و ترجمه مسلط باشد  
 ثانیاً با سالیب و خصائص هر دو زبان آگاه باشد.  
 سوم آنکه ترجمه را به جمیع معانی اصل و مقاصد مربوط بمتن بنحو مطمئن  
 ایفا کند.  
 چهارم ترجمه را چنان نیکو ادا کند که مستقل و مستغنی از متن باشد و رنگ  
 و بوئی از اصل در آن دیده نشود.

## حکم ترجمه قرآن

این ترکیب اضافی مشتمل بر چهار معنی است که سه تا از آن مربوط به لغت و حد لفظ است ولی معنی چهارم مشترك بين لغت و عرف مردم است و واجد اهمیت مخصوص و مورد نظر عام می باشد :

۱- ترجمه قرآن بمعنی تبلیغ و بیان الفاظ و شرح احکام آن است که در شرع جائز است .

۲- ترجمه قرآن بمعنی تفسیر به لغت عربی است

۳- ترجمه قرآن بمعنی تفسیر آن بغير زبان عربی مانند فارسی است

۴- ترجمه قرآن به معنی نقل به لغت دیگری است

یعنی نقل قرآن از اصل متن عربی بزبان دیگری یعنی تعبیر معانی و مقاصد آن بالفاظ دیگر بشرط ایفاء جمیع معانی و مقاصد آن است

با توجه بشرائطی که برای ترجمه گفته شد و وجه تمایز و اقسام مختلف آن بیان گردید فعلاً ما را از بحث مجدد بی نیاز می گرداند ولی باید دانست که ترجمه قرآن باین معنی برخلاف تفسیر بزبان عربی و بزبان عجمی و نیز مخالف ترجمه تفسیر عربی و ترجمه لفظی است .

اما شرعاً حکم ترجمه تفسیری یا معنوی قرآن مبتنی بر عدم امکان و حرمت است و منطقاً محال است چون مترجم قدرت بوفاء جمیع معانی و مقاصد متصوره در قرآن را در ترجمه نمی تواند دارا باشد . اگر بفرض محال تصور شود که ترجمه قرآن مثل قرآن است (بحکم لیس کمثله شیئ) آن نیز محال است زیرا که قرآن عرب را به تحدی و به اتیان مثل دعوت کرد ولی همگان از اینکار عاجز ماندند . در صورتیکه در آن زمان هنوز زبان عرب آلوده نشده بود و کفار قریش و احبار یهود که با دارا بودن فصاحت و بلاغت تمام بزرگترین دشمن پیامبر اسلام بودند بنا توانی خود اعتراف نمودند و اعجاز قرآن در طی زبان اثبات گردید .

اما حقیقت و واقعیت جلو وقایع و حوادث را نمی گیرد بنابراین تراجم زیادی

از قرآن بعمل آمده است که به ترتیب مقام و زمان مترجم آن معرفی می شود و در آغاز کتاب شخصیت بزرگ علمی امروز که برای تفهیم و تفاهیم دقایق قرآن زحمت فراوان کشیده و از راه انصاف منحرف نشده است و با وجدان سالم و دور از تعصبات مذهبی اسلاف و عاری از اغراض سیاسی پیروان مکتب انتقادی قرن نوزدهم اروپا بترجمه لفظی قرآن مجید اقبال نموده است و به تصدیق مردم صاحب نظر و ارباب معرفت در کار خویش قرین توفیق بوده است معرفی می شود .

این دانشمند گرانمایه موسوم به پروفیسور آرتور آربری است .

## شرح احوال پروفیسور آرتور آبری

در خانواده درجه دار نیروی دریائی و در خانه بسیار کوچک کوی کارگران فراتون شهر پورت اسموت در دوازدهم ماه مه سال ۱۹۰۵ میلادی متولد گردید و بین پنج فرزند ابوین خویش فرزند چهارم بود.

پدرش از پانزده سالگی خدمت خود را در نیروی دریائی پادشاهی شروع نمود. مدتی از سالیان خدمت وی در چین سپری شد در جنگ جت لند در تحت فرمان جلیکو شرکت کرد و آخر الامر با سمت رسمی درجه داری نیروی دریائی باز نشسته گردید.

مادرش چون بزرگتر از سه خواهر خود بود از دوازده سالگی برای کمک به بودجه خانواده بکار و کوشش پرداخت.

ابوین آبری مشتاق قرائت کتابهای سودمند بودند و بچه های خود را دوستدار کتابهای پر ارزش ادبی بار آوردند.

آغاز تحصیلات استاد از سه سالگی شروع شد و آن موقعی بود که بمدرسه دولتی رینالد رود رهسپار گردید. چهار ساله بود که در پاسخ پرسش همسایه مهربان خویش گفت بدانشگاه خواهد رفت در حالی که تا آن زمان کسی از قوم و خویشان ایشان بدانشگاه راه نیافته بود.

در یازده سالگی توفیق پیدا کرد یکی از ده بورس تحصیلی مدرسه پرت اسموت را بدست بیاورد. چون سن شانزده رسید خویشتن را برای ورود بدوره عالی کمبریج آماده نمود و قبل از اینکه در سال ۱۹۲۴ به پمبرک کالج میکائیلیماس برود تمام مواد مربوط به لاتین و یونانی را خواند و اشکالهای خود را برطرف کرد. صبح روزی که

برای دریافت درجه B.A به‌حضور پروفیسور مینس رفت مسیر زندگی اش عوض گردید و برحسب اشاره پروفیسور پیرو مکتب ادوارد براون شد. به‌محضر استاد نیکلسن راه یافت. اولین معلم علوم اسلامی آربری دکتر عقیقی نامی بود بعدها از درس پروفیسور نیکلسن و پروفیسور لوی نیز استفاده برده است.

استاد بزرگ سراحل مختلفی را پیمود تا سمت استادی کرسی فارسی و عربی دانشگاه کمبریج را پیدا کرده است و از جمله آثاری که استاد نسبت به طبع یا ترجمه آن پرداخته به ترتیب زمان عبارتست از:

۱۹۳۳ طبع کتاب لیلی و مجنون، ۱۹۳۴ کتاب التعارف الکلابادی، ۱۹۳۵  
فهرست کتب خطی عربی کتابخانه هند - ۱۹۳۶ طبع اشعار یکک صوفی ایرانی، تهیه  
فهرست کتب خطی ایرانی کتابخانه هند، ۱۹۳۸ کتاب عشاق عراقی، ۱۹۴۰ روشن  
مسلمانان در جنگ - همکاری بریتانیا برای مطالعات ایرانی، ۱۹۴۲ مستشرقین انگلیسی  
۱۹۴۳ اسلام امروز، ۱۹۴۴ مقدمه تاریخ تصوف، ۱۹۴۵ شاهان و گدایان، ۱۹۴۶  
پانزده غزل از حافظ، ۱۹۴۷ قطعاتی از کتاب الملع، ۱۹۴۸ گلستان جاوید - رباعیات  
عمر خیام، ۱۹۴۹ سرودهای ایرانی، ۱۹۵۰ اشعار نوین عربی، ۱۹۵۱ الهیات ابن سینا -  
ترجمه جدید رباعیات عمر خیام - فهرست مختصر کتب خطی اسلامی دانشگاه کمبریج  
۱۹۵۳ قرآن مقدس - میراث ایران، ۱۹۵۴ اشعار ایرانی، ۱۹۵۵ ترجمه قرآن -  
سلامان و ابسال، ۱۹۵۶ حق و انقلاب در اسلام، ۱۹۵۷ هفت سرود، ۱۹۵۸ ادبیات  
قدیم ایران، ۱۹۶۰ آثار مستشرقین، ۱۹۶۱ داستانهای مشنوی.

## آغاز کتاب

### اولین ترجمه

نخستین مترجم که قرآن را در قرن دوازدهم میلادی ب زبان اروپائی ترجمه نموده است بشهادت پترویزاپیل راهب کل یک نفر محقق مکتب انگلیسی موسوم به Rabertus Retenensis بوده است .

این کتاب در سال ۱۱۴۳ م تکمیل شد و از یک انتشار قابل ملاحظه خطی برخوردار گردید بعد از چهار قرن مجدداً « این ترجمه لاتین بسبب قرون وسطائی در Basle باسل نشر گردید . ناشر ثانوی شخصی موسوم به تئودور از اهل زوریخ بود این اثر محتوی مطالب غیر صحیح و مملو از سوء تفاهات است که از منشأ تعصب و بغض و عداوت سرچشمه گرفته است و به منزله بازار مغشوش و پراز جنجال و کینه نوزی است و مجالی برای ظهور و رواج حقیقت را ندارد مع الوصف این کتاب مبنای قرآن غرب و اولین ترجمه در بین افکار و آثار اروپای متجدد و مدرن محسوب می گردد .

**آندره دوریر** Andre du Ryer از اهالی Bourguagne فرانسه بود ترجمه عوامانه و سطحی از قرآن منتشر نمود . این شخص در مدت اقامت طولانی خود در شرق بانجام این مهم همت گماشت ولی بعلت نقص اطلاعات چنانکه شاید و باید از عهده بر نیامد . او در قاهره بشغل دادوستد اشتغال داشت و در ضمن امور کنسولی کشور فرانسه را نیز انجام میداد وی تا سال ۱۶۳۰ در مصر بود و در این تاریخ بسوی استانبول رهسپار گردید . در این شهر او شروع بیاد گرفتن زبان ترکی نمود و کتاب -

Rudimenta grammatica linguae turcicae از او بیادگار مانده - کتاب سوم نامبرده یک فرهنگ ترک و لاتین است .

ترجمه قرآن او در سال ۱۷۴۷ در پاریس در زیر عنوان Alcoron de Mahomet ظاهر شد این کتاب با وضع بی سابقه ای مورد توجه مردم واقع گردید و در عرض مدت قلیلی کمیاب شد زیرا که در این زمان مذهب اسلام حائز اهمیت بسیار بود و این کتاب در یک سال پنج بار چاپ گردید .

ترجمه کتاب قرآن du Ryer در سال ۱۷۴۹ به انگلیسی و بعداً بزبان آلمانی طبع و نشر گردید در طول مدت یک قرن ترجمه قرآن du Ryer بدفعات در فرانسه در هلند و دانمارک و بلژیک و انگلستان انتشار یافت .

آخرین دفعه در سال ۱۷۷۰ در آمستردام شخصی بطبع آن کتاب همت گماشت در ضمن نا گفته نماند که در این زمان و از مدت ها قبل نیز کسانی بودند که بنقص ترجمه du Ryer پی برده بودند بعید نیست که در فرانسه و یا در سایر ممالک کسانی درصدد بودند که ترجمه بهتر و بواقع نزدیک تر از قرآن بنماید و در دسترس مردم قرار دهند ولی امری که مانع از انجام این عمل بود مسئله مخالفت مسیحیون مسیحی با مسلمین و تعارض و اختلاف وجدال و کشمکش با آنها بود .

چنانکه گفته شد در سال ۱۷۴۷ یک ثروتمند سوداگری که در شرق بشغل دادوستد و بازرگانی اشتغال داشت و ترجمه فرانسوی قرآن را منتشر کرد که ترجمه او و اهمیت فوق العاده کسب کرد و کمیاب گردید دو سال بعد همین کتاب بزبان انگلیسی ترجمه گردید و در تحت عنوان عجیب در عالم طبوعات ظاهر گردید بترتیب ذیل :

القرآن محمد ترجمه شده از عربی بزبان فرانسه بوسیله جناب آقای Ryr -

لرد Malezair نماینده سیاسی پادشاه فرانسه در اسکندریه که قریباً بانگلیسی ترجمه گردیده است برای جلب رضایت و برای خاطر کسانی که میل دارند مزخرفات ترکی را ملاحظه نمایند تقدیم میشود . این کتاب محتوی تاریخ حیات محمد پیغمبر ترکها و مؤلف قرآن است و نیز حاوی نصیحت و متضمن پاره ای قصص است برای کسانی که میل به تحقیق و رغبت بر این مسئله دارند که بدانند مذهب اسلام و قرآن چگونه ساخته و پرداخته شده است مفید است و خواندن این کتاب مخاطره

برای مسیحی ایجاد نمی‌نماید) بنابراین ملاحظه می‌شود که مترجمین اولی آغاز ترجمه قرآن و معرفی آنرا بانگلیسی زبانها تا چه اندازه توأم با عداوت و کینه‌توزی شروع کرده‌اند که شرح و بسط و بحث آن شرم‌آور است در سرآغاز این کتاب مقدّماتاً قبل از شروع بموضوع تذکراتی بخوانندگان مسیحی داده شده است که نقل قول آنان چگونگی وضع و تعصب شدید زمان را آئینه وار نشان می‌دهد بقرار زیر :

( در بین مسلمانان فرقه‌ها و سلک‌ها و دسته‌های متعددی بوجود آمده‌اند و بدعت‌ها ایجاد کرده‌اند ولی در معنی همگی باهم برضد حقیقت اتحاد کرده‌اند من صلاح میدانم که باطالع خوانندگان برسانم که آنان خود را آماده مبارزه بدعت‌ها بنمایند و امیدوارم که بردشمنان جیره‌گردم)

من فکر کردم بهتر است آنها را برنگ حقیقی خود بیاورم و عرضه دهم خوانندگان ممکنست حیرت کنند و ملاحظه کنند که قرآن بانگلیسی روان و فصیح ترجمه گردیده است و تصور نمایند محمد فاتح در این کارزار نزدیک است ولی بزودی ترس ایشان زایل خواهد شد .

ای خواننده عزیز! اگر تو فرض کنی و بدانی که قرآن شالوده و اساس مذهب ترکهاست از آن بیزار می‌شوی باری قرآن تقریباً به تمام السنه ملل مسیحی و یا باغلب آنها از قبیل لاتین برای درک علل اختلاف بین عیسویان و مسلمانان پاورقی را ملاحظه فرمایند \*

### جنگهای صلیبی

✠- از موقعی که بین شارلمان و هارون الرشید روابط حسنه برقرار شد زیارت فلسطین نصاری جریان داشته و روز بروز دامنه آن وسعت پیدا کرد در میان زائرین گروهی هم بودند که با اسلحه مانند یک سپاه حرکت مینمودند در سال ۱۰۴۵ میلادی آبریشار Abbe Richard یک نفر قسّیس هفصه نفر را با خود برداشته بقصد زیارت حرکت نمود ولی نتوانست بمقصد برسد بلکه از قبرس مراجعت نمود و در سال ۱۰۶۴ Sigefroy پیشوای بزرگ مایاس و چهار نفر دیگر با هفت هزار زوار حرکت نمودند . در میان آنها امرا و سرکردگان زیادی بودند که ناچار بابدویان و ترکان هم جنگ مینمودند . زیارت بیت المقدس تا این درجه سخت و خطرناک شده بود که کشیشان آنرا اکافره گناهان گناهکاران مسیحی قرار داده بودند .



ویونانی و فرانسوی و غیره ترجمه گردیده است ولی مع الوصف تا کنون کسی باسلام نگرویده است مگر کسانی که مجبور بودند و یا درجائی که زورشمشیر در کار بوده است .

توای خواننده مسیحی قرآن را بسیار خشن و سملو از تهدید و تنبیه و عذاب و عقاب خواهی یافت و نیز حاوی مطالب متباین سملو از تناقضات و ناسازها و گفتارهای نامناسب و افسانه های مسخره آمیز خواهی دید و حتی بعضی از مسلمانان با انصاف متعذر شده گفته اند که پیغمبر آنان یکصد و بیست هزار حدیث دارند که فقط سه هزار تا از آن احادیث صحیح است باقی از قبیل موضوعات امکان پذیر است . در همین حدیث و قرآن را باهم آمیخته اند و این خود نشانی از بی احتیاجی آنان است . حدیث بخاری از میان ششصد هزار و ابوداود از میان پانصد هزار فقط چهار هزار حدیث را صحیح دانسته است

#### مسلمانان به شق القمر و وجود اجنه اعتقاد دارند

ضمن اوصافی که برای قرآن شمر دم این را نیز باید بدانید که هر کس که درین مسلمانان مورد احترام و تقدیس است که حد و حصر بر آن تصور نمی توان کرد در روی جلد قرآن نوشته میشود نگذارید کسی باین کتاب دست بزند و آنرا لمسه کند مگر پاک و مطهر باشد . ( لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ )

واقعاً در آن زمان اشخاص گناهکاری که مرتکب معاصی کبیره شده باشند زیاد یافت میشدند این بود بواسطه خوف و شدت هراس که از عذاب جهنم و محسوس شدن با شیاطین داشتند بر عده ذائقین خیلی افزوده شده بود با استثنای چند نفر اشخاص راسخ العقیده اکثر ذائقین بیت المقدس از جمله مردم شریر و فاسدی بودند که فطرتاً از هیچگونه شرارت و خیانت روگردان نبودند .

و محض خوف و وحشت از سوختن در آتش جهنم این مسافت دور و دراز را طی مینمودند باری عده این ذائقین روز بروز زیاد شده و اخلاق و اطوار آنها تدریجاً تا این قدر ضایع و فاسد گردیده بود که چون ترکان آن وقت در شام حکومت داشتند از ایشان جلو گیری کرده و حکم سخت دادند که نباید آنها در کشور اسلامی بدون اجازت برای زیارت بیایند .

ترکها بجای اینکه بآنها اجازت دهند که محترماً با ساز و آواز و مشعل و چراغ داخل بیت المقدس شوند ( چنانکه در دوره اعراب اجازه داشتند ) مجبورشان ساختند که اکمال ذات و خواری داخل شوند و هر گونه تشدد و سختی هم نسبت بآنها روا میداشتند

مردم عوام هرگز اجازه خواندن آنرا ندارند مسلمانان کور کورانه زنده ومرده در یک مذهب استبدادی بلاشرط بسر می برند آنچه علماء دین می گویند بدون چون و چرا آنرا گوش میدهند وعمل مینمایند .

بنابراین ای خواننده عیسوی ولو اینکه در مذهب خود ناستواری و در دل خود نسبت به کیش خویش تردید داری الان موقع آن است که ملاحظه کنی و مقایسه نمائید آئین خویش را با مذهب ترکها وسخافت دین آنان را ببینی و در هدف و کمال ، طریق وسعادت وعقیده آنان دقت نمائی دینی که آنان پیروی میکنند بی ارادی وبدون تعقل است و در نتیجه فشار وتحمیل قبول کرده اند اما من مطمئن هستم حتی اگر تو پارسا نباشی وتعصب مذهبی هم نداشته باشی حتی اگر ارتودوکس هم باشی .

در میان این زائرین يك نفر سیاهی وجود داشت که بر اثر جدال و نزاع با زنش فرار کرده و راهب شده بود .

این شخص که در واقع دیوانه ونهایت درجه متعصب وماجراجو بود ونام اصلی اش Pierre بوده و در تاریخ لفظ ارمیت یعنی فقیر هم بآن اضافه شده بود بعلم رفتار زشت و ناهنجاری که با وی در فلسطین نمودند سخت متأثر شد بعدی که آن هیچ وقت از یادش میرفت تا اینکه خود را یکی از اولیاء الله تصور کرد و این را جزء فرایض خود شمرد که برای نجات ارض مقدس تمام اروپا را بقیام وادار نماید . او خود را در این خیال مستغرق ساخته اول بروم رفت و از پاپ استمداد نمود Urban II باو اجازت داد که برای خلاصی اماکن مقدسه تمام نصاری را دعوت نماید .

فوراً با بیتالیا وفرانسه حرکت کرده و در تمام این نقاط با حال گریه وزاری مردم را تبلیغ مینمود و بهره سرائی و لمن و دشنام بکفار (یعنی مسلمین) مردم را تحریک کرده قیام و امیداشت وحامیان قبر مسیح را بشوایانهای اخروی امیدوار میساخت . خطابه های پر جوش وخروش او در مردم تأثیر غریبی بخشید تا این حد که او را مبعوث من عند الله خیال مینمودند . این طبقه عوام که «پیر» آنها را دیوانه خود ساخته بود هیچ کاری از آنها ساخته و پرداخته نبود لیکن پیش آمدهای چندی کمک کرده که رۇسا و امرای کشورها هم بعد از چندی باین امر قبال نمودند .

مع ذلك این مذهب ترکها برای تو جالب نخواهد بود و ترا از راه خود منحرف نخواهد کرد و با تعقیب این نور لرزان شمع خاموشان در ظلمت مطلق غوطه‌ور نخواهی گردید.

من قرآنرا بتو معرفی میکنم و زحمت ترجمه آنرا از زبان فرانسه متحمل شده‌ام و بلاشک میدانم و با کمال صراحت می‌گویم که این آئین مانند سمی مهلک است که

الکسیس کمَن Alexios Comnene امپراطور روم شرقی که کشوری رو به تجزیه می‌رفت و نیز قسطنطنیه پایتختش را ترکان محاصره کرده بودند نزد پاپ و سایر پادشاهان اروپا بنای داد و فریاد را گذاشت و این داد و فریادهای او با خطابه‌های آتشین پیر در مسیحیان حرارت و جوش غریبی ایجاد نمود پاپ هم آتش دامن زد مجلسی در ایتالیا منعقد ساخت ولی از این مجلس نتیجه‌ای گرفته نشد تا در سال ۱۰۹۵ میلادی مجلس دیگری در Clermont منعقد نمود که پیرارمیت هم در آن شرکت داشت. در این مجلس از غیبت گوتیه‌های «پیر» و داد و فریاد حضار و مستمعین که رضای الهی همین است طوری در حضار تأثیر بخشید که يك دفعه روی شانه خود علامت صلیبی از پارچه وصل نموده و همانجا قسم خوردند که بقلسطین رفته قبر مسیح را از چنگ کفار خارج سازند و در سال بعد در روز صعود حضرت عیسی با آسمان حرکت لشکر آغاز گردید. تفصیل جنگهای صلیبی و شرح مظالم و خرابی و آدم‌کشی و هزاران اقدامات ناروا و غیر انسانی صلیبی‌ها از عهده این مقال خارج است ولی بطور تهرست اشاره میشود فکر لشکر کشی بقلسطین جوش غریبی در دلها تولید کرده بود و علاوه از ثواب اخروی و رفتن بهشت هر کسی پیش خود حساب میکرد که در نتیجه موفقیت در این جنگ مال و منالی بدست خواهد آورد و وضع زندگی خود را سر و سامانی خواهد بخشید. زارع که در حین خرید و فروش زمین با همان کالا در معرض بیع و شری قرار می‌گرفت و در حقیقت مقید بزمین و اسیر مالک محسوب می‌گردید و برای رهایی از این بند و آزادی جان میداد. اولاد کوچکتر خانواده‌ها که مطابق قانون ارشدیت محروم از ارث بودند، امرا و اشرافی که از متروکات آبائی خود ارث کمتر برده و در زیاد کردن ثروت حریص بودند راهب که از فشار و سختی زندگی خانقاهی خسته و فرسوده شده و بالاخره تمام مردم رنج‌دیده و مفلوک و بدبخت و بی نصیب از ارث که شماره آنها خیلی زیاد بوده است بطمع استفاده از ثروت

قسمت عمده گره زمین مسکونی ما را فرا گرفته و افکار جهانیان را مسموم نموده است و نیز ممکن است قرائت این کتاب مانند پادزهر و یا تریاقی که سبب تشییع مبنائی دین و تقویت آئین سست دلان مسیحی شود و موجب اعاده آنان بکلیسا گردد.

### نظریه آربری

«این است نظریه مترجم مغرض و متعصب و ارزشی که بقرآن قائل گردیده است شگفتا که این کتاب از صحت و درستی و خوض در اصل و کنه مطالب بسیار بدور است» ترجمه‌ای که در مورد سوره یوسف آیه ۹ - ۳۲ در مورد مجادله یوسف بازن فرعون بعمل آورده است ذیلاً نگاشته میشود. زن ارباب او عاشق جمانش گردید. او یک روز یوسف را در اطاق خود نگاهداشت خلوت کرد با او عشق ورزید و یوسف گفت خدایا مرا از خیانت بارباب خود نگهدار و نگذار از جاده عفاف دور بشوم و منحرف گردم او در جرگه راستان بود و بطرف در دوید خاتونش بدنبال وی روان گردید تا او را از رفتن بازدارد پیراهنش از پشت پاره گردید. اما ناگهان شوهر را پشت در ملاقات نمود که باو گفت آن کسیکه باهل تو خیانت نماید مستحق چه مجازاتی است آیا یاید بزندان بیفتد یا عقوبت سخت‌تر ببیند؟

سرشار شام فلسطین و تمتع از مزایای زندگی شرقی برآمده کوئی عقل خود را از دست داده بودند هر کس در بازگشت از این سفر زندگی بسیار مجلل و مرفه برای خود تصور مینمود. در این اثنا گرفتار قحطی و بیماری گردیدند پیرارمیت ناگهان فرار کرد ولی گرفتار شد و بسختی کتک خورد و بعد بین سرداران اختلاف ایجاد گردید. باندازه سطح اخلاق در اردوی صلیبیان تنزل کرده بود که شماره جاسوسان زیاده از حد بود که برای مقاومت با آنها جاسوسان را گرفتند و در دیگها پختند و گوشت آنها را بسر بازان خورانیدند. رفتار صلیبیان در این لشکر بهیچ وجه جنبه معنوی و انسانی نداشت بلکه کاملاً وحشیانه و مباین اخلاق و رأفت بشریت بود بعدی که روبرت راهب مینویسد «لشکر ما یعنی مجاهدین صلیب در شهر مارا Marart در گذرها و میدانها و پشت بامها متصل در گشت و حرکت بودند و مثل یک شیر ماده ای که بچه اش ربوده شده باشد از قتل عام لذت میبردند. اطفال را پاره پاره کرده پیر زنان و مردان سالخورده ناتوان را از دم تیغ میگذرانند.

یوسف گفت ای خداوند گار من تقصیر ندارم او با من خلوت کرد آن بچه که در گهواره است و از خویشان زلیخا میباشد گواه من خواهد بود پس کودک گهواره نشین گفت اگر دامن پیراهن یوسف از قسمت جلو پاره شده باشد حق بازلیخاست و او راست گفته است و یوسف دروغگو میباشد چون فرعون دید که پیراهن یوسف از پشت سر دریده است فهمید که در آنجا یوسف سوء قصد بزرگی بوده است بیوسف گفت ای یوسف این راز را مخفی نگه دار و بکسی نگوی و حذر کن از افشاء آن .

بسوی زنی برگشت گفت از گناهت تقاضای آمرزش و عفو کن تو متقصیر واقعی هستی نمونه دیگری ترجمه اذکر علت وجواب گوئی و وقایع تولد حضرت مسیح است  
سوره ۱۹ آیه ۶-۳۴

بالاخره روز بروز بر تعداد این مجنون ها و یا شیفتگان بهشت دنیا و آخرت افزوده میشد بطوری که بنظر میآید تمام اروپا اعم از آزاد و بنده و مالک و رعیت و پیر و جوان در صدد مسافرت به بیت المقدس هستند تا اینکه اولین دسته این جماعت مهاجم در بهار سال ۱۰۹۶ حرکت خود را شروع کردند و چون در بلغار پذیرائی از آنها نکردند شروع بغارت نمودند مردم مقاومت کرده آنها را راندند و در قسطنطنیه نیز فجایع و شنائعی را مرتکب شدند و بالاخره یکصد هزار نفر از ایتان آسیای صغیر رسیدند و از تر کها سخت شکست خورده و متلاشی شدند ولی لشکریان بعدی که بشکل نظامی و در تحت سرداری Godefroy de Banillan Duc de basse Eoraine بودند در آسیای صغیر با تر کها مصادف و آنها را شکست داده و تمام رعایای سر راه را غارت کردند و هر کسی که جزئی مقاومت میکردند و جوان و پیر را در يك ردیف ازم شمشیر میگذرانیدند و نیز به هیچ متنفسی ابقا نمینمودند و محض تسریع در عمل و اینکه زودتر فارغ شده باشند چندین نفر را بیک ریسمان بدار میآویختند . من از مشاهده این احوال تعجب کردم که چگونه اهالی محل با وجود جمعیت زیاد و داشتن اسلحه از خویشان دفاع نمیکردند و جان خود را بکف نهاده بقربانگاه رومیان آوردند . صلیبیان هر چه پیدا میکردند فوراً میر بودند . شکم مرده ها را پاره کرده بول و جواهری که سراغ داشتند بیرون میآوردند . امان از حرص و طمع - در کوچه های شهر نهرهای خون جاری و از چهار طرف لاشهای کشتگان رویهم ریخته از بالای آن عبور مینمودند و اقامتگاه سنگدلانی بودند گوئی مرك و قیامت و مسیح را فراموش کرده اند . اگر واضح تر بگویم در میان آنان يك نفر مسیحی واقعی پیدانمیشد .

بنیادینا و آنچه در مورد مریم نوشته شده است هنگامی که بمشرق برای عبادت روی آورد و از اهل خویش کناره گرفت و پرده برای پوشش خود باخویشتن همراه برد روح خود را بشکل یک مرد فرستادیم او ترسید و گفت خدا سرا از تو نگهدارد » ( او گفت ای مریم من فرستاده خدا هستم او بشما پسری خواهد بخشید یا کیزه و پاک سیرت ) .

مریم جواب داد چگونه من صاحب پسری می شوم که مردی با من تماسی نکرده است من نمیخواهم عفت خود را از دست بدهم .

بالاخره Bahemand تمام مسلمانان را در صحن قصر شهر جمع نمود وزن و مرد و پیر و ناتوان و بیکار را تماماً از دم تیغ بی دریغ گذرانید و جوانان را برای فروش بانطاکیه فرستاد .

ولی علی رغم این همه کشتار از یک میلیون قشون منظم بیشتر از بیست هزار نفر به بیت المقدس نرسید بقیه دستخوش قحطی و طاعون و جنگ و جدال داخلی گشته و تلف شده بودند و بیت المقدس در همان زمان که از چنگ ترکها خارج و در ید تصرف مصریها بود قبضه نمودند و در تاریخ ۱۰۹۹ میلادی ولی نا گفته نماند که اگر این صلیبیان بومی از دین عیسی برده بودند و یا مانند شرقیان بهره از تمدن و انسانیت داشتند با آن قشون منظم و بر حرارت میتوانستند دنیا را در تحت سلطه خود در آورند پوشیده نماند که اسلام و مسلمین نسبت بنصاری فوق العاده مهربان بودند چنانکه وقتی عمر بیت المقدس را فتح کرد با حدی از نصاری گزند نرسانید ولی این شیفتگان قبر مسیح در گذرها و میدانهای بیت المقدس از سرها و دستها و باها تله هائی تشکیل داده بودند و از روی آن عبور مینمودند -

Raymond D'ayiles منوید در هنگام سقوط بیت المقدس ده هزار نفر از مسلمانان بمسجد عمر پناه برده بودند تمامشان را قتل عام کردند و هشت روز این قتل عام دوام داشت تا اینکه هیچ نفس کشی در این دیار پیدانگر دید و شنایع اعمال این حامیان تلیث نیز قابل ذکر نیست یکی از مورخین عیسوی صلیبیان را بچه های شیطان خوانده است که با ناموس طبیعت مخالف و دین و ایمان را مسخره نموده اند و هر نوع عمل زشت و معاصی و منکر را مرتکب میشوند و بعد از این مینویسد که شنایع اعمال آنها تا این درجه برخلاف طبیعت انسانی است که اگر مورخی بخواهد آنها توصیف نماید از عهده چنین کاری نمیتواند بر آید بلکه شنونده تصور

او گفت موضوع همانطوری که گفتم انجام خواهد گرفت این مسئله در دست خداوند تو آسان است و ما این پسر را آیت بزرگ و رحمت واسع خود برای خلق می گردانیم و قضای الهی بر اینکار رفته است پس مریم بار برداشت بمکانی دور رفت خلوت گزید آنگاه که او را درد زائیدن فرارسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت حزن و اندوه باخود می گفت ای کاش من از پیش مرده بودم و از صحنه عالم بکلی نامم فراموش شده بود. فرشته ای بدو ندا کرد که غمگین نباش.

که خدای تو از زیر قدمت چشمه آبی جاری کرد. ای مریم شاخ درخت را حرکت بده تا از آن برای تو خرمای تر فروریزد پس آنها را بردار و بخور و آب بنوش و چشمانت را بشوی و بآنها بگو که یک روز روزه گرفته و تا آخر روز بکسی حرف نخواهی زد آن گاه خویشان مریم او را ملاقات کردند و زمانی که او بچه اش را لخت میکرد باو گفتند (بنی اسرائیل وقتی روزه می گرفتند سکوت می کردند).

مینماید که شاعری قصیده هجویه ساخته است تا اینکه وقایع مزبور مانند تازیانه عبرتی مسلمین را بیدار کرد دستهارا بهم دیگر دادند عیسویان در این زمان متوحش شدند و از اروپا کمک خواستند تا اینکه لویی هفتم و Conrad سوم پادشاه آلمان هم در جنگ شرکت کرد ولی بزودی سپاهیان اندو متفرق شدند و آنچه نگفته نباید گذاشت طرز اخلاق و رفتار صلیبیان در این جنگ میباشد که عیناً مثل جنگ اول بود بدون هیچ تفاوتی تا اینکه در سال ۱۱۸۷ میلادی سلطان صلاح الدین ایوبی مسیحیان را از بیت المقدس اخراج نمود ولی در عوض قتل عام نصاری جزیه خفیفی بر آنان معین گردید و حتی از غارت آنان نیز جلوگیری نمود. ولی جنگ سوم را ولیم پیشوای صور برپا نمود و آن از سال ۱۱۸۹ میلادی تا سال ۱۱۹۲ دوام کرد و از پادشاهان اروپا فیلیپ اگوت پادشاه فرانسه، ریشارد شیردل پادشاه انگلستان فردریک باربروس پادشاه سردار این جنگ بودند. اما باربروس مرد و فیلیپ اگوست منصرف گردید ولی ریشارد شیردل اینکار را دنبال نمود ولی ب نتیجه نرسید بالاخره عیسویان شهرهای ساحلی را نیز از دست دادند باید دانست که در همین زمان است که قرآن برای اولین بار بوسیله یک محقق انگلیسی بزبان لاتین ترجمه گردید و مردم مهاجم که از جان زن و بچه و بیسار و ناتوان و اسیر نمیگذرند و سه هزار نفر اسیر امان داده شده را سر میبرند اگر بخواهند کتاب مقدس آنان را ترجمه نمایند و قلم در کف بگیرند معلوم است

ای مریم چیز عجیب در دست داری. ای خواهر هارون پدر تو امر خلافی نکرد مادر تو عفت خود را از دست نداد مریم اشاره بکودک نمود که او پاسخ خواهد داد آنها گفتند چگونه کودک شیرخوار گهواره نشین میتواند حرف بزند پس کودک او زبان گشود و حرف زد گفت من بنده خدا هستم.

او سرا کتاب آسمانی آموخت و مرا نبی خود گردانید و سایه برکت قرارداد و برای عبادت کردن با و مرا سفارش کرد به نیکوئی کردن با پدر و مادر توصیه نمود

چه خواهند نوشت باری جنگهای صلیبی دوست سال طول کشید و تعداد جنگها بالغ بر هشت جنگ میباشد و تاریخ آخرین محاربه سال ۱۲۷۰ میباشد. و نتیجه این جنگها آن شد که عیسویان از این محاربات طرفی نه بستند و سرزمین فلسطین و بیت المقدس کماکان در تصرف مسلمین باقی ماند ولی از نظر معنوی ارتباط شرق و غرب برای پیشرفت و ترقی تمدن اروپا عامل مؤثری بود ولی باید دانست که نتیجه فوق غیر از منظور بود که مستقیماً از جنگ در نظر گرفته شده بود ولی نتایج دیگری که ابدأ منظور و مقصود نبود بدست آمد. برای بدست آوردن میزان تأثیر هر يك از مشرق و مغرب و دردیگری لازم است که ترقی و تمدن این دو ملت را تحت نظر بگیریم واضح است که در آن وقت مشرق از دولت عرب و اسلام در عالی ترین درجه تمدن را دارا بود و برعکس اروپا کاملاً در ظلمت و وحشی و بربریت فرو رفته بود. چنانکه در ضمن تاریخ مفصل جنگهای صلیبی نوشته اند که این جنگجویان يك عده مردمان وحشی و خونخوار و فاسد بودند که دوست و دشمن را قتل و غارت نمودند و ذخایر نفیس و مجسمه های بی نظیر قدیمی و کتابهای علمی و تاریخی قسطنطنیه را بباد یغما دادند. اهل مشرق از این وحشیها فائده نبردند و تنها نتیجه ای که بدست آوردند حس تنفر شدید بود که بعد از سالیان دراز هنوز اثر آن باقی است جهالت و رذالت و توحشی در زندگی آمیخته بجنون خلف عهد و نقض قسم صلیبیان مسلمین را از نصاری و دیانت آنان بکلی متنفر ساخت پس همین جنگها بودند که بین مشرق و مغرب فواصل عمیقی ایجاد کرد که آثار آن تاکنون باقی است باری نتایج مضره جنگهای صلیبی نه تنها این بود که بین اقوام مشرق و مغرب ایجاد حس تنفر و کینه شدید نمود بلکه همین جنگها در اروپا موجب بسط اقتدار و نفوذ پاپها گردیده کشیشها که سرداران صلیبی برای تهیه هزینه لشکر کشی بدست ایشان املاک



مرا ستمکار و شقی نگردانید. سلام حق بروز تولد من و بروزی که سیمیرم و روزی برای زندگانی آخرت باز برانگیخته میشوم باد.

این بود نمونه ترجمه از قصص قرآن که جامعه انگلیسی زبان در حدود یک قرن که بایست بیان اراضی باشند و سایه تعجب است که ترجمه دیگری جانشین آن نگردیده تا اینکه در سال ۱۹۹۴ متن کامل عربی قرآن در تحت نظر ابراهام سنکلمن دقیقاً چاپ و منتشر گردید.

خود را فروخته بودند صاحب ثروت و تمول فراوان شده. نتیجه پاپ بر تمام امراء و سلاطین اروپا تفوق پیدا کرده بود و بعلاوه بواسطه آلودگی فراوان مادی اخلاق کشیشان تغییر نموده و فاسد گشته بود و لذا در نتیجه آن بتدریج تحولی در مذهب ایجاد و انقلاب خونینی شروع گردید و مذهب پروتستان ظهور نمود از جمله نتایج شومی که این جنگها بار آورد آن که تا مدت چندین قرن يك سلسله کینه و عداوت و تنفر شدید مذهبی در دنیا پدید آمد و باین فساد و ستمکاری و خونخواری بعدا علمی رسید مسلم است که قبل از جنگهای صلیبی بازار بی رحمی و بی انصافی و افتراء و بهتان و هتاک می مذهبی اینقدر شایع نبود.

در طول مدت دوست سال کارهای شقاوت آمیز و سفاکی جزء طبیعت ثانوی مردم اروپا گردید یعنی بیماری جنون که پیرامیت میکرب آن را بر علیه مسلمین باشید در برگشتن از شرق نیز برای اروپائیان يك بیماری مضمّن گردید که شاید تاکنون هم از آثار آن باقی باشد کشیشان عیسوی بعدی بخونریزی عادت کردند که در مقابل يك تقصیر جزئی مردم را محکوم بکیفرهای شدید مینمودند چنانکه قتل عام فرقه Albijes در آلبانی که در قرن دوازدهم میلادی که با پاپ مخالفت کرده بودند همه شان از پیرو جوان از دم تیغ بی دریغ گذشتند و نیز فرقه مردوده عیسویان همگی قتل عام شدند و این همه نتایج بود که معاذربین جنگهای صلیبی در ضمن مسافرت بشرق و تعدیات ناروا که بمردم آن سامان کردند مشامشان بیوی خون عادت کرد و مثل اینکه سفاکی را بارمغان آوردند - نتیجه دیگر جنگهای صلیبی از بین رفتن ملوک الطوائفی در ممالک ایتالیا و فرانسه و افزایش قدرت پادشاه در این دو کشور است در صورتی که در آلمان و انگلستان قدرت پادشاهان کاسته گردید و عده از مردم صاحب نفوذ و قدرت گردیدند بعلاوه هنر و صنعت و بازرگانی و دریانوردی در نتیجه اختلاط شرق و غرب در مغرب ترقی نمود و میتوانیم بگوئیم همین جنگهای صلیبی زمینه در اروپا

فراهم نمود که علوم و ادبیات و فنون مسلمین در مشرب نفوذ نمود و آنها را از جنگال فساد و اخلاق رذیله خارج نمود و منشأ آثار گردید که در تاریخ باسم انسانی معروف است. یعنی Humanisme.

مرحلہ دوم روابط مسلمین و نصاریٰ در زبان ترجمہ قرآن بالسنہ اروپائی

## مصائب مسلمین

وقتی نصاری آخرین پایتخت اسلامی اروپارا یعنی غرناطه را بتصرف خود درآوردند تمام تساهل مذهبی یا همدردیهای که اعراب در طول مدت چندین قرن نسبت بآنها نشان داده بودند یکدفعه از نظر محو ساخته و باوجود معاهدات و قراردادهای عدیده در نهایت درجه قساوت و بی رحمی با ایشان سلوک کرده اما بعد از مدتی تصمیم گرفتند که آنها را از کشور بکلی اخراج نمایند . مسلمین در تمام علوم و فنون تا این درجه بر نصاری مزیت داشتند که با وجود تعدیات و فشارهای سخت معینا در هر پیشه و شغلی در درجه اول قرار گرفته بودند و در حقیقت این شکایت نصاری بومی بجابود که میگفتند مسلمین زمام تمام مشاغل را بدست گرفته و برای ما جائی خالی نمانده است . لذا طبقه عوام بنای هیاهو و جنجال را گذاشتند و تقاضای اخراج آنها را نمودند ولی کشیشها اظهار میداشتند که تمام مسلمین اعم از زن و مرد و بچه جوان و پیر باید قتل عام شوند ولی فلیپ دوم چون انجام این امر را مشکل دید در سال ۱۶۱۰ اعلانی انتشار داد که باید همه مسلمانان از کشور خارج شوند ولی درحینى که آنها در صدد خروج بودند در حدود ۴۰۰۰۰۰<sup>۲</sup> مشان بقتل رسیدند . وقتی این اخراج و قتل عام صورت گرفت مردم تمام کشور بنای شادی را گذاشتند چنان معلوم گردید که در اندلس عصر تازه ای شروع شده است .

بدون تردید يك دوره جدید پیش آمده بود که و قتل عامی که در تاریخ نمیتوان نظیری برای آن پیدا کرد نتایج بسیار مهمی در برداشت و موقوفی میتوانیم بی بدرجه اهمیت آن بریم که اول عطف نظری بتاريخ چندی قبل در اندلس مسیحی نموده سپس معلوم داریم که بعد از

که در پادوآ Padua در سال ۱۶۹۸ طبع و نشر گردیده بود - ناگفته نماند که سیل اثر خود را بهتر از اسلافش بموضوع نزدیک کرد و آنرا شایستگی بخشید چه مترجم مزبور از جمله کسانی نبود که بعلم انتساب بمکتب مسیحیت و تعصب مذهبی چشم حقیقت بین نداشته باشد .

بنابراین سیل مرد دانشمند بی طرفی بود چنانچه در اولین صفحه کتاب خویش وضع خود را روشن نموده است ترجمه قرآن سیل در اول سال ۱۷۳۴ منتشر شد و بعلمت اقبال مردم بعد از اندک مدتی چند باره تجدید طبع گردید .

نا بود کردن قوه کشوری مملکت که مسلمین باشند چه وضعیتی برای سکنه پیش آورد . فرویناند پادشاه ارغون ملکه کاستیل یعنی ایزابل را ترویج نمود و ایندو حکومت را باهم متحد ساخت و در سال ۱۴۹۲ میلادی غرناطه را محاصره کرد سلطنت اخیر اسلامی اندلس را قبضه نموده فرویناند مطابق معاهده که با مسلمین بسته بود در مذهب و زبان بآنها آزادی داد لیکن در سال ۱۴۹۹ میلادی بنای تمدی و جور را گذاشتند بالاخره در طول يك قرن به اخراجشان منتهی گردید و در ابتداء آنها را به جبر و عنف مسیحی نمود و بعد بیهانه اینکه مسیحی هستند همه را بدیوان عدالت مقدس مذهبی سپردند و محکمه مزبور تا حدی که ممکن بود ایشان را در آتش انداخته سوزانید و چون این عمل بکندی پیش میرفت و صدهزار اشخاص را سوزانیدن کاری بسی مشکل بود لذا شق دیگر که اخراج مسلمین از کشور باشد در نظر گرفته شد .

اسقف اعظم طلیطله که رئیس محکمه مقدس فوق بود رای داد که تمام اعراب غیر مسیحی را با زبان و بچه اژدم شمیر بگذرانید . راهبی بلدا نام از اسقف اعظم قدمی جلوتر گذاشت و از روی این اصل که چون یقین نیست این اعراب غیر مسیحی از روی حقیقت مذهب اختیار نموده باشد و خدا خود در آخرت دوزخی و بهشتی را ازهم تمیز خواهد داد لذا رای داد که تمام اعراب را بلا استثناء (مسیحی و مسلمان) بقتل برسانند . اگرچه جمعی از کشیش ها این رای را پسندیده و تأیید نمودند لیکن حکومت با خود اندیشید که شاید ایشان بآسانی زیر بار این جنایت نروند لذا اعلانی که شرح آن گذشت منتشر گردید . بنابراین در ظرف چند ماهی زیاده از يك میلیون مسلمان از اندلس اخراج گردیدند .

میگوید من فکرمی کنم تقریباً غیر ضروری است که در این مختصر بعثت این طبع و ترجمه . «عذری خواسته شود و یا اینکه اثبات کنم این اثر باندازه نیکو و جامع است که حس کنجکاوی انسان را تسکین می بخشد»

مترجمین قبلی قرآن ممکن است از نقطه نظر مسیحیت نسبت باسلام نظر بدی داشتند و یا تعصبی ورزیدند و یا اینکه در موضوع قرآن و اسلام مترجمین سابق بنای بد گذاشته اند برای اینکه کسی برای اظهار و ارائه چنین اسناد مجعول خطری احساس نمیکند و مترجمین تاحدی بمقتضای هوی و هوس رفتار کرده اند .

من نمیخواهم در مورد عللی که چرا شرع اسلام قبولیت عامه بی مانند در دنیا پیدا کرده است بحث و تحقیق کنم (برای اینکه خیلی از مردم فریب این را خورده اند که اسلام با شمشیر ترویج پیدا کرده است؟! یا بچه دلیل دین اسلام را مللی با حسن قبول تلقی و اختیار کردند در صورتیکه هرگز قدرت نظامی و سایه شمشیر مسلمانان را در بالای سر خود احساس نکردند .

### مرحله سوم و رابط مسلمین و نصاری و مصادف پازمان ترجمه قران بالسنه اروپائی

#### تاریخ تسلط ترکها بر اروپا و روابط آنان با اروپائیان

در زمان سلطنت اورخان پسر عثمان در سال ۷۵۸ هجری ترکها بطرف اروپا هجوم بردند و برای اولین بار محاصره استانبول را شروع نمودند و این مسئله در تاریخ جهان حائز اهمیت بسیار است و آغاز تحول تاریخ محسوب میگردد سرداری که برای اولین بار باینکار اقدام نمود معروف به سلیمان پاشا میباشد ولی این سردار نامدار در هنگام شکار از اسب بزمین افتاد و در سال ۷۶۰ هجری قمری مرد و از نوادر تاریخ موضوعی است که از حادثه مرگ این سردار سلطان عثمانی معروف به اورخان باندازه ای متأثر شد که از فرط غصه بعد از دو ماه در گذشت .

از کارهای مهمی که این سلطان نموده است پسر بچه های عناصر عیسوی را تربیت و تعلیم نظامی میداده یعنی تعلیمات نظامی را از آغاز طفولیت شروع میکردند و برای این کار ابتداء آنها را بدین اسلام دعوت میکردند و مسلمان مینمودند ولی چون در عمل ملاحظه شد که اینها بزودی و باین سهولت و از صمیم قلب مسلمان نمی شوند بنابراین پیر حاجی بکتابش

و حتی مللی دین اسلام را قبول نمودند که عرب را از قدرت و ریاست انداختند و یک قدرت مطلقه استبدادی قومی بوجود آوردند و بالاخره خلیفه مسلمانان شدند بنابراین تصور میشود سری مافوق آنچه عامیانه تصویری شود وجود دارد که مذهب اسلام در اندک مدت چنین ترقی حیرت انگیز و فوق العاده نموده است .

طریقت بکتاشی را باینان تعلیم میداد . زیرا تربیت بکتاشی آنان در واقع حد وسط بین تعلیمات دین مسیح و اسلام بود و بعدها این جماعت را بنام بنی چری نامیدند . در سال ۷۶۸ هجری مطابق سنه ۱۳۴۸ میلادی مرادخان عثمانی ادرنه را پایتخت خود کرد و دامنه فتوحات خود را بطرف شمال و غرب اروپا وسعت داد . قسمتی از خاک صربستان را متصرف شد و شاهزادگان کوسستنبدیل - نیکبولی و سلستره و بلغار برکاب همایون آمدند و قبول باج و خراج کردند . یکی از شرایط صلح پادشاه صربستان این بود که در حین لزوم میبایست کمک نفری به سلطان عثمانی بدهد ولی چون در اثناء جنگ عساکر صرب از اجراء فرمان کوناهی کردند این بود که عده کثیری از آنان از دم تیغ گذشتند ولی در اثناء انقلاب داخلی دوباره اقوام بالکان قیام کردند ولی در نتیجه اقدامات و اردو کشیهائی که بعمل آمد قیام کنندگان را بجای خود نشانند و یاغیان را بسزای عمل خود رساندند . اما باز این آرامش دیر نپایید دوباره در سال ۷۹۱ پادشاهان صربستان و مجارستان و دیگر ملل بالکان جنگ را بصورت محاربات صلیب درآوردند و یک اردوی صدهزار نفری تشکیل دادند و در محلی موسوم به قرصووا یکی از جنگهای خونین شروع کردند . اگر چه موقعیت ملل بالکان محکم وعده نیروی شان برتر از برکها بود و امیدوار بر پیروزی خود بودند چنانکه در آغاز جنگ جناح چپ ترکهار اشکافتند . ولی ایلدزم بایزید فرمانده جناح راست باحرکت برق آسا بکمک جناح چپ آمده و دشمن را شکست داد و از ایشرو معروف به ایلدزم بایزید گردید ولی در اثناء محاربه یک نفر از اهالی صربستان که در میدان جنگ مجروح گردیده بود اظهار میکند که حاضر است مسلمان شود و پای پادشاه را ببوسد باین بهانه بسلطان نزدیک میشود و او را بقتل میرساند . در سال ۷۹۵ ایلدزم بایزید بعد از برداشتن ملوک الطوائفی آناتولی متوجه اروپا گردید و بوستی را نیز ضمیمه امپراطوری خود گردانید .

مدتی بود که امپراطور بیزانس پادشاه عثمانی خراج میداد چون در این اواخر

ترجمه بی طرفانه و بدون شائبه تعصب قرآن بدرد میخورد و حتی مفید است اگرچه اینکار باتجلیل و احترام هم صورت گیرد این عمل برای بیداری افکار و برای رفع اشتباه از کسانی که یا بعلمت جهل و نادانی و یا بحکم تعصب و بی انصافی و در نتیجه تبلیغات و تلقینات غرض آلود مترجمین قرآن در اشتباه مطلق بسر میبرند نهایت ضرورت

در دادن خراج تأخیر شده بود از اینرو استانبول محاصره گردید و اردوئی نیز سالونیک را ضبط نمود. در این اثناء هیجانی در اروپا بتشویق پادشاه مجار بر علیه عثمانیها تولید گردید بنا بر این با کمک و تحریک پاپ یک اردوی صدهزار نفری مرکب از شجاعان و شوالیه های اروپا و مخصوصاً هشت هزار سرباز فرانسوی بر علیه ترکها تجهیز گردید وضع این اردو عیناً شبیه لشکر کشیهای جنگهای صلیبی بود بلکه این را ارتش صلیب جدید میتوان نامید. در اولین هجوم قسمتی از ممالک تسخیر شده عثمانیها را پس گرفتند و مانند صلیبی های گذشته بهر شهر و دهی که میرسیدند غارت می کردند و از کشتار مسلمانان و عیسویان هم کوتاهی نمی کردند.

سربازان اگر تسلیم و اسیر میشدند بلافاصله کشته میشدند به ساکنین قلعه ها امان میدادند ولی بلافاصله اعدام تیغ میگذرانند و هرگز انصاف و مروت را ملحوظ نمیکردند و با کمال قساوت و توحش اسرا را سر میبردند ولی در طی این محاربه شهر نیک بولی از طرف ارتش اروپا محاصره شد محافظ قلعه شخصی بنام طوغان بیك با فداکاری زیاد و شجاعت بی پایان خود از قلعه دفاع کرده و جلو پیشرفت لشکر را گرفت تا موقعی که سلطان بایزید بكمك او شتافت در پای قلعه نیک بولی جنگ خونین تاریخی با شدت تمام در گرفت ابتداء جنگ چنین بنظر میرسید که قشون عثمانی نزدیک بشکست است ولی در این اثنا غیبت سربازان ترك تحریک شد و حمله سختی کردند و قشون مسیحیان را شکست سخت دادند و ده هزار نفر اسیر گرفتند و از جمله اسیران ژان نترس عموی پادشاه فرانسه بود پادشاه بلغار فقط توانست يك كشتی كوچك ماهیگیری پیدا نماید و از معرکه جان بدربرد آنچه نباید فراموش کرد موضوع کشتار اسیران مسلمان بود که در پای قلعه جلو چشم محصورین سر بریده و سرها را بحصار می انداختند ایلدرم بایزید نیز برای انتقام جوئی در صدد مقابله بمثل بر میآید ولی وزراء شفاعت میکنند و میگویند قتل اسیر در مذهب اسلام مجوز شرعی ندارد و حرام است و از سرخون آنان در میگذرد و آنان را آزاد میسازد. فرق

را دارد در ضمن باید دانست اکثر نویسندگان مکتب کلیسای کاتولیک اسلام را تکذیب کرده‌اند در صورتی که آنها آئینشان پر از خرافات و بت پرستی است و از خرافات خود دفاع کرده‌اند از این رو مسلمانان از دین مسیحی بیشتر نفرت دارند . و حالا برای مسلمانان کاملاً میسر است تا در مباحثه بمسیحیان فائق و چیره گردند ولی تنها پروتستانها لیاقت دقت و بحث در قرآن و طریق انتقاد موفقیت آمیز آنرا پیدا کرده‌اند ؟

تربیت اسلامی و عیسوی و اثر آن از چنین عمل با وجود حس کینه توزی و انتقام جوئی شدید که در طبیعت ترکها موجود است از اقدام سخاوت آمیز سلطان کاملاً نمایان است .

بعد از این فتح خلیفه عباسی مقیم مصر عنوان سلطان اقلیم روم به ایلدرم بایزید می‌دهد و این عنوان در خانواده عثمانی باقی میماند .

ایلدرم بایزید در موقع مراجعت از نیکبولی بمحاصره استانبول دست زد و برای نیل باین منظور قلعه در وسط دریای سیاه بنامود که هم اکنون خرابه‌های آن باقی است و باسم حصار آناتولی نامیده میشود . و در نتیجه قیصر قبول میکند که مسجدی در اسلامبول بسازد و امام و قاضی بر شهر از طرف سلطان تعیین شود و خطبه بنام پادشاه عثمانی خوانده شود با رعایت شرائط فوق محاصره شکسته میشود . بعداً نیز یونان را فتح میکند و ضمیمه متصرفات خود می‌سازد . ولی در این اثنا تیمور لنگ بعد از فتح آسیای وسطی ترکستان و ایران و عربستان و هندوستان و روسیه در مجاورت آسیای صغیر ظاهر گردید عده‌ای از خوانین و بزرگان آسیای صغیر چون تاج و تخت خود را از دست داده بودند به تیمور التجاء نمودند و عده‌ای از ملوک ایران و عراق مانند جلایروا و زون حسن به ایلدرم بایزید پناه آوردند . بنابراین مقدمات جنگ بین دو پادشاه ترك آماده گردید و در نتیجه جنگ با وجود شجاعتها و رشادتها ایلدرم بایزید اسیر گردید و بعد از نه ماه در گذشت .

مراد دوم نیز بنوبه خود در سال ۸۱۵ نسبت بمحاصره استانبول و قلع ریشه فساد همت گماشت علت این محاصره آن بود که یکی از شهزادگان بنام مصطفی بقیصر بیزانس وعده داده بود چنانکه بوی مساعدت کند و او بسلطنت برسد مقدار زیادی از اراضی آسیای صغیر را به بیزانس واگذار نماید و سیاست دولت بیزانس نیز اقتضا میکرد که از در دوستی

ترجمه سیل یکصد و پنجاه سال دوام کرد و در این مدت ترجمه شایسته دیگری جانشین آن نگردید نفوذ این ترجمه فوق العاده بود. قرآنی که در دوره بیداری افکار و در قرن نوزدهم در دست خوانندگان انگلیسی زبان بود منحصر بترجمه سیل بود

وارد شود و تخم نفاق و شقاق بین شهزادگان و رجال دولت عثمانی بیاشد و از نیرو گرفتن این دولت نخواستہ ترک جلو گیری نماید. چنانکه در اثناء محاصره اسلامبول يك عده از خوانین و بزرگان آناتولی یعنی ملوك الطوائف آنجا قیام کردند بنابراین محاصره برای مدتی بر طرف گردید و ملوك الطوائف آناتولی که بعد از تیمور قوتی گرفته بودند از بین برد و مجددآ سالونیک و صربستان و مجارستان ضبط شد و هر ما نشداد محاصره گردید. فقط در ترانسیلوانیا اردوی ترك کاری از پیش نبرد و متفرق گردید. سردار شجاع دشمن مسلمانان معروف به هونیاد بود که شهرهای بسیاری از جمله صوفیا را هم از چنگ ترکها در آورد و نیز لشکری که تحت فرمان شاهین پاشا بود آنرا اغفال نمود و پریشان ساخت (مقارن سال ۸۴۶ هجری) علت العلل این پریشانی و شکستها شخصی بود موسوم بقرامان اوغلو که چون داماد خاندان عثمانی بود و روابط حسنه با مرشد طریقه مولوی داشت.

چون سلطان خواست او را بکیفر اعمال خود برساند بعلت شفاعت مرشد طریقت صوفیه سلطان از گناه او دو مرتبه صرف نظر کرد. ولی در نتیجه این شکست قلعہ سندر و صربستان و مجارستان بدشمن واگذار و بکتابهای مقدس قسمهای مغلف خورند و دست از محاصره برداشتند.

مراد چون رجال دربار خود را آدمهای مفسد و فاقد اخلاق حسنه و بی وفا میدید و علماء شریعت و بزرگان طریقت را آدمهای منافق و مفسده جو و منفعت طلب یافت و ملاحظه کرد ایندو طایفه که اتکاء پادشاه از لحاظ مادی و معنوی بر ایشان است فاقد تمام سجایا و فضایل و محسنات اخلاقی هستند مایوس گردید و بنفع پسر چهارده ساله اش موسوم به محمد که والی مغنیا بود در سال ۸۴۸ هجری از سلطنت کناره گرفت.

چون دشمنان دولت مشاهده کردند که پادشاه وقت بچه ای بیش نیست لذا به پیشرفت خود امیدوار شدند و در پی نقض عهد برآمدند ولی چون بکتاب مقدس قسم خورده بودند گفتند به چه نحو از زیر بار قسم در بروند چاره جوئی میکردند تا اینکه مسئله را از پاپ استفسار کردند. پاپ گفت قسم که طرف آن مسلمان باشد اعتباری ندارد و نقض قسم اشکال



حتی بسیاری از خوانندگان معاصر نیز بعد از ترجمه سیل قرآن دیگری ندیده اند محض مثال یادآور میشود که مترجم شهیر ادوارد گیسبون فقط دسترسی بترجمه سیل داشته و از کتاب دیگر استفاده نکرده است در زمانی که او نوشت «در میان شعله های روح پراشتعال و در اثناء طوفان امواج دریای احساسات و یاد رسورداصل دعوت و قیام و بعثت پیغمبری بصحت مأموریت و رسالت خود در حد و وسعت و نفوذ و صلاحیت و شایستگی کتاب آسمانی مقدس خود امیدوار و پرخوردار است که در مقام داعیه عظیم برمیآید و در کمال بی باکی انسانهای اولین و آخرین و حتی فرشتگان را بمبارزه میطلبد که اگر آمادگی بمبارزه دارند قدم

شرعی ندارد بلکه مجوز هم دارد برای آنکه در واقع مقدمه جهاد و قتال کفار است . این مسئله نشان میدهد که چگونه روحانیون عیسوی پابند اخلاق و رسوم اجتماعی و بین المللی و دین نبودند و پایه توحش اروپا تاچه اندازم بوده و سطح اخلاق چگونه متزلزل بوده است . بنا بر این پادشاه مجار به ترکها اعلان جنگ داد از نوید فتح مسیحیان اروپا جانی گرفته بودند متعصبین از هر سو جمع شدند . پادشاه مجار با یانقو و نیاد متحد گردید لشکری بشکل غازیان صلیبی و در تحت نفوذ احساسات مذهبی جمع آوری شد . نیروی شگرف و توانا و مقتدری بوجود آمد و بنام دفاع از دین مسیحیت بخاک ترکها حمله کردند و در سر راه خود هر چه پیدا کردند غارت نمودند و حتی معابد و کلیساها را هم تاراج نمودند در صورتی که در تمام اردو کشیها ترکها با معابد مسیحی کاری نکردند و آنها را روی تعلیمات اسلامی بحال خود وا گذاشته بودند رجال و بزرگان قوم چون کار را خطرناک دیدند دومرتبه بمیرادخان التجا کردند تا زمام امور را در دست بگیرد میرادخان دعوت آنها را قبول نمود .

میرادخان با قدرت و سرعت و حیل و جنگی بغازهای مجاور استانبول را گرفت و بکماک شهرهای محاصره شده شتافت . نظم و نسق بامور لشکر داد طرحان پاشا را فرمانده جناح راست و اوروج پاشا را فرمانده جناح چپ کرد خود نیز با غلامان سرائی در قلب لشکر قرار گرفت ، در صف اول سربازان تازه کار قرار داشتند در صف دوم نیکی چریها بودند . وظیفه صف اول این بود که جنگ با کروفه شروع و آن قدر بکوشند که دشمن خسته شود و بعد از مدتی کار را بنیروی قوی تازه نفسی جنگ دیده بدهد تا امر کارزار را فیصله دهد و در هنگامی که بنی چریها مشغول مبارزه با دشمن بودند قسمت ذخیره از کمین خارج شد و دشمن را

بمیدان گزارند و تنها مثل سوره از کوچکترین سور کتاب او را بیاورند و این موضوع را با کمال جرأت و جسارت اظهار و ادعا میکنند که این اثر ساخته و پرداخته خدائی است و نوع بشر نمیتواند نظیر آنرا بیاورد. این روش استدلال و منطق قویاً و شدیداً از ناحیه خدا بیک پرهیزکار و امین عرب خطاب گردیده است که تمام افکار او متوجه دین اسلام بود و گوئی خویشتن پیوسته در حال وجد و بی خودی بود. گوشش از احسان موسیقی قرائت کتابش بسی لذت میبرد. لذا این مسئله باید همیشه در مدنظر قرار گیرد :

محاصره می کرد با این حیلہ جنگی دشمن که خود را غالب تصور میکرد در عرض مدت کمی نه تنها صفوفش متلاشی شد بلکه مرکز فرماندهی و مقر سلاطین نیز بدست نیروی ترك افتاد. در این اثنا سرباز بربری بنام خضر پیر پادشاه ولادیسواسی را از اسب بزمین افکند و سرش را برید و بر بالای نیزه زد و بمردم و لشکریان نشان داد بنابراین پادشاه عهد شکن مزه شکستن پیمان را چشید. و اگرچه یانقوهونیاد با جان و دل کوشید ولی کاری از پیش نتوانست برد و مغلوب گردید این جنگ در تواریخ بنام فتح واره معروف است و اینکار در سال ۸۴۸ انجام گرفت.

در این موقع عده از یونانیان که در تحت حمایت بیزانس بودند و در موره سکونت داشتند برای دفاع حمله ترکها در برزخ کوردوی سدی شبیه دیوار چین درست کرده بودند ولی فرمانده قوای ترك که موسوم به ترخان بیک بود باتوپهای کوه پیکر خویش آن دیوار را از بین برداشت و ناحیه شمالی موره را ضیط کردند. از این بیعد سایر ملوک الطوائف یونان تقاضای جزیه کرده و با این شرط پیمان صلح با آنها بسته شد طائفه از یونان موسوم به آرانووها قبول تابعیت ترك نمودند و رئیس آنان که موسوم به ژان قاسطریوتا چهارپسرش را بعنوان گروگان باسلامبول فرستاد. حتی در تحت تعلیم و تربیت اسلامی قرار گرفتند یکی از آنها که اسم اصلی اش یورکی بود و بعد از اسلام موسوم به اسکندربیک گردیده بود هنگامی که از فوت پدر خود باخبر شد با فرمانی ساخته بدانجا رفت و در حیطه اختیار خود گرفت و علم عصیان بلند نمود. اسکندربیک مرد شجاع و پهلوان و شایسته بود. مراد خان او را بسیار دوست میداشت و همیشه او را مورد مهر و نوازش قرار میداد. هنگامی که بشهر

کیفیت موسیقی و آهنگ و سبک سجع قرآن با ترجمه و شرح بزبان غیر عربی چنانکه شاید و باید منعکس نمی شود و یک خواننده اروپائی غیرمؤمن بمذهب اسلام راتحت تأثیر در نمی آورد یک فرد غیرمسلمی که ترجمه قرآن را بادقت بخواند و با کمال بی صبری عدم ارتباط بی پایان مطالب ورجزخوانی وداستانسرائی وحکم وامثال

آچه حصار حمله کرد و آنجا را تصرف نمود دومرتبه بدین عیسی برگشت و نسبت بقتل عامه مسلمانان اقدام و آنهائی هم تن به ارتداد نمیدادند باشمشیر دو نیم میکرد دراین اثنا ارتش از مرکز جهت سرکوبی وی فرستاده شد او چون مغلوب گردید بکوه پناه برد ومتواری شد و مدت بیست و پنج سال اسباب زحمت دولت مرکزی بود ولی حادثه که در نتیجه طغیان اسکندر بیک یوجود آمدن یورش مجدد یانقوه ونیاد شروع گردید چنانکه مذکور شد در محلی موسوم به وارن این سردار و عده دیگر از مسیحی ها شکست سختی خوردند ومدتی دست از لشکر کشی کشیده بودند ولی این غائله را غنیمت شمرده باز یک اردوی مکمل ومجهزی بشکل داوطلبان جنگهای صلیبی آماده کردند این ارتش از افراد بسیار مشهور ومتهور وقهرمان اروپا تشکیل یافته بود ولی بعد از سه روز جنگ این لشکر عظیم پراکنده گردید تعداد تلفات عیسویان در این کارزار در حدود ۶۰۰۰۰ نفر بود . این فتح در سال ۸۵۲ نصیب مسلمانان گردید .

### سلطان محمد فاتح

محمد ثانوی که بعد از فتح اسلامبول ملقب بفاتح گردید در سال ۸۵۵ در حالی که بیش از بیست و دو سال نداشت بسلطنت رسید . همین که خبر فوت پدر خود را شنید بهادرانه آمد و برای اینکه در سلطنت رقیب نداشته باشد برادر دوساله خود را در روزی که بتخت سلطنت جلوس کرد بقتل رسانید علت کشتن او این بود که مادر فاتح کنیزی بیش نبود ولی مادر برادر کوچکش از اعیان آن کشور بود . چون خبر قتل برادر معصوم وصغیر در خارج منتشر شد حس نفرت وانزجار عمومی را باعث گردید فاتح برای جبران جنایتی مرتکب جنایت دیگر گردید بدین معنی که یکی از خواجہ سرا یان موسوم به علی بیک اورا نوس زاده که پیشکار ومریی او بود متهم نمود که بدون اطلاع سلطان بمبادرت بچنین جنایتی نموده است از این رو دستور داد که مباشر قتل را بدار آویختند و این عمل ناشایست را حکمت حکومت نامیدند . باری این مرد یکی از جانیان بالفطره روزگار است . واقعه مهم زمان وی اولین عصیان

و خطابه و نصایح آنرا در ذهن خود می‌سپارد ولی کمترین انگیزه که احساساتش را تحریک نماید در آن نمی‌یابد و فکرش در حال مطالعه پیوسته در نوسان است گاهی چنان اوج میگیرد که خود را در آسمان و در بین ابرها و نزدیک ستارگان پنهان می‌بیند و زمانی چنان تنزل مینماید که مانند حشرات الارض در میان خاکها میخزد مستندات ربانی قوه تفکر مبلغ عرب یعنی پیغمبر اسلام را باوج آسمان میرساند پس بطریق اولی باید این مستندات مورد تحقیق قرار گیرد که آثار آنها را کدام قوه مافوق انسانی نوشته است .

### برای فهم تحدی قرآن به تعلیقات و فصل اول مراجعه شود (مترجم)

یعنی چری‌ها بود که تقاضای انعام جلوس میکردند . پدر فاتح وصیت کرده بود هر چه زودتر بفتح استانبول اقدام نماید و قلع ریشه فساد کند . بدیهی است که از مدت‌ها قبل ترکها در صدد فتح استانبول بودند و چندین بار نیز آن شهر را محاصره کردند ولی آنچه این کار را بتأخیر انداخته بود حمله امیر تیمور گورکانی بود . بنا بر این سلطان محمد بعد از تنظیم امور کشور و لشکر عزم جزم بفتح استانبول نمود . و برای وصول باین مقصود در نزدیک حصار آناتولی در ظرف چهار ماه قلعه (بوغاز کسن) را بنام نمود . این قلعه تا امروز آباد و پابرجاست و معروف به حصار روم ایلی است با احداث این قلعه نقل و انتقال سفاین و کشتیها در یای سیاه را تحت کنترل خویش قرار داد . در ادرنه توپهای کوه پیکری ساخت و از دریا و خشکی بالشکر و بحریه قوی که متجاوز از چهارصد فرونت کشتی بود و در تحت فرمان امیر البحر بالظه او غلو انجام وظیفه میکرد استانبول را تحت محاصره شدید در آورد . بعد از پنجاه و سه روز محاصره و هجوم و حمله‌های متعدد بالاخره اردوی ترك از دروازه‌های معروف اکری قایی و طوپ قایی وارد شهر گردید در اثنای این محاصره کیش‌ها در کلیسای ایاصوفیه جمع شده بودند و مشغول جروبخت و جدال مذهبی بودند یکی طرفدار حقانیت کاتولیک آن دیگری از پروتستان حمایت میکرد و از آنچه در خارج از دروازه‌های اسلامبول میگذاشت خبر نداشتند و چون ضمن احادیث مسیحی آمده بود که قشون ترك وارد اسلامبول میشود و آنرا فتح میکند ولی به کلیسای ایاصوفیه نمی‌تواند وارد شود و فرشتگانی از آسمان بزمین می‌آیند و مانع ورود آنان میشوند بلکه آنان را دوباره از اسلامبول میرانند . این بود که سکنه شهر دسته‌دسته به کلیسای ایاصوفیا می‌آمدند و در آنجا تحصن اختیار میکردند .

روی اصل ترجمه قرآن سیل بود که توماس کارلایل چنین نظریه داده است  
 من تا کنون کتابی باین مشکلی و پرزحمتی در عمر خود ندیده‌ام. انسان در حال  
 خواندن آن هر قدر دقیق هم باشد مطالب را باهمدیگر اشتباه میکند خلاصه این کتاب  
 خسته کننده درهم ناتمام بدون نظم و قیود است هیچ سوچی باستثناء حسن وظیفه شناسی  
 یک فرد اروپائی مسیحی را برای خواندن قرآن جلب نمیکند. «برای درك علت تکرار  
 و موضوعات مختلف در قرآن به فصل دوم تعلیقات مراجعه شود» (مترجم)

بدیهی است که سلطان محمد دستور داد که کلیسارا مبدل به مسجد کردند ولی آنچه  
 نباید فراموش کرد کیفیت معامله و مدارای سلطان محمد فاتح با مسیحیان بود که آنچه لازمه  
 عدالت و انسانیت بود نسبت بآنان بجا آورد و امتیازات بی شماری برای روحانیون و سایر  
 افراد مسیحی اسلامبول داد که این همه ابراز عنایت و توجه در آتیه اسباب زحمات و صدمات  
 بی پایان برای دولت عثمانی گردید. علت این همه لطف که سلطان محمد فاتح بسکنه اصلی  
 قسطنطنیه کرد دو عامل اصلی بود ۱- بروایتی میخواست تظاهر به نصرانیت نماید و در اروپا  
 جلو برود و جانشین قیصر شود و تمام اروپارا بدون منازع در زیر استیلاء خود بیاورد. اما  
 علت دوم از اولی قویتر است آن وجود یکمده زیادی دخترها و پسرهای جوان و خوشگل  
 و زیبا بود که مردم برسم پیش کش به حضور سلطان اهدا کرده بودند. باری این جنگ  
 یکی از مهمترین محاربات دنیاست و منشأ تغییر و تحول عظیمی در تاریخ جهان گردیده است  
 اولین نتیجه بارز فتح استانبول پایان مبارزه و کشمکش بین شرق و غرب یا مسیحیت و اسلام  
 است که منجر به مغلوبی دهشتناک غرب گردید بعد از فتح استانبول تمام صربستان در حیطه  
 تسلط ترکها درآمد و فقط بلغراد در تحت تصرف مجارها باقی ماند و این فیروزی در  
 سال ۸۶۳ نصیب ترکها گردید. فاتح بعد از فتح استانبول متوجه مورا گردید و آنجا را  
 تسخیر نمود.

بعد ملوک الطوائف آسیای صغیر را برانداخت. از جمله جلادان سلطان شخصی  
 موسوم به ولاد بود وی مانند مار خوب صورت و زیبا بود در عین حال از شقی ترین افراد  
 روی زمین محسوب می شود از شکنجه و آزار مردم بی گناه و زندانیان و اسیران بسیار لذت  
 میبرد با آلات شکنجه بسیار موحش و شنیعی که انسان از گفتن آن شرم دارد بیچارگان را  
 شکنجه میداد. میزان شکنجه و شدت وضعف آن بسته بوضع اجتماعی و مقام اشخاص بود  
 و از همه عجیب تر آنکه این جلاد آن قدر جنازه بیچارگان را در بالای آلت شکنجه نگاه میداشت

باید دانست که کار لایل از شخصیت های روشن و برجسته زمان خود بود.

### عقیده آبروی

بنابر آنچه گذشت تفوق ترجمه سیل بر Ross مترجم سابق در هر سطری از نوشته خود مسلم و مبرهن است نه تنها سیل زبان عربی را بخوبی درک میکرد بلکه سبک نگارش انگلیسی او نیز بسیار عالی و پخته تر از رس Ross است در صورتی که رس اصلاً بهره از زبان و ادبیات عرب نداشت.

تا بدنش متلاشی شده و بگنند و از بوی عفونت بدن های متلاشی لذت میبرد روزی یکی از خادمان جلاد از او پرسید که آیا از این بوی گند و عفونت متأذی نمی شوید فوری او را با بدترین وضع آن قدر شکنجه داد تا مرد. از عذاب مظلالم این سر دسته جلادان که اتفاقاً بحکومت یکی از ایالت متصرفی عثمانی در اروپا رسیده بود آنکه روزی فقراء و درویشان راجعت اطعام و دادن سوز و ولیمه دعوت کرد بعد آنها را توی دیک ریخته و پخته بود.

روزی از عمل ناهنجار يك بچه شیرخوار غضبناك گردید در حال سر بچه را بریده منضم پستان مادرش نمود و در مسیر خود هر قدر بچه شیرخوار پیدا میکرد این عمل را در مورد آن کودک معصوم و مادر بی گناهایش اعمال مینمود. روزی چهارصد نفر جوان مجارستانی برای تحصیل زبان ترکی آماده عزیمت باستانبول بودند در اثناء سفر از شهری که محل حکومت این عامل ظالم و شریر بود عبور کردند این مردستمگر و جورپیشه همه را با بدترین وضع بقتل رسانید پانصد نفر از بازار گانان بیگانه که بقصد تجارت آمده بودند همه را کشت خلاصه عده کشتگان او از ملل مختلفه بیش از بیست هزار نفر است و متجاوز از این رقم را نیز از بین افراد ملت ترك با شنیع ترین و فجیع ترین وضع کشته است.

ناله و فغان و شیون بیچارگان در گوش او حکم برده ها و آهنگهای موسیقی را داشت چون ظلم و ستم او از حد گذشت و بتذکرات و نصایح سلطان و قعی نهاد و لشکری برای دستگیری وی اعزام گردید او بمجارستان فرار کرد و گرفتار شد و به کیفر گناهان خود رسید. این کارهای ناروا و ستمگریها اسلام را در نظر مسیحیان بی مقدار و متکی بزور جنوه مینمود در صورتی که این قبیل رفتار ناهنجار فقط از خشونت ذاتی اشخاص و ملل سرچشمه میگیرد و ربطی بدین اسلام ندارد.

حکایت یوسف وزن پوتیفار نیز بوسیله سیل ترجمه محض نمونه درج گردیده است .

داستان مریم و تولد عیسی نیز بوسیله مترجم مزبور بنحو احسن ترجمه و بیان گردیده است مفهوم و صدای قرآن در قرآن هیچدهم میلادی چنین بود اگرچه بعضاً یک نواخت و کسل کننده بنظر می آمد اما لا اقل صدای صداقت بود پس موضوع برای مدت صد سال چنین باقی ماند .

### قرآن در قرن نوزدهم-ویل

اماد قرن نوزدهم بعثت ترقی مطالعات مستشرقین باصطلاح در معنای علمی ترجمه قرآن بناچار مورد استفاده محققین قرار گرفت عده در صدد برآمدند که قرآن را مانند موضوع بکری مشمول دستورهای انتقادی مکتب انتقاد کنندگان عالی گردانند روی این اصل ترجمه مشهور و مهم قرآن بقلم رودولف در مورد ترتیب سور قرآن به حلیه طبع آراسته گردید . این شخص غیر از ترجمه در اصل نیز تصرف

صدر اعظم محمود پاشا بوسنی و هرزه گوین را گرفته ضمیمه مالک عثمانی نمود . این فتح در سال ۸۶۷ هجری اتفاق افتاد . محمود پاشا مردی بزرگ و مدبر بود و از این نظر همیشه مورد بفض بود ولی زمانی که حوادث بزرگ در کشور روی مینمود در رأس امور قرار میگرفت ولی وقتی روز آسایش فرامیرسید آن بیچاره را در ازاء این همه فداکاری خاک بر سر میکردند باین ترتیب که در اردو طناب خیمه او را پاره میکردند و چادرش سرنگون میکردید و او باملاحظه عرف و عادت دیرینه ترکها درمی یافت که معزول شده است و آخر سر در ازاء آنهمه فداکاری و فعالیت و تحمل مخاطرات و انجام مأموریتهای مهم سلطان محمد دستور داد تا سراورا ببریدند .

مظالم فاتح زیاد است و از جمله از ترس زلزله مقام سلطنت رجال مقتدر را از بین میبرد فاتح مدت شانزده سال با وندیکها جنگ کرد بالاخره آنان تقاضای صلح کردند از جمله غرامات که دادند ششصد دختر و یکصد نفر پسر بود . بعد عده زیادی از ارباب حرف و صنایع از شهرهای مورد تصرف کوچانیده در آسیای صغیر مسکن داد و ایندو مسئله من بعد برای فاتحین جزو رسوم گردید .

نمود فصول متشکله قرآن و ترتیب سوره‌ها را تغییر داد و با اصل موضوع تاریخی مورد تطبیق قرارداد. ترتیب سور در این کتاب روی اصول و سنن مسلمانان و احادیث مربوطه است کتاب دیگری که از ذکر آن در این جا ناگزیرم موسوم است به محمد پیغمبر اسلام بوسیله شخصی موسوم به ویل نگاشته شده است که مطابق اصول کرونولوجی (تعیین شرح وقایع با توجه به ترتیب تاریخ) آن است در این کتاب توجه دقیق بموضوع مطلب هر سوره جداگانه معطوف شده است و ارتباط احتمالی آن سوره با مطابقه حوادث اتفاقی دوره زندگانی حضرت محمد معلوم گردیده است. از جمله برای سوره بیست و یکم فهرستی وقایع تاریخی تهیه نشده است نولدکه آلمانی در کتاب معروف و مهم خویش موسوم بتاریخ قرآن *Geschichte des qoran* که عاری از توصیف و کتابی است آن چنان احترام و افتخار را جلب نموده تادر سال ۱۸۵۹ آکادمی کتبه های پاریس جایزه نوبل باو بخشید در این مورد مینویسد «من خود را ذیحق نمیدانم که از ترتیب این مؤلف در باب سوره‌های منصرف شوم. آن بر اساس تحقیقات انتقادی و تجزیه دقیق اجزاء مرکب کننده هر آیه گذاشته شده است و ممکن است آنرا مأخذ قانونی مطمئن نامید که بدون دلایل قوی از آن بهیچ وجه نباید عدول نمود»

---

در این محاربات عده زیادی سر بازان ممالک مسیحی متصرفی عثمانی دوش بدوش سر بازان ترك در محاربه شرکت کردند. بعداً قشون ترك متوجه کشور ایتالیا گردید و شهر اوترانت را تسخیر کرد ولی فوت ناگهانی سلطان محمد مانع فتح ایتالیا گردید غرض از ذکر مراتب مزبور آن است که در این زمان پرچمدار اسلام در اروپا ترکها بودند و این محاربات در صورت ظاهر بعنوان جهاد با کفار صورت میگرفت در این هنگام در کریمه انقلاب روی داد سلطان محمد یکی از سرداران خود را با سیصد کشتی بآن سوی فرستادند و آن شهر را آرام نمود و اهالی کریمه از این تاریخ قبول تابعیت عثمانی نمودند و اگر در این میان از باب قدرت طبیعت خشن و ستمگر و سفاک داشتند و از تعلیمات اسلامی بهره کافی و وانی نداشتند نباید طرز رفتار و شیوه گفتار ایشان بحساب اسلام آید در صورتی که روحانیون مسیحی دانسته و بیاندانسته تمام ستمگرها و خونریزها را بحساب اسلام گذاشته اند و تبلیغات ناروا بر علیه اسلام نموده اند در صورتی که اعمال ناهنجار ترکها



## RodWell رودول

بهر حال ترجمه قرآن رودول در سال ۱۸۶۱ چاپ شد و در سال ۱۹۰۹ مجدداً بوسیله بنگاه نشر کتاب (اوری سنس) طبع گردید بنابراین ضرورت دارد که فهرست مندرجات آن مورد مقایسه دقیق قرار داده شود.

این ترجمه از لحاظ کثرت تعداد فروش و مقبولیت عامه حائز اهمیت شایان است و در عالم مطبوعات مانند یک کتاب نمونه مورد توجه واقع گردید علت واقعی این امر روحی بود که مترجم در این اثر دمیده بود و در واقع از شیوه معموله تعصب آمیز خصوصیت بار قرن هفدهم برکنار نبوده است و فاقد تمام مزایا و تفوقهای علمی قرن هیجدهم است رودول بضرر قاطع قرآن را محصول افکار شخصی حضرت محمد (ص) میدانست. - اما اخصال و سجایای حضرت محمد راستوده است ولی بعدها میگوید با توجه با آنچه گذشت ۱- آیا محمد پیغمبر واقعی است؟

۲- و از جانب خدا آمده است؟

۳- آیا در گفتار خود صادق و صمیمی است؟

اگر در واقع چنانچه مسلمانان ادعا میکنند محمد امی بود پس در اینصورت از نتیجه ای که آنان از این مقدمه میگیرند رهایی مشکل خواهد بود بنابراین طبق ادعای مسلمین قرآن یک معجزه ثابت و مقرر است.

آیا مدارکی وجود دارد که دلالت کند محمد خط ننوشت؟

اما آنچه مسلم است حضرت محمد با میل شدید و عشق وافر و بی پایان و صمیمیت کامل میخواست قوم خود را از پستی و مذلت بت پرستی برهاند و بی محابا حقیقت عظیمی را در شبه جزیره عربستان اعلام نمود و آن عبارت از توحید بود و مبارزه بزرگی را آغاز کرد و آن بت شکنی بود. «برای فهم سئوالهای ۱ و ۲ و ۳ به فصل سوم تعلیقات در مورد اعجاز قرآن مراجعه فرمایند» و نیز شرح حال موجز حضرت رسول را در پا ورقی قرائت فرمائید مترجم

---

رامیشوان انعکاس رفتار جنگجویان صلیبی تصور نمود. این بود شمه ای از مناسبات مسلمانان و اروپائیان تا زمان سلطان محمد فاتح و اگر روابط بعدی ذکر گردد سخن بدر از اکتشاف و منظور ما از بیان این مسئله تاریخ نبود بلکه ذکر علل بود و بس.

این مسئله تمام روح او را فرا گرفته بود تا اینکه بجائی رسید که او سوره معروف را قرائت کرد او با عقیده و ایمان رسالت خود را اعلام نمود و فرمود که ندائی آسمانی از طرف خدا او را بر رسالت فرا خوانده است و از طرف خدا خود را مبعوث بر رسالت قلمداد نمود در مراحل اولی گاهی شک و تردید باو دست میداد ولی بتدریج مؤمن شد بر اینکه نبی مرسل است . و روی اصل ایمان و اعتقاد باین واقعیت بود که آنهمه بلایا و محرومیت ها و شکنجه ها را در ایام توقف در سکه تحمل نمود . بنابراین حضرت عزم جزم و تصمیم راسخ داشت که قوم عرب را از ضلالت بت پرستی بربانند و برای نیل باین منظور بهر وسیله که ممکن بود باستثنای دروغ و تقلب و تزویر دست زد لذا در مدینه شروع بسخت گیری و شدت عمل نمود .

### شرح حیات رسول اکرم

برای درک مطالب مزبور و مفهوم سوالات و ردول کافی است که بشرح حیات پیامبر اسلام باختصار بپردازیم و آنرا از قول يك محقق خارجی موسوم به سیوری که کتاب حیات محمد را نوشته است نقل میکنیم بعد از ذکر داستان تولد پیامبر گوید عبدالله پدر محمد مرد صاحب جمال و کمال بود و بعلت سجایای اخلاقی و خصال نیکوی خویش مورد اعتماد خاص عبدالمطلب پدر خویش و شریف مکه بود آن پیر خردمند عبدالله جوان را بجهت خرید آذوقه به یثرب اعزام نمود عبدالله در آنجا وفات یافت عبدالله چون در سن جوانی در گذشت بغير از پنج نفر شتر و يك غلام حبشی تر که دیگری نداشت محمد در این حال نوزادی بیش نبود مادرش آمنه بنگهداری و رضاعت فرزند یگانه خود اشتغال ورزید .

چون هوای مکه مناسب سلامت مزاج بچه ها نبود بنابراین در آن زمان رسم چنان بود که بچه ها را بزنان ساکن بادیه می سپردند تا نگهداری و تربیت نماید . از جمله قبیله بنی سعد بشجاعت و فصاحت معروف بودند آمنه پسر خود را بزنان آنها عرضه داشت ولی چون یتیم بود کسی قبولش نکرد . طایفه بنی سعد تمام خرید و فروشهای خود را انجام داد حتی زنهای آنها هر کدام پسری برای پرستاری از خانواده معتبر مکه گرفته بودند در این میان حلیمه توفیق پیدا نکرد و بود و زمانی که از همه جا مأیوس گردید بفکر محمد یتیم افتاد و بسراغ آمنه رفت و محمد را از او گرفت و بقیله خود روان شد ولی بعد از مدتی بعللی که فعلا ذکرش

موضوع قابل توجه آنکه حضرت محمد از آغاز طفولیت با سختی و محرومیت رویو بود و از یک مادر زودرنج و فوق العاده عصبی دنیا آمده بود او اگر جزواشخاص معمولی و متعارف بود علی الاصول میبایست بطرز خاص در معرض فساد و بوالهوسی و خیالبافی قرار بگیرد و دستخوش تهییج و تحریک و انحطاط بشود . بنابراین مقدمات آنچه پیامبر اسلام را در انظار قوم جاهل خویش ارزش و اعتبار بخشید خصایل و سجایای او بود تا بحدی که اعتبار احراز مقام الهام و درجه نبوت اعطا نمود . اینهمه فقط در سایه منزّه بودن وی از آلایشهای گوناگون بود .

بنا بر آنچه گذشت روش زندگی پیامبر اسلام یک نمونه بسیار عالی از قدرت و اخلاق پسندیده است و نمونه بارز یک ایمان کامل بخدای واحد و عالم نامرئی است و آنچه از این ایمان استنتاج میگردد عقیده بسیار راسخ است بآنچه بوی الهام گردیده است . بعلاوه از نقطه نظر علوطبع و کمال صداقت و امانت و ایثار حضرت محمد نمونه است . محمد در عداد اشخاص انگشت شمار است که نفوذ کامل درباره عقیده و ایمان و اخلاق و روحیات مردم داشته است . قدرت کامل و نفوذ زیاد در مورد زندگی دنیوی به پیروان خود داشته قدرتی که در اثر مسامحی و کوشش های طاقت فرسای او مسیر تاریخ عوض گردید و حقیقت بسیار بزرگ در دنیا پیشرفت نمود . ولی علی رغم این محسنات و مکارم و خصایل عالی اخلاقی شاید دارای خطایا و لغزشهای متعدد شخصی نیز بوده است (نعوذ بالله) مترجم . برای رفع هر گونه اشتباه به فصل سوم تعلیقات مراجعه شود

---

در اینجا مورد ندارد حلیمه بچه را بمادر خود تسلیم نمود . آمنه تاشش سالگی تربیت او را بعهده گرفت بعداً با اجازه عبدالمطلب به یثرب رفت و در مراجعت از آنجا در حومه یثرب وفات یافت از این تاریخ ببعده عبدالمطلب تربیت محمد را بعهده گرفت بعد از مدت کمی او نیز در گذشت نگهداری محمد کوچک بعهده ابوطالب محول شد او محمد را همچون جان شیرین دوست داشت ابوطالب مثل سایر افراد قریش بازرگانی میکرد در هنگام عزیمت به یکی از سفرها چون محمد را متأثر و مستعد دید با خود بشام همراه برد . محمد در این زمان بیش از ۱۳ سال نداشت ولی رشد عقلانی و قوای معنوی وی خیلی بیشتر از اطفال همسال خویش بود .

متون تاریخ مورد اطمینان مکارم صفات و سجایای اخلاقی پیامبر اسلام را ضبط کرده‌اند و به سرزنش و ناسزاهای مدعیان مانند پرید و مارا کچی جزئی دلیل تاریخی وجود ندارد و معلوم میدارد که این همه از بغض و عداوت و تعصب سرچشمه گرفته است.

پیامبر اسلام یک معلم بزرگ و همیمی و با اشتیاق بود و یک وجود سرشار از بزرگی و یک طبیعت فیاض داشت سخن مدعیان مبتنی بر این است که اگر اشتباه یا احیاناً لغزشی در وجود مبارکشان باشند ناشی از کیفیت محیط و شرائط زندگی وی بود.

اساس مذهب اسلام و زندگی شخصی حضرت محمد روی دو اصل بود که آند عبارت از صداقت و نیکوکاری و خیر است. قول مدعیان بر این است علت پابرجا شدن و اشاعه اسلام درجه اول نفوذ تعلیمات حضرت محمد و درجه ثانوی عقب ماندگی نژادها و کهنتری روحی آنان است (اگر حقیقت چنین بوده باشد)؟! و موجب سوم حرکت سریع و فداکاری صمیمانه و فوق العاده مسلمین در فتوحات کشورهاست که اسلام مدت سیزده قرن پابرجاست و متجاوز از یکصد میلیون نفر نفوس بشری پیرو دین اسلام میباشند. این عده متجاوز از یکدهم ساکنین کره ارض میباشد.

۱- بالاخره کاروان شهر بصری که نمونه‌ای از عظمت روم قدیم بود رسید. این شهر جزو کشور شام بود و یکی از معتبرترین مراکز تجاری محسوب میشد در نزدیکی این شهر دهکده‌ای بود که بعلمت مجاورت يك کلیسا و وجود ذبح‌جود راهب جلیل القدری اهمیت شایانی کسب کرده بود زائرین از راههای دور بزیارت این کلیسا میآمدند و از محضر این ترسای دانشمند نیکو خصال استفاده میکردند پرسشهایی از گذشته و آینده مینمودند و بقدر استعداد خود جواب میشنودند و علامت تقدس و تبرک صلیب طلائی خود را روی آنان میمالید این روحانی بزرگوار صاحب کشف کرامات بود با عالم بالا و لاهوت سروسری داشت پیرمردی سپیدموی نورانی بود. ردای بلند بالای مشکین کشیشی در برداشت دیدگان لاجوردی گونه‌اش قیافه آسمانی بوی بخشیده بود. راهب بحیری نسبت به بیگانگان هم مهربان بود بزرگان قریش را بمهمانی دعوت نمود و ضیافت بزرگ و مجملی بیاساخت و طبق روایات نوازیخ مشهور چون محمد جوان را دید و آثار و علائم بزرگوار و پیامبری در او مشاهده

**عقیده آربری :** این نظریه رودولف در مورد مسلمانان و اسلام و حضرت محمد بود فعلاً تقریباً صدسال از موقعی که رودولف این مطالب را نوشته است میگذرد و در این مدت پیشرفت و انتشار و ازدیاد مسلمین قابل توجه است و کثرت جمعیت دنیا نیز البته یکی از این موجبات است . رقمی که امروز در مورد آمار نفوس مسلمین پذیرفته شده است مقابل سه یا چهار برابر رقمی است که رودولف گفته است و همچنین تعداد مسلمین جهان مطابق  $\frac{1}{4}$  جمعیت تمام دنیا است .

رودولف جرج سیل را مخصوصاً از این نظر مورد سرزنش قرار میدهد که وی از ما را کچی تقلید صرف نموده و تأویلات وی را در متن کتاب خود چاپ و آنرا معرفی نموده است .

کرد با بوطالت توصیه نمود که فوراً بمکه برگردد تا مبادا یهودشام او را ببینند و بشناسند و گزندش رسانند .

در این سفر دیدگان محمد باصحاری وسیع و سوزان و جبال مرتفع و آسمان پرستاره درخشان مأنوس گردید . ازدیاد نمود و مدین و وادی القراء گذشت افسانه های اعراب بادیه نشین را در باره سرگذشت این اقوام قدیم شنید مزارع سبز و خرم و باغهای پردرخت و مصفای شام توجه وی را بسوی خود جلب کرد .

بزرگان اقوام و روحانیون مسیح را ملاقات و از داستان مبارزه سیاسی دین مسیح و مذهب زردشت باخبر گردید . باوجود قلت سن عظمت روح و رشد عقلانی و خصال برجسته که خدا برای وی ارزانی داشته بود بادیده تحقیق و با نظر عبرت و چنانکه باید و شاید در موضوعات نگریست و با تعقل و صفای قلب حقیقت را دریافت و دلوی مهبط انوار و محل تجلی اسرار خدائی گردید . ابوطالب چون از این مسافرت طرفی نسبت این آخرین سفر تجارت وی بشام بود . بعد بمختصر ثروت خویش قناعت نمود و درمکه زندگی آرام توأم با سعادت و افتخار را شروع نمود . باوجود آنکه اذمال دنیا چندان بهره نداشت ولی درمکه دارای اهمیت و اعتبار و احترام فوق العاده بود درخانه وی بروی همه باز بود - محمد در ماههای حرام باتفاق کسان خود بیازارهای مجاور میرفت اشعار شعرا شام عرب را بدقت اصفا مینمود طبق ذوق و قریحه خود تجزیه و تحلیل میکرد بگفتار خطیبان یهود و ترسا گوش فرا میداد . « آنان بت پرستی را مذمت میکردند و برادران عرب خود را بیگانه پرستی

رودولف بقرآن علاقمند بود و اولین مترجم است که مجذوب آن گردیده است .  
با کوشش بسیار می خواست سبک اصلی عربی را تقلید نماید . اما بسیاری از سوره های  
قصص را بایک نحو آزادی و یا بروش ترجمه آزاد ترجمه کرده است .

پروین آف - ح - و - پروکستال در کتاب (مشهور خویش می نویسد)  
«اگرچه شیوه آن بسیار عالی و نمونه شاهکار ادبی محسوب میشود نشان میدهد  
که اینطور ترجمه ها با از دست دادن متن موضوع کتاب بدست آمده است.»

ق - مارک - اولیویر استادزبان و ادبیات عربی دانشگاه اکسفورد که ترجمه  
قرآن رودولف را برای چاپ مجدد برای نشر کتاب اوری سن سن مهیا نموده و زحمت  
طبع و نشر متقبل گردید . مجذوب مزیت و شایستگی آن گردیده که فوق العاده قابل  
توجه است .

دعوت میکردند محمد که ظاهر کلام آنها را میشوند و آنرا بر بت پرستی ترجیح میداد ولی  
دردل خویش اطمینان نسبت بسخندان ایشان احساس نمی کرد و نصایح نصاری و یهود دردل  
وی نمی نشست .

هنوز پانزده ساله نشده بود که جنک فجار در گرفت و علت این جنک اختلاف طایفه  
هوازن با قریش بود و این جنک چهار سال دوام پیدا کرد . بالاخره صلح بین دو قبیله برقرار  
گردید و قریش خون بهای بیست نفر را که در این جنک بقتل رسیده بودند پرداخت و بالنتیجه  
محمد فنون جنک آوری و نبرد را یاد گرفت . این جنک در هر سال دو یا سه روز بیشتر نبود  
و مانع از این نمیشد که عربها از کارهای عادی خود که تجارت یا شعر سرودن و یا ایراد خطابه  
و یا می کساری و تمتع از کنیزان بود منصرف شوند . ولی بشهادت مورخین محمد هرگز  
کرد کارهای ناشایسته نگشته است و پرهیز از این کارها بعلمت فقر و تنگدستی نبود بلکه  
محمد چون بعمق قضایا توجه داشت به لذات زود گذر اعتنائی نداشت و با برسر تمایلات آنی  
و فناپذیر می گذاشت و در راه تکامل نفس گام برمیداشت در بدو زندگانی و عتفوان جوانی  
مرک و میرهای متوالی پدر و مادر وجد تأثیرات پایدار در روح وی باقی گذاشت و او را متوجه  
عالم علوی و ترک لذایذ زود گذر جهانی کرد . محمد چون مدتی شبان و شترچران بود .  
بازو و تفکر عادت داشت تنهایی را دوست میداشت و بعدها از زمان چوپانی همیشه بخوشی  
یاد میکرد و میگفت اغلب انبیاء مانند موسی و داود چوپان بوده اند «زیرا که چوپان اگر

### عقیده‌ها کلیسوس

خوشوقتیم از اینکه بگویم ترجمه رودول بهترین ترجمه در نوع خود می‌باشد که تا حال بنظر رسیده است بحدی که بنظر می‌آید تا اندازه‌ای که مقدور بود رودول خود را به محیطی که پیامبر اسلام زندگی می‌کرده است نزدیک نموده و زمان و مکان و اعصار تاریخ را زیر پا گذاشته است نوشته او رنگ عرب گرفته منتهی سخنان او با بوی گل‌های غرب آغشته گردیده است و شبیه آهاتی که با آهنگ و بی‌قید و غیر منظم

هشیار باشد هنگام روز در فضای وسیع و آرام و در وقت شب در پرتو ستارگان درخشان مجال تفکر و تعمق در رموز و اسرار خلقت و مشاهده آسمان و زمین پیدا میکند و درمی‌یابد که باین دو ارتباط دارد نظمی در میان اجزاء عالم خلقت می‌بیند که او را بسوی عالم بالا سوق میدهد».

محمد رغبتی بمادیات نداشت و در جستجوی ثروت نبود از تفکر در اسرار خلقت و تماشای زیباییهای کائنات لذت میبرد. بعلت یتیمی و فقر از تعلیم مختصری که اطفال بزرگ قریش از آن بهره‌مند میشدند بی‌نصیب بود. (در این زمان در مکه عده معدودی از نعمت کتابت بهره‌مند بودند و این تعلیم و تربیت بقیمت گران تمام میشد فقط اطفال اغنیاء میتوانستند کتابت بیاموزند. و قیمت تعلیم کتابت بحدی بود که در یکی از غزوات پیامبر اسلام تعلیم کتابت را بیک فرد بچه مسلمان بعنوان فدیة قبول نمود بنابراین موجبات مسلم میشوند که پیامبر اسلام امی بود).

محمد رغبت و افری بکسب معرفت داشت و از آغاز طفولیت کمال مردانگی و امانت در ناصیه او آشکار بود مردم مکه او را محمد امین میگفتند وی مورد احترام خاص و عام بود و این احترام تا زمانی که بر ضد بت‌های آنان قیام نکرده بود باقی بود. در این زمان اشراف قریش ترسیدند که در زیر قبای مذهب حس جاه‌طلبی نهفته باشد مردم را بر ضد او شورانند. چنانکه گفته شد در چهارده سالگی جنك فجار آغاز شد و محمد نیز باتفاق اعمام خود در این جنك شرکت جست قریش فاتح شد و به یاد بود این فتح قریش در صدد تجدید بنای کعبه برآمد و آنرا خراب کرد از نو بنای وسیع‌تر از اولی احداث کردند. زمانی که بنای کعبه بارتفاع مطلوب رسید در صدد برآمدند تا حجر الاسود را بجای معهود بگذارند

از قلم او جاری و بر روی صفحه کتاب نقش بسته است با وضع شایسته از اصل متن اقتباس گردیده است. باری از خلال تمام نظرات و نوشته‌های او چنین مستفاد می‌شود که او مرد فاضل و محقق بوده است نه فضل فروش و متظاهر.

او هدف خود را در این ترجمه راستی و درستی قرار داده است بدون این که حقائق را زیر پا بگذارد بعبارت آخری ترجمه او مانند نمونه قابل تکریم و تعظیم است و او در تقسیم آیات رویه فولوگل را تعقیب نموده است.

### ادوارد هنری پالمر

زمانی که ماکس مولر اثر تاریخی با ارزش خود را در مورد کتب مقدس مشرق برای دانشگاه اکسفورد طراحی می کرد از محقق و دانشمند بنام ادوارد هنری پالمر دعوت نمود تا در این راه با ترجمه جدید قرآن با وی معاوضت نماید و در انجام این مهم سهیم باشد. پالمر محقق و فاضل و متبحر در چند رشته از علوم بود. دانشمند با حرارت و پر شور و فعال بود چون کاملاً آمادگی داشت این موضوع را با طیب خاطر پذیرفت ترجمه او دو جلد بود و در سنه ۱۸۸۰ یعنی دو سال قبل از آنکه در صحرای مصر کشته شود طبع و نشر گردید.

اختلافی بین قبائل مختلف روی داد هر يك میخواستند این افتخار را منحصر بقبیله خویش گردانند بالاخره قرار بر آن نهادند که داوری این امر بعهده کسی که برای اولین بار وارد حرم می شود و بگذارد. دست قضا محمد را برود بآنجا راهنمایی کرد ناگاه او بود که وارد شد و بقضاء این مشکل انتخاب گردید.

محمد گفت حجر الاسود را روی فرشی قرار دهید و از هر قبیله يك نفر انتخاب شود که در محل گوشه از آن شرکت کند بدین ترتیب تمام قبائل در این موضوع انباز باشند چنین کردند و نزدیک موضع مخصوص آوردند آنگاه محمد حجر الاسود را بدست خویش گرفت و در محل خود کار گذاشت.

دیگر از کارهای مهم قبل از بعثت محمد ازدواج با خدیجه است خدیجه بیوه ثروتمندی



پالمر یک بچه فقیر و یتیم بود و نزدیک بود که در سنین بین ده تا بیست سالگی از عارضه مرض سل درگذرد و آثار گرانبھائی بعنوان یک مترجم در معرض استفاده عموم قرار داده است در میان کتابهای او ترجمه های منظوم اشعار عرب بنیادگار مانده است از جمله ترجمه مجموعه اشعار بهاء الدین ظھیر است که شهادت وافق از فضیلت وی میدهد .

زمانی رودول با اقدام متھورانه شرکت محدود د - م - دنت و پسران باوج شهرت خود در بین مردم رسید پالمر نیز بوسیله انتشارات و مطبوعات دانشگاه اکسفورد در بین محققین دنیای کلاسیک از معروفیت بسزا بهره مندی کامل یافت . بدیھی است که مرحوم رینولد نیکلسن کتابهای او را مجدداً طبع و بجامعه علم و ادب معرفی نمود نیکلسن اصلاح کروئجیکال قرآن را که با سعی و مجاہدت دانشمند معاصر خود پدید آمده بود کنار گذاشت و نظریه وی در مورد اسلام و قرآن جدا گانه بیان خواهد شد فقط بطور خلاصه یادآوری می شود او قرآن را به پارا گرافهای مختلف تقسیم کرد . بطوری که اثر او نقل کتاب موضوع سیل و رودول را در بوطه نسیان انداخت .

نیمه اول قرن حاضر مطالعات و ترجمه قرآن بسیار دیده است در مقام مقایسه با قرون گذشته در این زمان توجه به ترجمه قرآن زیادتر شده است و ترقی کرده بطوری که نظیر آن در سابق دیده نشده بود بالنتیجه تعدادی ترجمه های جدید قرآن بزبان انگلیسی قدم بعرصه وجود گذاشته است . این مسئله مشتمل بر محققین و فضلائى هم

بود حسن شهرت محمد را شنید دریافت که در قبیله قریش جوانی دیگر باین کمال و کاردانی و امانت وجود ندارد .

زندگی محمد در این هنگام یاد در صحرا و بقیه ایام در مکه سپری شده بود . شهر مکه بدو قسمت اساسی تقسیم می شد و مردمش چند قبیله بودند .

اشراف مکه در محله بطحا که سرزمین مرنفعی بود زندگی توأم با سعادت مادی و تنعم از لذایذ دنیوی بسر میبردند بینوایان در مسیل مکه و در کوچه های تنگ و تاریک بسر میبردند غیر از اینها نیز دو دسته از مردم مکه نیز تیره روز بودند اولی بردگان سیاهی بودند که از خارج می آوردند .

مشود که زبان مادری شان غیر از انگلیسی هم بوده است. باری تمام این ترجمه ها مفید و شایستگی مطالعه و مذاقه را دارند ولی برای پرهیز از تطویل کلام در این جا فقط این همه را محدود بدو نفر کرده معرفی می نمایم.

### (پیک سول) (Pikthal)

علل مرجحه یکی از این دو مترجم آن است که نسبت بمذهب اسلام نوآیین و تازه گیش است و از نقطه نظر ادبی یک مرد معروف و ممتاز و دارای آثار گرانبهای ادبی است و مخصوصاً اشتهار وی از لحاظ رمان نویسی و نولستی است این شخص موسوم به (مارمادوک پیک سول) است که سالهای متمادی در شرق زندگی کرده و در جریان کار خود در مسیر زندگی بخدست نظام حیدرآباد درآمد یک فرد مسلمان دانشمند و روشن فکر میباشد و اکنون حاکم ایالت مسلمان نشین هندوستان است (در زمان تألیف کتاب).

پیک سول داعیه دارد که دارای تحصیلات عمیق و دقیق می باشد توجه مخصوص نسبت به ترجمه قرآن مبذول داشته و الفاظی که سزاوار احترام است بکار برده است.

طایفه دوم زنان و دختران بودند که در حیات عمومی عرب حق کمی از بردگان داشتند و جزو ائانه منزل محسوب میگرددند و هر کاری که دلشان میخواست با ایشان میکردند. دختران نقطه ضعف قبیله محسوب و چه بسا که بدست خود آنها را زنده بگور میکردند. باری در این زمان فساد و تباهی و قمار و شرابخواری رایج بود. تنها وسیله انتقال ثروت قمار بود و حتی کسانی بودند که آزادی خویش را میبختند چنانکه العاص بن هشام وجود خود را باخت و غلام ابی لهب گردید.

ابوطالب تنها کسی بود که در بین اشراف قریش با قناعت و مناعت زندگی میکرد دارای عائله سنگین و ثروت کم بود در فشار زندگی میسوخت و میساخت و دم بر نمی آورد تا روزی از محمد که هم محبوب فقراء و هم مورد احترام اغنیاء بود چاره جوئی کرد «گفت آیا نمیتوانی کاری انجام دهی تا موجب گشایش کار من شود. محمد باخوشحالی پاسخ موافق داد ابوطالب راه خانه خدیجه را پیش گرفت. محمد تا این زمان چوپان بود. چون خدیجه دختر خویند چند نفر از مردان قریش را برای کار تجارت خود اجیر میکرد ابوطالب از این فرصت استفاده نمود و محمد را باینکار معرفی کرد.

پیکسول میگوید غرض و هدف وی در ترجمه قرآن آشنا کردن خوانندگان انگلیسی زبان است باین مسئله که مسلمانان جهان چه اعتقادی بمعنای کلمات قرآن دارند و همچنین نمایاندن طبیعت و اهمیت قرآن است نه باصطلاح نازیبا و نارسا بلکه بطریق ایجاز و اختصار بطور کافی و وافی تا نیازمندیهای یک نفر مسلمان انگلیسی زبان را کفایت کند .

ممکن است کسانی ایراد نمایند و در مدعای خود صادق باشند براینکه کتاب مقدس مذهبی اسکان ندارد چنانچه شاید و باید بوسیله شخص غیر مؤمن بنحو احسن معرفی شود . بنابراین ترجمه من نخستین ترجمه قرآن است که بوسیله یک نفر مسلمان انگلیسی زبان ترجمه گردیده است .

« بعضی از ترجمه های دیگر قرآن مشتمل شرح اهانت آمیز و نفرت انگیز نسبت بمسلمین است و تمام ترجمه های قرآن و سبک نویسنده گی شان نموداری از ناشایستگی و عدم لیاقت مسلمانان است . پس چنین نتیجه گرفته می شود که قرآن قابل ترجمه نیست این عقیده شیوخ و زعمای قدیم و نظریه نویسندگان جدید است ترجمه قرآن من تقریباً ترجمه

خدیجه زنی پولدار و تاجر پیشه و شرافتمند بود در ازاء خدمتی که بمردان ارجاع میکرد حقی شایسته نیز بآنان میداد .

محمد اجیر خدیجه شد ولی اجرتی که برای او تعیین شده بود خیلی بیشتر از دیگران بود . در این سفر محمد بواسطه امانت و کاردانی خویش بیشتر از دیگران نفع برد و باحسن رفتار میسر غلام خدیجه را اسیر محبت خود گردانید . محمد از شام برگشت و بخانه خدیجه رفت و مورد استقبال وی قرار گرفت محمد با بیان شیرین بشرح مسافرت و سود تجارت و کالائی که آورده بود پرداخت خدیجه از این معامله شاد شد محمد باوجود نفع فراوانی که بخدیجه آورده بود چیزی زیاده تر از اجرت مقطوع نگرفت و اجرت او چهار نفر شتر بود . « میسر از محمد تمجید فراوان کرد عشق محمد در دل خدیجه شعله ور گردید دست ازدواج بسوی وی دراز کرد محمد بدون چون و چرا قبول نمود در این زمان محمد بیست و پنج و خدیجه چهل سال داشت بعد از بعثت در میان زنان اولین کسی بود که ایمان آورد بیان شرح حال حضرت رسول اکرم بعد از بعثت از حوصله این کتاب خارج است .

سفید است دقت بسیار و کوشش بی شمار برای انتخاب و بکار بردن الفاظ و اصطلاحات شایسته و درخور مقام بکار برده ام اما مسلماً در قبال این مساعی ترجمه که بدست آمده است بهیچوجه قربن آن قرآن کریم افتخار آمیز نیست که بایمان سحرآسا قلب هر مستمع را تکان میدهد و آن هم آهنگی بی همتا و غیر قابل تقلید که الحان دل نوازش انسان را بی اختیار بهیجان می آورد و سیل اشک از دیدگان فرو میریزد و نشأ خاصی بانسان می بخشد و حالت جذبه دست میدهد در صورتی که اگر ترجمه با بهترین نوع خود انجام گیرد فاقد این تأثیرات است ولی ترجمه تنها کوششی است برای بیان معنی قرآن در حالی که فاقد روح است و شاید اگر صحیح و فصیح ترجمه شده باشد خواننده انگلیسی زبان از آن لذتی ببرد مع الوصف این ترجمه هرگز نمی تواند مانند قرآن عربی مفید و مؤثر واقع گردد. «برای فهم این مسئله که ترجمه مانده قرآن کریم نیست به فصل چهارم تعلیقات موقعیت جمل و کلمات قرآن مراجعه فرمایند.» مترجم

در مصر اثر این جانب قبل از طبع و نشر بوسیله کسی که زبان مادری او عربی است و همچنین قرآن را خوانده و فهمیده بود و زبان انگلیسی نیز میدانست مورد دقت و موشکافی قرار داده شده است و در عین حال اگر مواجه با اشکالی شده برای برطرف کردن آن به بزرگترین مراجع ذیصلاحیت زنده متوسط گردیده و مشکل را حل کرده است بنا بر این احتیاطات لازم انجام گرفته شده است تا این ترجمه صحیح انجام گیرد و مندرجات کتاب بدون مجوز واقعی درج نگردد (دکتر محمد احمد الخمرای طبیب محقق و فاضل و یک مسلمان پارسامتش واقعی و دوست بزرگوار پروفیسور آربری) که در ادبیات عرب تعمق و تبج دارد عهده دار تجدید نظر این ترجمه گردیده است. مرجع محترم دیگر حل اشکال شیخ الازهر جناب آقای مصطفی المراغی است که افتخار آشنائی ایشانرا مسیو «آربری» (مؤلف کتاب) هم پیدا کرده است.

**بنابعقیده آربری** مع ذالک با وجود این همه دقت ترجمه Pik thal عاری از اشتباه و خالی از خطا نیست زیرا که اساس ترجمه را یامتن سنگی چاپ ترکیه قرار داده است و مبنای شماره آیات را براساسی قرار داده است که باروش معهود Flugel فرق داشته است و این عمل موجب اشتباه کاری گردیده است.

بطور کلی ترجمه Pikthal متضمن معنای قرآن کریم است و اولین دفعه در سال ۱۹۳۰ در لندن به حلیه طبع آراسته گردید خلاصه این اثر در طریق دراز ترجمه قرآن مانند سنگ کیلومتر شمار است اینک موضوع تولد حضرت مسیح را انتخاب و نقل می کنیم تا با مقایسه چگونگی آن معلوم گردد .

16 And make mention of mary in the scripture, when she had with drowen from her people to a chamber looking east .

17 And had chosen seclusion from them ) .

Then we sent into her our spirit and it assumed for her the likeness of a perfect man .

18 She said : Lo ! I seek refuge in the Beneficent one from thee , if then are God-Fearing .

19 He said I am only a messenger of thy Lord , that I may bestow on thee a faultless son .

#### Dr. R. Bell (دکتر ریچارد بل)

در نیمه دوم قرن نوزدهم ترجمه قرآن یوسیله دکتر Richard Bell دانشیار ستوفای کرسی عربی دانشگاه Edinburg را میتوان نام برد . این کتاب در آن شهر معروف در سال ۱۹۳۹-۱۹۳۷ طبع و نشر گردیده و تقریب در ادبیات عرب محقق و بسیار متبحر بود و سالیان دراز وقت خود را وقف سوره های مورد انتقاد و تصحیح مجدد آن نموده است و در تعقیب مکتب انتقادی قرن اخیر بیشتر از حد جلورفت . او بقرآن کاملاً ادیبانه نظر افکنده آنرا به قطعات منقسم نموده و دوسر تبه قطعات مجزاشده را بیکدیگر وصل نموده اثر مجدد وی از حدود آیه های مخصوص و به اجزاء آیه ها هم توسعه پیدا کرد هنگامی که ترجمه خود را که بسان جدولی جلوه می کرد ارائه نمود در واقع خواندن آن متعذر بود زیرا که اگر کسی در صدد بررسی آمد تا از آن اثر نوظهور بسیار مشکل استفاده نماید مستلزم داشتن اطلاعات عمیق قبلی و تمرینات متمادی مکرر بود .

ریچارد بل متن فولکل را تعقیب کرد و قطعه تولد حضرت مسیح برای قرائت و مقایسه آن با دیگر ترجمه ها در اینجا ذکر می شود .

16 Make mention in the book of Mary; when she withdrew from her people to a place, eastward.

17 And took between herself and them a Curtain .

Then we sent to her our spirit, who for her the form of a human being shapely .

18 She said Lo, I Take refuge with the merciful from thee, if that art pious .

19 He said I am the messenger of thy Lord, I may give thee a boy pure .

### نظریات آربری در مورد ترجمه قرآن خویش

در این تجدیدنظر سریع که از ترجمه های قرآن بعمل آمد ترجمه های دیگری که چندان حائز اهمیت نبود در بونه نسیان گذاشته شد بنابراین چگونگی آنها با ایجاز تمام باید به مبحث اضافه شود تا هر خواننده روشن دل و صاحب نظر از آن اطلاع حاصل کند ولی عموماً از قرن هفدهم تا قرن هیجدهم قرآنهای ترجمه شده حتی خلاصه و آیات منتخبه ترجمه شده نیز یکسان و یکنواخت می باشد بدین معنی که در تمام این تراجم یک توجه توأم با وظیفه شناسی و ایمان کورکورانه فقط به قسمت صوری و الفاظ دارند و از دیرزمان قاعده مستمر مبتنی بر این بود که فقط الفاظ درک میشد ولی چون هر قاعده کلی یک مستثنیاتی دارد بنابراین کسانی نیز هستند که نتیجه زحمات و تراوش فکری آنان متوجه معنی گردیده است .

اثر فعلی نگارنده (مستر آربری) موسوم به ترجمه قرآن است من این کتاب را از نقطه نظر یک فرد مسلمان مفید و مناسب میدانم و شاید بتواند حوائج روحی او را رفع نماید . اگرچه Pickthal را عقیده بر این است که قرآن قابل ترجمه نیست .

قسمتی از دلالت ضمنی آن مشعر بر نظریه که در مقدمه قرآن مقدس -

The holy Koran بطور خلاصه شرح داده شده است .

بعلاوه آیات منتخبه Allen and unwin در سال ۱۹۵۳ ضمیمه آن گردیده است

که ذکر آن در اینجا نیازی به تکرار ندارد .

باری فصاحت و بلاغت و سجع و وزن و آهنگ قرآن عربی چنان طبیعی و مانند آب روان است که حدی برآن تصور نمی‌توان کرد و باندازه منسجم و بدرجۀ محرك و مهیج است که ترجمه آن ولو بنحو احسن و بوجه نیکو انجام گرفته باشد در حدود طبیعت آن جسم محدود است و یک نسخه سواد ضعیفی و تیره از اصل درخشان و جذاب و منور آن است «برای فهم موسیقی قرآن و تأثیر آن در شنوندگان به فصل پنجم تعلیقات مراجعه شود.» خوبست که ضرب المثل معروف ایتالیائی را در این جا عیناً بیان نمائیم .

Tradictore Traditore

یعنی مترجم از حدود خود تجاوز کند و مؤلف گردد .

خلاصه علت العلل این ترجمه من آن است که در ترجمه قبلی کوشش زیاد برای نمایاندن فصاحت و بلاغت و بخصوص سبک سجع قرآن نشده بود در صورتی که این اثر نمونه کامل از ترجمه قرآن مجید است .

من سبک و ترتیبی برای ترجمه ابداع کرده‌ام بنا بر این شاید شایسته باشد که در اینجا باختصار شرح کنم و غرض و منظور را بیان نمائیم .

قرآن همچنانکه مشهور است دارای یکصد و چهارده سوره می‌باشد که بعضی طوال و برخی سوره قصار نامیده می‌شوند . جلد اول ترجمه جدید مشتمل بر بیست و یک سوره است که متضمن بر بیشتری از نصف تمام قرآن است . تمام سوره قرآن در اصل در یک کتاب و بعد از وفات حضرت محمد جمع و تدوین گردیده است و به ترتیب تاریخ نزول تنظیم نگردیده است و در واقع اغلب سوره در سالهای آخر بعثت حضرت محمد نازل گردیده است من در این ترجمه سعی کرده‌ام آنچه مسلمانان جهان در تمام قرون از کتاب مقدس استنباط می‌نمایند منعکس نمایم و توجهی بگفتار و مباحث ناروای یک مشت مترجم اروپائی ندارم . در این اثر نظم و ترتیب قدیمی و اصولی قرآن با وجود تمام پیچیدگی‌هایش پیروی شده است . سوره‌ها همچنان نیز در موارد معین خود می‌باشند . این مسئله اخیراً مورد دقت و تشخیص محققین مسلمان قرار گرفته است در حالی که معتقد هستیم سوره‌ها و آیه‌هایی که در آن مندرج است تاریخ نزولشان با هم فرق فاحش دارند اما من اعتنائی باین نکرده‌ام و عین متن موجود را مدنظر قرار داده‌ام

و با اشتیاق باینکه هر سوره را بآن لطف ادبی و بآن فصاحت اعجاز آمیز که شایسته قرآن است بتوانم ترجمه و جلوه دهم .

معمولاً سوره به آیات تقسیم شده است و آیات واحد ترکیب کننده آن است که پایان بعضی و اتصال برخی از آیات بایک لفظ است که وزن نامیده میشود . پوشیده نماند بعضی از مترجمین گستاخ جسارت ورزیده و خود را به مخاطره انداختند و برای اینکه وضع مسجع و موزون آیات قرآنی را در ترجمه خود منعکس گردانند رعایت این نکته و این حال را در حین ترجمه خود نموده و نوشته های خود را موزون و مسجع نموده اند و مع الوصف آثار آنها چندان مؤثر و مهیج و پر شور و برانگیزاننده احساسات نبوده است .

ولی نگارنده (مستتر آبروی) ترجیح داده است ختم آیات و ارتباط آنها را تعیین نماید . در ترجمه آیات قصار به حسن ختام اهتمام و وزن را کنار بگذارد . باید دانست که نحوه عمل وزن در قرآن از آن اشعار تمایز کلی دارد پس مترجم قرآن این مسئله را باید همیشه در مدنظر داشته باشد بنابراین روش ترجمه نگارنده (آبروی) در این ترجمه مشروح و منطقی و قانونی و بطریقی است که در فوق مذکور گردید هر چند در نسخه اصلی اغلب بقدر کافی جملات معترضه گاه بیگاه پیدا می شود ولی بناگاه اشعه خورشید فصاحت و بلاغت همه افق را فرامی گیرد و منور می گرداند و عبارات منشور قرآن بشکل شعر غنائی یا غزل درسی آید . من به این تغییرات احوال و تبدیل میزان عبارات متن دقت کافی و وافی نموده ام و در ترجمه خود آنرا منعکس گردانیده ام .

بنابراین خواننده ممکن است آرزو مند باشد تا بداند ترجمه ای که با این وصف بدست آمده است چگونه است و با ترجمه های دیگر مورد مقایسه قرار دهد و فرق آنرا چنانکه شاید و باید دریابد بنابراین ذیلاً نمونه از ترجمه خود را در مورد تولد حضرت عیسی مسیح می نگارد .



and mention in the book Mary  
 when she withdrew from her people  
 to an eastern place  
 and she took a veil apart from them  
 then we sent unto her our spirit  
 that presented himself to her  
 a man without fault  
 She said, I take refuge in the all  
 merciful from thee

جلد دوم ترجمه قرآن آربری مشتمل نصف دوم قرآن است و از اینرو دلالت بر تکمیل جلد اول می کند آربری میگوید در مدت چندین ماه قرآن تنها مصاحب و مونس من بوده است در این مدت موضوعی که صرفاً مورد مطالعه ام قرار گرفت قرآن بود ممکن است کسان دیگری نیز ادعای مطالعه قرآن و ترجمه آنرا داشته باشند و شاید خیال می کنند علم و اطلاع آنان بسیار ناچیز باشد زیرا که ترجمه قرآن نیازمند احاطه بسیار بمطالبی دارد که هر کس از عهده آن نتواند برآید . کسی که میخواهد کما هو حق قرآن را ترجمه کند و ذره از آنرا فرو نگذارد باید زحمت بسیار بکشد .

سالیان دراز بود قرآن را قرائت می کردم بعد آنرا بدقت از آغاز تا پایان مطالعه نمودم و دقت کافی در لفظ و معنی بعمل آوردم بدون اینکه یک آیه از آن را ترجمه نمایم .

مطمئناً با انضباط دقیق سعی کرده ام بهترین عبارات و الفاظ انگلیسی را پیدا نمایم که با عبارات و مندرجات متن مورد ترجمه تطبیق کند لذا این مسئله سبب شده است بطور موشکافانه در اعماق قلب قرآن فرو روم و آنرا کاوش نمایم و روح قرآن را دریابیم و در عین حال هوش و گوش را آماده درک زیبایی و آهنگ موسیقی و رموز قرآن قرار دهم بنابراین مقدمات است که فکر می کنم موجه باشد که این روش غیر عادی را قبول کنند تا در اول کتاب دوم نیز مقدمه ذکر گردد تصویری کنم انبساط و لذت توأم با هیجان که از تکمیل تجربه خود بدست آوردم و نیز بشرح این واقعه که قادر

به کشف رموز و شرح قرآن شده‌ام همچنین متأثرم این خاطره درخشان با گذشت سالها و ماهها از بین خواهد رفت و چون تصور می‌رود این خاطرات با گذشت زمان مبهم شود و در بوته فراموشی گذاشته شود پس بهتر آن است که حالا آنها را منعکس سازم. بنابراین چیزی که فعلاً مورد بحث قرار می‌گیرد موضوع سجع است و این سجع و وزن و آهنگ است که من پیوسته بآن تکیه می‌کنم. این قدرت هینوتیزم کتاب مقدس اسلامی سرا آن چنان بخود جلب کرده است که جهدمی‌کنم و درصدد پیدا کردن وسیله هستم تا بتوانم از قید نفوذ این قدرت عظیم رهائی یابم در موضوع این قدرت شگفت بایک دوست عرب گفتگو کردم آنچه من در دل داشتم او بر زبان آورد و گفت جایی که الحان قرآن را بشنوم گوئی آهنگ دلنواز موسیقی را می‌شنوم و این موسیقی تا اعماق قلب من تأثیر می‌بخشد.

توجه توأم به شیفتگی به سجع و وزن و آهنگ قرآن نمونه از احساسات شدید و قوی ملت عرب است عروض عرب در بین تمام ملل دنیا مستغنی‌ترین عروض محسوب می‌شود. بحوری که شعراء عرب از زمان جاهلیت بوجود آورده‌اند مقدار زیادی از نمونه‌های سجع را ارائه می‌دهد که تمام آنها ظاهراً خیلی سهل و آسان هستند به هر شعری تکراری جوابی مشخص و جداگانه از طرف شنونده داده می‌شود باری وضع موسیقی عرب چنین کیفیت را ایجاد می‌نماید.

«بخاطر دارم شبی در یک نقطه از صحرای مصر در هنگامی که تاریکی دامن صحارا فرا می‌گرفت از فاصله یک یا دو میل صدای موسیقی توأم با آواز اعراب بدوی را می‌شنیدم که در نقطه خیمه و خرگاه برپا کرده بودند و با وسائل موسیقی بدوی خویش یعنی طبل و نی مشغول نواختن بودند و آوازا با هیجان تمام می‌خواندند و علی‌الاتصال بعضی را تکرار می‌نمودند و هر مکرری فرقی بارز و ظریف سجع‌آمیز داشت ؟

---

عروض میزان کلام منظوم است هچنانکه نجومیزان کلام منشور است و آنرا از بهر آن عروض خوانند که معروض علیه شعر است یعنی شعر را بر آن عرض کنند تا موزون آن از ناموزون پدید و مستقیم از غیر مستقیم ممتاز گردد و آن فعلولی است بمعنی مفعول چنانکه ر کوب بمعنی مر کوب و حلوب بمعنی مخلوب .

سجع لاینقطع در تمام قرآن وجود دارد اما این سجع نوسان دارد یعنی گاهی بالا می‌رود و زمانی پائین می‌آید، و مرتب آهسته و آرام و بسیار لطیف سیر نزولی می‌کند تا تبدیل به سکوت و توقف می‌گردد بنا بر این میتوان گفت که در این بین پرده‌های بومی موسیقی و سپس قانونی و علمی را طی می‌کند و از خلال مکث‌های مطبوع و خوش آیند و اوزان قابل ستایش بضریات ناهنجار و گوش خراش آهنگ‌های طبل مستهی می‌گردد.

باری اگر نگاهی به ترجمه‌های اغلب محققین و دانشمندان اروپائی در موضوع مورد بحث بیفکنیم معلوم می‌گردد نظراتی که این مؤلفین داده‌اند بسیار غرض‌آمیز و غلام‌صفتانه می‌باشند.

در صورتی که اگر بدیده تحفیق بنگریم انقلابی که در نتیجه بعثت حضرت محمد درمکه قبل از هجرت بوقوع پیوست. وضع تاریخ را عوض کرد. ولی در ضمن اظهار میشود که از مباحث دین اسلام یکی پایان نزدیک و قریب الوقوع قیامت است و معتقد بودند در آینده بسیار نزدیک روز رستاخیر و قیامت بپا خواهد شد.

### رینولد نیکلسن

رینولد نیکلسن معروف در کتاب ادبیات عرب باین مسئله اشاره می‌کند اما در مورد قرآن وی را عقیده بر این است که محققین غربی با اتفاق آراء معتقدند که ترتیب غیر طبیعی و نامنظم قرآن مستلزم کیفیتی است که وقتی غربیان بقرائت و مطالعه قرآن روی می‌آورند ناگاه بنظر میرسد این کتاب تاریک خسته کننده و بی فایده است و مانند یک اثر پر از اطنابهای ممل و مملو از قصص و حکایات کسل کننده و پندآمیز است ولی اگر در این مسئله قدری تأمل شود در واقع و حقیقت یک راه و یک امکان هست و آن بدقت خواندن و مطالعه قسمت اعظم یک جزء اول قرآن است و از این رو میتوان کلید فهم قرآن را بدست آورد و عبارات صحیح و خالص را درست تشخیص داد و بر تیرگی و سنگینی چیره گردید.

## رینولد نیکلسن

و نیز بعقیده نیکلسن در مورد قصار قرآن که در آخر آن کتاب واقع است بطور وضوح و مدلل عوامل و علائم نبوت محمد آشکار است گوا اینکه تاریخ نزول بعضی از این سوره ها مقدم بر دیگر سوره قرآن است .

در این سوره ها شعله الهام در کمال شدت پرتو افکند و قوت طبیعی آن نقصانی پیدا نکرده است اگر چه سجع یکی از خواص ذاتی قرآن است و آنرا از سایر کتب مشخصی میدارد ولی بعقیده محقق مزبور موجب ابهام کتاب مقدس گردیده است .

نیکلسن می گوید با ظهور محمد پرده نفوذ ناپذیر ظلمت همان عهده نا گهان بالا زده شد و مردم جزیره العرب خود را در روی اساس محکم سنن تاریخی پیدا کردند لذا دلائل این تغییر باید فهمیده شود از این رو به بیان علت مأخذ اصلی اطلاعات خودمان در موضوع چگونگی حیات به پیغمبر میپردازیم .

اولین عامل مؤثر پیشرفت اسلام قرآن است که منشأ آن الهام یا وحی احکام الهی بشکل پیغام بوسیله جبرئیل فرستاده می شد محمد پس از دریافت پیغام آنرا بر یاران یا پیروان خود می خواند و در بین آنان نیز بعضی ها مأمور بودند که آن را روی برک خرم و یا چرم و یا سنگ و یا استخوان و یا حیانا هر جسم مقاوم و آماده دیگری که در دسترس مردم قرار داشت با اهتمام تمام می نوشتند .

این پیغام های ربانی تا بیست و سومین سال زمان بعثت پیغمبر ادامه داشت پس با وفات محمد کانون وحی تعطیل گردید اما آنچه هم نازل شده بود در زمان حیات پیغمبر در تحت نظم و ترتیب در نیامد و مانند یک کتاب مدون نگردید و بطور متفرق و پراکنده نگهداشته شده بود و مخصوصاً عده ای از مؤمنین بودند که بعزت کثرت علاقه قرآن را حفظ کردند و آنرا از بر می خواندند ولیکن متعاقب وفات پیغمبر در زمان خلافت ابوبکر خلیفه اول در یکی از جنگ های خونین عده از حفظه قرآن مقتول گردیدند لذا بعد از جنگ در سال ۶۳۳ میلادی عمر ابن الخطاب نزد ابوبکر رفت و گفت «می ترسم که اگر جنگ دیگر رخ دهد وعده دیگری از حفظه قرآن مقتول گردد

در این صورت قرآن که بیشتر سینه به سینه نقل می‌شود بیم آن می‌رود که قسمت عمده آن از بین برود بنابراین بعقیده من باید قرآن بدون تأخیر جمع‌آوری شود. ابوبکر این پیشنهاد را پذیرفت و انجام این مهم بعهدہ کفایت زید بن ثابت محول نمود. اوقطعات متفرق قرآن را با زحمات زیاد از روی قطعات پوست و یا نوشته‌های روی سنگهای سئید و یا از روی سندرجات شاخه‌های بدون برگ نخل یا از دهان حفظه قرآن جمع‌آوری کرد. این کتاب خطی وقتی تدوین گردید در اختیار خلیفه وقت یعنی ابوبکر قرار گرفت و بعد از وی در دسترس عمر بود بعد از مرگ وی بدست دختر عمر و زوجه پیغمبر موسوم به حفصه باقی ماند بعداً در زمان خلافت عثمان خذیفه ابن اعین ملاحظه نمود قرآنی که در سوریه قرائت می‌شود باقرآنی که در عراق تلاوت می‌گردد مغایر است بنابراین مراتب را باطلاع خلیفه رسانید او را برحذر داشت که سبأدا کتاب مقدس اسلامی مانند تورات و انجیل موضوع کشمکش در بین مردم گردد.

در سال ۶۵۱ میلادی عثمان بزید بن ثابت امر کرد که بکمک سه نفر قریشی تجدیدنظری در قرآن بنماید و بآنها دستور داد که اگر اختلافی بازید پیدا کردید دقت نمائید هیچ کلمه خارج از لهجه قریشی نباشد برای آنکه قرآن به لهجه قریش نازل شده است. این تنها تجدید قانونی است که تا امروز در قرآن بعمل آمده است. نسخه متعدد خطی نوشته شد و بهر یک از امراء ولایات امپراطوری اسلام نسخه از آن قرآن فرستاده شد و نسخه‌های موجوده اولی در حضور خایفه و طبق اسروی طعمه آتش گردید. «برای کسب اطلاع بیشتر در موضوع گردآوری قرآن به فصل ششم تعلیقات مراجعه فرمائید» مترجم

### ارزش و نفوذ قرآن

اما در مورد متن قرآن چنانکه بعداً مذکور خواهد گردید اختلاف قرائتهای مختلف بسیار کم و بی اهمیت است و بعلاوه قرآن عبارت از سند و مدرک فوق العاده است که شخصیت محمد در هر سوره آن نمایان است و پیوستگی کامل به کیفیات زندگانی محمد دارد همچنین در قرآن موضوعات بی نظیری وجود دارد که در انیان بودا و مسیح

وسایر کیش های قدیمی وجود ندارد ولی متأسفانه بحث در نظم و ترتیب قرآن ممکن است مانند ایجاد هرج و مرج تلقی شود باید دانست که درحین تنظیم قرآن در مورد ترتیب سور اصول کرونولوژی مراعات نشده است بلکه درازترین سوره ها را در اول قرآن قرار داده اند «باسمتهنای سوره فاتحه که در سرآغاز قرار دارد» همچنین حسن ارتباط فصول و قسمتها چندان مورد نظر نبوده است فقط آنچه مابیه الاشتراك این قسمت هاست فقط وزن است .

چون نیکلسن در تاریخ ادبیات خویش پاره از سور قرآن را ترجمه کرده است لذا سحض نمونه ترجمه سوره اخلاص نگاشته می شود .

- 1- Say : God is one;
- 2- Gad who liveth on;
- 3- Without Father and without son;
- 4- and like to him there is none !

وینولد نیکلسن ( بعقیده آبربری ) سردی حق شناس و اثرش قابل تقدیر و قابل ملاحظه و شایان دقت است و نشان میدهد که مؤلف آن شخص صاحب نظری بوده از کسی دیگر پیروی نکرده است «می گوید قرآن یکی از بزرگترین کتب مقدسه است و درحین ترجمه مقدار زیادی از مطالب و قوت تبلیغی آن از بین میرود سجع قرآن بازنده ای لطیف و ظریف است که از شنیدن آن مانند یک پرده موسیقی گوش انسان لذت می برد بسیاری از مسیحیان عربی زبان فصاحت و بلاغت قرآن را می شناسند اغلب از اروپائیان که از لسان عرب حظ وافق و اطلاع کافی دارند لطف کلام آنرا مورد تحسین قرار میدهند . زمانی که قرآن را بالحنی عربی آهسته قرائت نمایند و یا با آواز بلند تلاوت نمایند باقوه سحرآسای مخصوص شنونده را بسوی خود جلب می کند و خشنود میگرداند و همین خاصیت وقوه جاذبه است که انتقادات را خاموش می کند و این موسیقی شیرین است که باین متن روح میدهد و آنرا غیر قابل تقلید جلوه مینماید .

حقیقتاً ممکن است بطور قطع اظهار نظر شود که در ادبیات وسیع و غنی عرب خواه در نظم و خواه در نثر هیچ اثری قابل مقایسه با قرآن نیست» .

### بنا بعقیده مؤلف (آربری)

طبق اصول زیبایی‌شناسی و ذوق سلیم چنین قضاوت می‌شود برتری و بهتری و کهنتری در بین قسمت‌های مختلف قرآن وجود ندارد مسلماً سجع و وزن تغییر پیدا می‌کند ولی هرگز از بین نمی‌رود و مانند آیه‌ها با عظمت که در شاهرود وسیع و سواج فرو می‌ریزد وضع و شکلش تغییر پیداسی کند . اما کناره کمتر از آب سواج و از طغیان پر آشوب شاهرود نصیب می‌برد و عظمت و شکوهش کمتر است .

روش مکتب انتقادی دکتر ریچارد بل و پیروان مکتب انتقادی با یک ستایش فریبنده متوجه شده‌اند که پیشوایان آنان چگونه با اساس انجیل و تورات واجب‌الحرمت باستانی بازی کرده‌اند در صدد برآمده‌اند که با همان روش زیرکانه قرآن را هم ضایع نمایند . مبدء انتقاد و اولین نقطه یورش اینان از طرز تنظیم سوره‌ها شروع می‌شود ایشان از موضوعی که سنن قدیمه آنرا محفوظ نگه داشته است عدول کرده شروع به تجزیه و تحلیل قرآن نموده‌اند با علم و اطلاع باینکه بعضی از سوره‌ها در مکه و برخی در مدینه نازل شده است .

در تعقیب مشتاقانه این مسئله سه رشته نقطه ضعف ظاهر شده است و پوششی سبک غبار زمان نیز بر طرف گردیده است و نیز معلوم شده است که بعضی از آیات که در آخرین سال‌های حیات محمد (صلی‌الله) بدست آمده از سنوات قبل نیز جزو متن بوده است .

کاشفین برجسته کوشیده‌اند تا در هر سوره و تقریباً هر آیه و یا نیم آیه را بیک سوره معین تخصیص دهند که مربوط بواقعه ضمنی دوره زندگی پیغمبر است باید دانست که بسیاری از کارهای آنها روی اصول صحیح انجام گرفته و حدود فضل و دانش در اثر زحمات آنان توسعه یافته بطوری که حتی متعصب‌ترین و متدین‌ترین مسلمانان احتیاج ندارد که با تحقیقات علمی منزه که شاید از روی

حسن نیت بعمل آمده است مخالفت ورزد اما چون اعضاء پیکر کتاب خدا را متلاشی نمودند. این فضلاء و دانشمندان متبحر فقط در دست خود جسدی یافتند که در این ضمن حواس پریشان آنان متوجه روح نبوده است. پس آنها بتدبیر قدیم که همان تأویل باشد دست زدند ولی چون نتوانستند گوئی که این جسد نیم جان را در میان انگشتان لرزان خود در حال آزمایش از بین بردند.

بلند پایه ترین شخصیت این مکتب فکر که تحصیلات و مطالعات قرآن را در غرب از میان برداشت بدون شک دکتر ریچارد بیل است مردی بسیار سهربان و درستی بود آخرین سالهای مطالعات و تحقیقات دوره زندگانی اش را وقف یک موضوع قابل ملاحظه نمود و آن عبارت از قراردادن هرآیه از قرآن در متن تاریخی خودش بود (یعنی قرآن را در دو جلد تنظیم نمود)

دکتر ریچارد یک طالب العلم محقق و نکته سنج بود میخواست بماهیت اشياء پی ببرد و موضوعات را با نظر دقیق و عمیق مطالعه نماید در واقع او اغلب خود را مجبور احساس مینماید که قضاوت ابهام آمیز نماید چنانکه او برای ترجمه سوره ۱۰۶ (القریش) مقدمه قرارداد. این سوره کوچک باید یا بزمانهای اولیه بعثت یا با آخرین سنوات حیات پیغمبر متعلق باشد ولی احتمال کلی دارد که بزمانهای آخری مربوط باشد. او بطور کلی در توضیح و شرح فرضیه مطلوب جانب احتیاط را مراعات کرد و با گفتار انتقاد آمیز میگفت ارتباط بین اجزاء قرآن بسیار کم است. کلمات و عبارات آن حیرت انگیز است لیکن روابط بین غالب مطالب و فقرات آن مقطوع و نیز دلائل منطقی در آن اکثراً غیر مذکور است و علت آن هم شاید این باشد که قرآن روز بروز و بر طبق پیش آمد و احتیاجات وقت بر پیغمبر نازل شده است. پاره آیات که در بعضی سوره ها نوشته شده است کم و بیش بشکل اتفاقی در ذیل سوره های دیگر بوسیله جمع کنندگان ضمیمه گردیده است (هر چند احیاناً توافق او باین تئوری ابداعی و اختراعی خویش وی را اغوا نموده است تا بدون دلیل در صفحه ۵۰ کتاب خویش ادعای ناروایی کند.



دکتر ریچارد بیل می گوید در سوره تحریم آیه ۲ و ۱ که دریاورقی نقل میشود با همدیگر متناسب هستند ولی چون بفحوای این آیات طرف خطاب شخصی پیغمبر میباشد ممکن است احتمالاً این آیات بعموم مسلمانین اعلام نگردیده است و خیلی بعید است که آیه ۳ و ۴ سوره مزبور انتشار پیدا کرده و به آگاهی عموم رسیده باشد و اگر بیان شده باشد بآن جهت است که موضوع مربوط بدو زن پیغمبر بوده است و با احتمال کلی آنها اظهار نموده اند .

در سوره مورد بحث آیه یک و دو مربوط بداستان حضرت رسول است  
بقرار زیر :

روزی حفصه با اجازه رسول اکرم بخانه پدرش عمر رفت پیغمبر با ماریه در حجره حفصه خلوت کرد ناگه او رسید و غوغا برانگیخت که تو نوبت من با کنیزی خلوت کردی و آبروی مرا در نزد زنان بردی حضرت برای خشنودی او فرمود من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سرّ نزد تو است به هیچکس مگوی او فوراً عایشه را هم آگاه ساخت او هم با رسول راجع بماریه گفتگو کرد حضرت برعایشه نیز سوگند خورد تا ماریه را ترک کند آن دوزن شاد شدند و این آیه نازل گردید و خدا

آیه اول - یا ایها النبی لم تحرم ما احل الله لك تبغی مرضات ازواجك والله غفور رحیم  
قد فرض الله لکم تحلة ايمانکم و الله مولیکم وهو العليم الحکیم .

ای پیغمبر برای چه آنرا که خدا بتو حلال فرموده تو بر خود حرام کردی تا زنان را از خود خشنودسازی و در صورتی که خدا آمرزنده و مهربان است و خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای خود را بکفاره بکشائید او مولای شما بندگان است و هم او بهر چیز عالم و دانا است و بحکمت امور خلق آگاه است .

۲- و اذا سرّ النبی الى بعض ازواجه حدیثاً فلما نبأت به و اظهره الله علیه عرف بعضه و اعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من انباک هذا قال . نبأنی العلیم الخبیر .

وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود سخنی برآز گفت آن زن چون خیانت کرد و دیگری را بر سرّ پیغمبر آگاه ساخت خدا رسولش را خبر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد آن زن گفت ای رسول ترا که واقف ساخت رسول گفت مرا خدای دانا آگاه و خبر کرد .

حکم کرد که سوگندهای خود را بکفاره بگشاید و او مولای شما بندگان و حکمش نافذ است و هم او بهر چیز عالم و دانا و بحکمت امور خلق آگاه است .

اما عقیده دکتربل که آنرا پندار و خیال واهی هم میتوان نامید آن است که میگوید «مطلب چیز واضح است و آیه ۳ مبهم است .

انْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ .

اینک اگر هر دو زن بدرگاه خدا توبه کنند رواست که البته دلهای شما خلاف رضای پیغمبر میل کرده است و اگر باهم برآزار او اتفاق کنید خدا یار و نگهدار اوست . و جبرئیل امین و مردان صالح و باایمان و فرشتگان حق یار و مددکار اوست .

آیه ۴ - عَسَى رَبَّهُ أَنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَابْكَارًا .

ترجمه - امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد خدا زنانی بهتر از شما بجایتان باو همسر کند که همه بامقام تعلیم و ایمان و خضوع و اطاعت از اهل توبه و عبادت و هسپار طریق معرفت باشند چه بکر چه غیر بکر .

### عقیده آربری

باری این است وضعی که قهرمان عالی مکتب انتقاد قرآن یعنی ریچارد بل اتفاقاً بآن رسیده است و من اهتمام دارم تا برضد این عدول از سنت دیرین و برضد این افراط و مجزی کردن قطعات مختلف پیکر کتاب مقدس اسلام مجادله کنم و بحث نمایم و لزوم وحدت قرآن را با استدلال اثبات کنم و روانیست یک کتاب مقدس و یک مسئله ابدی تسلیم آزمایش و در محک امتحان ابناء زمان قرار گیرد و بسیار ناروا است که بقاعده قیاس در یک سوره ای بحث و آنرا بتمام یا باغلب کتاب تعمیم دهد و آزمایش ناقص خویش را بزعم خویش درست پندارد و آنرا مانند قوانین ریاضی قطعی تصور کند بلکه باید بدانند که منطق الهام و مسئله ایمان با اصول منطق مدرسه تطبیق نمی کند. ندای وجدان میگوید که تقدیم و تأخیر وجود ندارد وقتی پیام درست باشد و پیام آور رسول باشد مقدم و مؤخر موضوع ندارد و انگهی حقیقت و صداقت مطلق محدود و محدود زمان و مکان نیست هر وقت وحی نازل شده فی نفسه تکمیل و تمام است و عاری از هر گونه عیب و نقص میباشد.

هنری واهان در اشعار مشهور خویش چه خوش گفته است .

من ابدیت را در شب گذشته دیده ام

مانند حلقه بزرگ مشعشع بانور نامتناهی

کاملاً آرام و منور

کلود سیوری در سال ۱۷۸۲، بترجمه قرآن مجید شروع و بعد از یکسال باتمام آن موفق گردید. این شخص علاوه از ترجمه قرآن در مقدمه کتاب فصل مشبعی را اختصاص بدرج تاریخ حیات حضرت محمد (صلی الله) داد. مأخذ او در خصوص موضوع اخیر کتاب تاریخ ابوالفدا می باشد که از نویسندگان زمانهای پیشین و معتبر بود. اما اطلاعات وی در مورد اسلام مأخوذ از افواه رجال و بعلمت طول اقامت در مصر بوده است. سیوری قادر به تکلم زبان عربی بود ولی از زبان و ادبیات عرب و علوم اسلامی اطلاع دقیق و عمیق نداشت. مأخذ ترجمه وی ترجمه های Maracci و جورج سیل<sup>۱</sup> بود و نیز اطلاعات شفاهی عامیانه از اعراب بدست آورده بود. باسلا حظه مراجع ترجمه وی و مخصوصاً ترجمه ماراکچی<sup>۲</sup> که این شخص اخیر در اثر تلقینات کلیسای کاتولیک و در تحت تعلیمات پاپ وقت بترجمه قرآن مبادرت ورزیده است بنا براین مدلل می گردد که ترجمه سیوری فاقد ارزش علمی و مانند ترجمه دوریر<sup>۳</sup> بوده است معذالک معروفیت زیاد پیدا کرد و چندین بار از تجدید طبع برخوردار یافت و شاید حالا نیز طرفدار و خریدار داشته باشد چنانکه اخیراً ترجمه وی نیز طبع و نشر شده است و کلاً مشتمل بر ۸۷۵ صفحه است و بزبان فرانسه نیز ترجمه گردیده است و مورد پسند عوام است.

---

۱- George Sale

۲- Maracci

۳- Du ryer

Professor A. Guillaume

پروفسور - گيوم در كتاب مختصر خود موسوم باسلام ميگويد . قرآن يكي از كتب بسيار قديمي دنياست و ترجمه نمي شود مگر از اعتبار و اهميت آن بحد كثيري كاسته شود .

قرآن با آهنگ زيباي مخصوص داراي موسيقي دلنوازي است كه گوش را لذت مي بخشد . عده كثيري از مسيحيان عربي زبان از سبك قرآن با تمجيد تمام صحبت مي كنند و از ميان شرق شناسان كساني كه ب زبان و ادبيات عربي آشنائي دارند فصاحت و لطف و ظرافت شيوه قرآن را مي ستايند .

زمانی كه قرآن را آهسته قرائت نمايند و با با صدای بلند تلاوت كنند جذابيت خاص آن بي اختيار شنونده را بسوي خود مي كشد و اين حلاوت و موسيقي دلنشين بود كه صدای سرزنش كنند گانرا خاموش كرد و بر شريعت پيامبر اسلام روح دميد و آنرا غير قابل تقليد گردانيد .

باري در ادبيات وسيع و توانگر عرب خواه در نظم و خواه در نثر كتابي بدرجه فصاحت و بلاغت و بلندپايگي قرآن نميرسد و اثری نيست كه بتوان آنرا با قرآن مقايسه نمود .

آيات قرآن عربي بر هيچ كس اعم از عرب و غير عرب خوانده نمي شود مگر آنكه در نفس او تأثير عميق بخشد و عنان اختيار را از دست صاحب دل مي ستاند .

### عقیده آربری

اگر ترجمه قرآن چنین عمل شود گوئی در این مقاله مقدس از خلل زمانهای بسیار دور با سرعت بسیار کندی بعضی خاطره‌های قرون وسطای مسیحیت را بیاد سپارد. مطمئناً شباهت این دو اتفاقی و تصادفی نیست اما بخود جسارت داده و ادعا میکنم که اگر ترجمه قرآن با وضع دیگر شروع شود روح مطلب و جان کلام از دست بدر میرود. در تمام قرآن عده‌ای عبارات مأنوس و نزدیک به ذهن وجود دارد. هر سوره از تعدادی از این عبارات بنحو ماهرانه ترکیب یافته است. در حالی که توأم بالحن و آهنگهای موسیقی است. هر سوره مانند یک قطعه شعر شورانگیز و یا مثل اشعار رجز آمیز است.

در تمام سوره‌های قرآن و یا در اغلب آیات آن این معنی بخوبی هویدا است وجه شباهت بین آنها با باریک بینی و روانی و تغییر آهنگهای قرائت ایجاد و تقویت گردیده است.

اگر این سبک ادبی مورد قبول واقع گردد نظر به علوم ادبی و فنون شعری در واقع قرآن مشتمل تمام مظاهر زیباشناسی است و در عین حال عاری از خلل و ناسازگاری و ناجوری و عدم ارتباط و مطالب باهم دیگر است.

تکرارهای کسل کننده قرآن موجب لغزشها و سهوهای بسیاری در مسیر تعیین ارزش واقعی آن در ذهنهای نامأنوس مغرب زمینی‌ها شده است و علت العالی عدم آشنائی واقعی آنان و درک عمق مطالب قرآن گردیده است و سبب شده است که آنان از قرآن اطلاع کافی و وافی پیدا نمایند. بنابراین مقدمات کسی که در این زمینه تحقیق مینماید دور نما و منظره عجیبی در پیش دارد و میتواند گفت که اغلب تاکنون در این طریق با شک و تردید و بدون دقت کافی و بحث گام برداشته‌اند.

مترجمین قرآن با اشتیاق تمام برای سیر در این مسلک جالب و کشف مطالب شتاب مینمایند در حالی که با کمال بی‌صبری در صدد هستند آنچه در نتیجه دقت و مطالعه در این موضوع بدست می‌آورند برسم ارمغان یا بعنوان ره‌آورد به‌مالی که بمطالب اسلامی مؤمن نیستند ارسال مینمایند.

خلاصه در طی ماههای دراز ماههای درخشان، ماههای تیره و ظلمانی که مشغول مجاهدت و کوشش در موضوع ترجمه قرآن بودم گرفتار انتخاب وانتقاد و تشخیص موضوعاتی بودم که مفسرین سابق در فهم یک کلمه و یا پاره‌ای عبارات آن اختلاف نظر دارند و آنرا بحال خود گذاشته و تفسیر نکرده‌اند ولی این ترجمه تحشیه ندارد بعلمت آنکه در صورت منظور کردن حاشیه تکرار مندرجات کتابهای قبلی میشود و همچنان زیبایی درخشان و خیره کننده متن آن بابهام حواشی دچار نگردیده است.

مع الوصف در تمام این مدت که وظیفه مطلوب خود را انجام میدهم خاطرات آن شبهای ماه رمضان سالهای متمادی گذشته را بیاد می‌آورم. آن هنگامی که در ایوان خانه جزیره مانند خود نشسته بودم در حالی که مدهوش و شیفته و فریفته الحان خوش قرآن شیخ ریش سفید همسایه بودم که بالذت زباد و اشتیاق تمام به مؤمنین و پرهیزکاران تلاوت قرآن می‌کرد. اما همچنان از سوء تصادف در همسایگی ما یک رجل سیاسی برجسته سکونت داشت گوئی در سرنوشت او مقدر بود با وجود نرسیدن به سن پیری بضرب گلوله ای یک قاتل کشته شود خیال می‌کنم ارزش استماع آن تلاوت های بی ریب و ریا کتاب مقدس قرآن راه را برای او بجهت ورود بعالم ابدیت باز کرد روح او آزاد شد و از جنجال این دنیای پر آشوب و گرفتاریهای حیات خلاص گردید.

بنابراین من در حالی که دیانت اسلام ندارم قرآن را خواندم تا آنرا درک کنم و به تلاوت آن گوش دادم تا مجذوب آهنگهای نافذ و مرتعش سازنده آن

شوم بعبارت آخری تحت تأثیر آهنگهای آن قرار گیرم و با همان کیفیت که مؤمنین اصلی و اولی داشتند یعنی خود را با همان زمان و مکان و کیفیات نزدیک کردم تا آنرا بفهمم بنابراین درازاء زحمات مزبور این نعمت عظمی که درك قرآن است برایم حاصل شد لذا این اثر ناقص یعنی ترجمه خود را بیاد آن خاطرات رؤیا انگیز شبهای صبر اهدا مینمایم .



## فصل دوم

### مترجمین فرانسوی

Kasimirski اهل لهستان بود در سال ۱۸۰۸ میلادی در شهر Kaschau متولد شده است و سال وفات وی مشخص نیست. تحصیلات شرق شناسی خود را در پاریس انجام داده بنابراین از شاگردان مکتب پاریس است سالهای متمادی اتاشه و مترجم سفارت فرانسه در ایران بود.

فرهنگی عبری و فرانسه تألیف و در سال ۱۸۴۰ منتشر کرده است قرآن را بزبان فرانسه فصیح ترجمه نموده است که بهترین ترجمه های زبان فرانسه محسوب می شود ترجمه وی ابتداء در تحت نظر شخصی بنام Pauthier در ردیف کتابهای مقدس مشرق چاپ و منتشر گردید.

اصولاً این شخص در کادر سیاسی سفارت فرانسه بوده است و دولت فرانسه یکی از دول استعمارگر بود که عده زیادی از مسلمین را تحت انقیاد داشت بنابراین ترجمه این شخص عاری از شائبه غرض نمی تواند باشد.

چاپ دوم بااولی تفاوت فاحشی داشت زیرا که در مقدمه کتاب فصل شمع متضمن تاریخ اعراب و اسلام و سیره پیغمبر اسلام را اضافه نموده است بقرار زیر چهره پیغمبر همیشه پر نور و درخشان بود هر وقت دست روی صورت می کشید، از انگشتان وی نوری مثل شمع ساطع می شد. اغلب شنیده می شد که نبات و جماد باو سلام می کنند حیوانات مثل سوسمار، گرگ، آهو با وی حرف میزدند تا این درجه که وقتی بره بریان شده با او تکلم نمود. پیغمبر بر اجنه حکومت داشت و تمام آنها از او خائف بودند بکور مادرزاد چشم داد و بیمار خیلی سخت را شفا بخشید حتی مرده را هم زنده نمود.

## کازیمو سسکی

### قرآن و تکوین آن

اولین نکته‌ای که باید آنرا قطعی دانست اینکه در نظر مسلمانین قرآن منشأ الهی دارد و اگر کسی خلاف آن اظهار نماید مثل آن است در جلو یک نفر کاتولیک متعصب ربوبیت مسیح را انکار کرده است .

باری مرد بزرگ و عالی‌مقدار که در مورد آن می‌خواهیم به بحث بپردازیم در نظر غیرمسلم نویسنده کتاب قرآن و درپیش مسلمانان شخصی واجب‌الاحترامی است که نبی مرسل است و قرآن بوی وحی شده یا نازل گردیده است .

او از جانب خدا مأمور رسالت و رساندن پیغام ربانی برای رهایی بشریت است .

اماد در مورد معنی تحت‌اللفظی قرآن باید دانست که این کلمه عربی و بمعنی قرائت یا حکایت است .

ابوالقاسم محمد بن عبدالله بن مطالب محمد هاشمی از قبیله قریش است که فرانسوی‌ها ویرا محمد می‌گویند .

محمد در سکه پایتخت حجاز در سال ۵۷۰ یا ۵۸۰ میلادی متولد شده است و در مدینه در هشتم ماه ژوئن ۶۳۲ میلادی در گذشته است .

ناگفته نماند که شرح حال و حیات پیغمبران دیگر مانند عیسی و بودا روشن نیست ولی از خلال مندرجات قرآن چگونگی زندگانی پیامبر اسلام کاملاً نمایان است .

موضوعی که از گفتن آن ناگزیریم چگونگی دین اعراب قبل از اسلام یعنی

دردوره معروف به جاهلیت است . باوجود تحقیقات وزحمات متخصصین فن و محققین این مسئله هنوز روشن نشده است و نیز این مسئله بسیار مشکل و قابل تأمل است که مذاهب یهودی و نصاری چه سان در محمد نفوذ کرده اند .

اگرچه تأثیر این مذاهب قابل انکار نیست ولی منابعی که از آن پیامبر اسلام کسب اطلاع کرده است به محققین اروپائی روشن نشده است اینک در مقدمه کتاب و قبل از شروع بموضوع تاریخ حیات محمد را باجمال ذکر می کنیم که مشتمل بر سه قسمت است .

۱- قبل از بعثت .

۲- از بعثت تا هجرت .

۳- از هجرت تا وفات .

۱- قبل از بعثت .

محمد بزودی از داشتن پدر و مادر محروم گردید : ابتدا در تحت سرپرستی پدر بزرگ خود بوده و بعد از وفات او در تحت حضانت ابوطالب عموی خویش درآمد . در آغاز جوانی برای رهنمائی کاروان تجاری اجیر گردید و در خدمت بیوه زن ثروتمندی موسوم به خدیجه درآمد که بانوی مذکور در مکه بشغل دادوستداشتغال داشت تا اینکه با او ازدواج کرد . در صورتیکه خدیجه از او بسیار بزرگتر بوده است در طی مسافرت هائی که نموده و کیفیت این سیروسفرها کاملاً معلوم نیست به نظرات مذهبی یهود و مسیح چنانکه گفته شد آشنا گردید .

### ایام بعثت قبل از هجرت

در آغاز این زمان به تفکرات مذهبی ودقت در زمین و آسمان وعزلت و عبادت گذرانید . کمتر با مردم زمان خود معاشرت می کرد .

نحوه ظهور وی شبیه انبیاء بنی اسرائیل است ، تا اینکه روزی اوندائی

آسمانی شنید و دریافت که پیامبر و مانند انبیاء دیگر مأمور رسالت قوم خویش است او مبنای رسالت خود را به ترساندن مردم از خدا و روز قیامت و جزا استوار کرده و پیام‌های ربانی را بوساطت ملکی موسوم به جبرئیل دریافت میداشت و شخصاً بمردم ابلاغ می نمود .

مرحله سوم از روز هجرت از مکه بمدینه شروع می شود که بحث در آن از حوصله این مقال خارج است .

### قرآن از نقطه نظر (پسیکولوژی و سوسیولوژی) روان شناسی و علم الاجتماع

این کتاب مقدس از نقطه نظر علوم مذکور در ردیف اولین کتاب‌ها است بادقت در مطالب قرآن مفهوم می شود که آن اثر یک مرد برجسته و فوق العاده متفکر و عالی مقدار است . و اگر در مورد تمام کیفیات که ظهور او ایجاد کرده است دقت شود عظمت پیامبر اسلام کاملاً نمایان می گردد .

موضوعی که ناگفته نباید گذاشت آنکه واقعاً برخلاف خطای مشهور نباید ارزش رجال بزرگ تاریخ را باموقعیت آنی یا عدم آن برآورد نمود بلکه عظمت نوابغ نتیجه کیفیت بعدی است زیرا که بقول مشهور بسیاری از عاملین تحول اجتماع گوئی بعد از مرگشان وارد معرکه می گردند .

تأثیری که دین محمد در مدت کم در شبه جزیره عربستان و سایر نقاط دنیا نمود و همچنین اثری که در پیروان خود گذاشت در تاریخ مذاهب دنیا کم نظیر است .

### دوریر Du Ryer

چون در متن کتاب ترجمه احوال او نگاشته شده است لذا از تکرار آن صرف نظر می شود .

### ژول لایبوم Jul la baume

دانشمند فرانسوی آیات قرآن کریم را در بدو امر با تحمل زحمات فراوان از حیث موضوع طبقه‌بندی و بنام Le Koran analysé انتشار داده است که در مسیر بوسیله استاد محمد فوآدالباقی عضو انجمن شورای مجامع علمی مستشرقین بود با حفظ همان اسلوب عین آیات را بهمان نظم و تحت فصولی مجتمع و بنام تفصیل آیات القرآن الکریم انتشار داده و استاد بزرگوار محمد فرید وجدی منشی کل جامع ازهرتقریظ بسیار جالبی بآن نوشته است و در سال ۱۳۳۴ شمسی شخصی بنام کیکاوس ملک منصور در تهران پس از استجازه از محضر حضرت حجة الاسلام آقای حاج مهدی الهی قمشه و با استفاده و توجه به کتاب منتخب التفسیر معظم له معانی آیات را منظم گردانید و به حلیه طبع آراست و این گنجینه گرانها را که بنوبه خود بی نظیر است در معرض استفاده و در دسترس ارباب فضیلت گذاشت تا موجب ذکر خیر باقی و بسبب رحمت الهی بروح پاک والد ماجدوی گردد .

باری این کتاب مستطاب متضمن مقدمه بسیار موجز است که بقلم توانای ناشر گرامی و فاضل نامی نوشته شده است . ابتداء کتاب را به فصولی تقسیم و هر فصلی متضمن موضوعات مشابه و مربوط بهم میباشد و نیز بعد از مقدمه فهرستی برای مندرجات ابواب هیجده گانه نوشته شده است که بترتیب حروف تهجی تنظیم و برای هر یک از موضوعات در ذیل فصول مذکور شماره ترتیب تعیین و در مقابل آن مطالب قید گردیده است و کلیه مطالب در ذیل هیجده باب و در تحت ۳۳۴ عنوان ذکر شده است .

Galland Antain

کالاندانتوان متولد سال ۱۶۴۱ از خاورشناسان فرانسوی مترجم کتبی چند از عربی و فارسی است کوششی فراوان برای ترجمه قرآن کریم بزبان فرانسه نموده است وفات وی بسال ۱۷۱۵ می باشد .

## فصل سوم

### مترجمین آلمانی

#### واهل Wahl

۱- در سال ۱۸۲۸ کتاب مقدس قرآن بوسیله شخصی موسوم به Wahl در شهر Hall از کشور آلمان بزبان آلمانی ترجمه و منتشر گردید ولی تعداد تراجم منتشره و تکرار دفعات چاپ بالمتوجه رغبت مردم باین ترجمه کمتر از عنایت آنان درباب مطالعه بترجمه جورج سیل بوده است .

Ullmann

۲- ترجمه Ullmann فی حد ذاته چندان مهم و قابل اعتنا نبود ولی چون مورد استفاده شخصی بنام Geigee درحین تألیف کتاب تقریب قرآن و کتب مقدسه تورات و انجیل قرار گرفت ازاین نظر کسب شهرت و اهمیت نمود . و در مدت شصت سال بهترین کتاب ترجمه قرآن درنواحی Rhin بود .

۳- Griquill در سال ۱۹۰۱ در شهر Hall بترجمه قرآن کریم همت گماشت که در آن شهر نیز چاپ و منتشر گردید .

۴- Henning در سال ۱۹۰۱ در شهر Lipzyk ترجمه منتخباتی از کتاب قرآن کریم باینکه اسلوب ادبی بسیار مفید منتشر نمود .

۵- در سال ۱۸۸۸ شخصی بنام Rickert در شهر فرانکفورت ترجمه قرآن را انتشار داد .

۶- Noeldek - تئودور نولدکه از اهل آلمان متولد سال ۱۸۳۶ و متوفی به سال ۱۹۳۱ کتابی دارد باسم Geschichte des Quran یعنی تاریخ قرآن که کتابی است بنام و در سال ۱۸۹۰ بطبع رسیده است و مؤلف آن از آکادمی پاریس در سال ۱۸۵۹ جایزه نوبل گرفته است .

نولدکه در کتاب تاریخ قرآن در صفحه ۶۵ می نگارد .

« هدف محمد در سوره های مکی عبارت از هدایت قوم خود از پرستش خدایان متعدد بسوی خدای واحد و توحید است . از هر مقوله که سخنی میراند در پایان منجر باین نتیجه و این فکر بزرگ می گردد و برای رسیدن بمقصود متوسل بفن بلاغت و هنر فصاحت می گردد .

نولدکه می گوید دقایق بلاغت و حقایق فصاحت اعجاز آمیز قرآن ذهن مؤمنان را از معقولات متوجه تخیلات می نماید که بدون انس کافی بازبان عرب درک آن محال است . کلمات قرآن چنان خوب بهم پیوسته که استماع آن از لحاظ هم آهنگی و روانی گوئی نعمه فرشتگان است جان مؤمنان را بشور می آورد و قلب آنانرا مالا مال از وجود و طرب می ساخت .

زمانی که او خدا را تقدیس و تکریم می نماید بحث از صنع خدای و از آثار طبیعت و تحول اقوام و سیر تاریخ می کند . در عین حال که از این مقولات صحبت می دارد بت ها را خوار می کند و بت پرستان را ملامت می نماید و حقارت بت ها را نشان می دهد . قدرت خدا را بر خ مؤمنان و کافران می کشد .

آنچه همیشه در مدنظر او بوده است و حائز اهمیت زیاد است ، زندگانی جاودانی و سعادت و برکت مخلص و خوشحالی ابدی مؤمنین و شکنجه و عذاب و الم طاقت فرسای کافرین و منافقین و کناهکاران می باشد .

این دو مسئله مخصوصاً موضوع اخیر عامل مهم تبلیغات اسلامی بنظر آمده است .

این شیوه تبلیغ در ذهن مردمان ساده و بدوی و لجوج شبه جزیره عربستان که باین طرز تفکر آشنائی نداشته اند تأثیر غریبی بخشد .

پیامبر اسلام با عباراتی که شماره حروف اش اندك و شماره معانی اش بسیار از تصنع بری و از تکلف برکنار است ولی با موارد تکراری بی شمار کافران و بت پرستان را سخت مورد حمله قرار داد و آنها را بگرفتاری عذاب و عقاب جاویدانی و تهدید می نماید . ولی در زمانی که بین کافرین تنها زندگی می کرد یهودان را کمتر مورد ملامت و عقاب و خطاب قرار میداد ولی نسبت به عیسویان همیشه رویه بسیار معتدل و احترام آمیز داشت و هرگز بآنها حمله ننموده است ولی در مکه طرز رفتارش بایهودان خصوصت آمیز بوده است .

(۱۰۸۱-۱۷۸۸) Fleischer

خاورشناس مشهور آلمانی است که در زمینه خاورشناسی دارای مکتب خاصی است .

ابتداء کشیشی بوده بعد زبان عربی خواند پس بیاریس رفت و در عداد شاگردان سیل وست دسائی وارد و سپس در کتابخانه ناپلئون کتابدار گردید بشام و مصر سفر نمود و اطلاعات خود را در زبان عربی تکمیل کرد بعد بآلمان برگشت در لایپزیک معلم عربی گردید خدمات زیادی بعلوم و معارف اسلامی نمود و کتبی چند منتشر کرد از جمله کتاب تفسیر بیضاوی موسوم به انوار التنزیل می باشد و نیز کتاب الف لیل را به آلمانی ترجمه نمود .

Gustave Flugel

گوستاو فلوگل که در چند مورد در این کتاب از متن وی اسم برده ایم یکی از خاورشناسان بنام آلمانی است خدمات شایانی بعلوم معارف اسلامی نموده است از جمله متن عربی قرآن مجید را با کتاب نجوم الفرقان یا کشف آیات قرآن در ضمیمه کلام الله در سال ۱۸۴۲ بطبع رسانیده است و وفات این دانشمند شهیر در سال ۱۸۷۰ میلادی می باشد .



## گلد زیهر

GoldZiher

اگرچه در مقدمه این کتاب بمناسبتی اسم این خاورشناس برده شده بود لیکن زمانی که مقرر گردید خاورشناسان آلمانی که در مورد اسلام و قرآن کتابهایی نوشته اند اسامی شان ذکر گردد بنابراین اگر از دانشمند مزبور اسم برده نمی شد امر خطائی بوده ولو اینکه نامبرده در عداد بزرگترین دشمنان دین اسلام و قرآن است . گلدزیهر از مردم مجارستان و پیرو کیش یهود بوده و در شهر یونیه در سال ۱۸۵۰ متولد و در نوامبر سال ۱۹۲۱ فوت کرده است .

قسمت بزرگ عمر هفتاد ساله این دانشمند صرف درس و بحث و فحص و تألیف گردیده است . قسمت اعظم زندگانی علمی اش در شهر بوداپست سپری شده است . در اوائل سالهای خدمات علمی اش بتدریس پرداخت بعد بمقام استادی دانشگاه ارتقاء پیدا نمود و کارش بجائی رسید که روزگارش بغیر از درس و بحث و تألیف و تصنیف به چیز دیگر مصروف نگردید و تعداد تألیفات وی را به چند صد جلد کتاب تخمین زده اند .

جای تعجب نیست که این مؤلف اینهمه تألیف و تصنیف و مقاله داشته باشد چه او هنوز به سن بیست نرسیده بود که باستشراق متوجه شد و فعلاً مادر اینچا در صدن آن نیستیم که نتایج مطالعات علمی او را بیان کنیم لیکن شایسته است به پاره از کتابهای او که ارتباط بموضوع دارد اشاره نمائیم :

مانند کتاب الظاهریه ومذهب شان وتاریخ شان که در سال ۱۸۸۴ ظاهر گردید

۲- کتاب دراسات اسلامیه که بعد در عالم مطبوعات پدیدار گردید .

۳- کتاب معروف به العقیده والشریعة فی الاسلام .

۳- کتاب مذاهب المسلمین فی تفسیر القرآن قسمتی از این کتاب را دکتر

علی حسن عبدالقادر بحرینی ترجمه کرده است .

در این شک و تردید نیست که دو کتاب اخیر الذکر مهم‌ترین کتب است که نویسنده معروف در مورد اسلام نوشته است و بزرگترین میراثی است که از این مرد دانشی پژوه برای طالبین علم باقی مانده است .

این دو کتاب دارای صفات خاصی است و سزاوار است که آن‌دورا در عداد کتب رتبه اول مستشرقین محسوب نمایم و چون مورد درس و بحث نقد و انتقاد و فیض و استفایده صاحب‌دلان قرار گرفته است و مشتمل بر چگونگی اسلام و مذاهب آن و علوم مربوط به آن است لذا با توجه باوصاف مذکور پارایک پله بالاتر گذاشته آن‌ها را در عداد بزرگترین آثار خاورشناسان شاید بتوان نامید .

پس مؤلف آن‌ها نیز در ردیف بزرگترین خاورشناسان بشمار می‌آید که بقدر وسیع و استعداد و اطلاعات خود اسلام و روح و تعالیم و مذاهب آنرا درک کرده است و عواملی که در آن مؤثر بوده است بزعم خود آنرا دریافته است کتاب دراست از موضوعات متعددی بحث می‌کند از آن جمله است در مورد پیامبر و شریعت‌اش و ترقی تدریجی آن . و چگونگی عقیده و تطوّر آن و بحث درزهد و تصوف و پیدائی عوامل ایجاد و اثرات بعدی‌اش باری مؤلف پاره از کتاب‌ها را مستند و مستدل نوشته است و در موارد بسیار از مراجع موثق و بزرگ اسلامی بحث کرده است و برای درک مطالب عقل نافذ و هوش سرشار خویش را بکار انداخته است ولی مع ذلک عواملی که با او بود او را بسوی لغزش‌هایی کشانده است و آن عوامل مانع از آن بودند که وی بتمام معنی چنانکه شاید و باید روح اسلام و مبادی و اصول آنرا کاملاً دریابد و آن عوامل عبارت از سائقه فردی هر کسی در دین خویش و تمایل ذاتی به تعصب در کیش خود و اطلاع و بصیرت و ثنات خاصه است .

در خزان سال ۱۹۰۸ یکی از دانشگاه‌های آمریکا مؤلف را برای ادای پاره سخن رانی‌ها در مورد تاریخ ادیان دعوت می‌نماید مؤلف دعوت را اجابت می‌نماید ولیکن بجهت بیماری مسافرت مقدور نمی‌گردد . بنابراین سخن رانی‌های خود را بزبان آلمانی می‌نویسد که بعداً به انگلیسی ترجمه می‌شود . بنابراین مطالب در

فرصت بسیار کمی حاضر می‌گردد و وقت تعدیل یا کم و زیاد کردن موضوعات را پیدا نمی‌نماید .

زمانی که شروع به تهیه این یادداشت‌ها می‌کنند منظورش فقط بحث و تدریس در عناصر دین اسلام بوده و تاریخ سیاسی آن مدنظر نبوده است ولی پاره‌ای از یارانش وی را واداشتند که موضوع را وسعت بخشد .

در کتاب العقیده والشریعة چنین من نگارد :

دینی که تاریخ حیات آن فعلاً "سور" بحث ماست چهارده قرن از شروع آن می‌گذرد معروف بدین اسلام است . اسلام معنی انقیاد میدهد یعنی انقیاد مؤمنین به پروردگار و این کلمه اکثر در غیر موضعی که محمد آنرا گذاشته است قرار گرفته یعنی انقیاد مؤمنین بموضوع عبادت‌شان و توجه بسوی پروردگارشان است این معنی مافوق همه چیز است که انسان باشعور باطنی حس می‌کند وقتی به خدا ایمان بیاورد و خود را در مقابل قدرت نامحدود تصور نماید که در برابر آن قدرت بی‌پایان بسیار ناتوان است و با کمال خضوع و خشوع در مقابل آن سر تعظیم فرود آورد . توجه باین مسئله سرآغاز و اول دفتر این دین است .

بلکه ابعان توجه بخداوند واحد الهام بخش و وحی دهنده جمیع مظاهر و آراء و اخلاق و عبادات است و همان توجه عقلائی است که در انسان ایجاد می‌گردد و او را جاویدی سازد و این بزرگترین دلیل بر صحت نظریه شیلر مآخر است که می‌گوید «همانا توجه باصل دین در شعور تبعی یعنی در باطن هر انسان نهان است .» منظور ما در اینجا بحث تفصیلی خاص این مذهب نیست فقط می‌خواهیم آن عواملی را که در تکوین تاریخی آن مؤثر بود ، روشن نمائیم ، تا بدانیم ، اسلام چگونه ظاهر شد و در زمانی که نموش کامل شد در نتیجه تأثیرات مختلف به آن میزان تصور و فهم وسطح اخلاق دینی رو بکمال رفت و نیز باعتبار این دین انتظام و قانون و عقیده در یک قسمت جهان پرتو نهائی گرفت .

از این نظر است که از چگونگی حیات اسلامی و تاریخ آن و از اختلافات آن

گفتگو می‌نمائیم و این تأثیرات از نظر نوع و لون بردو گونه است :

اولی عبارت از تأثیراتی که در نظام نفس خود بوده از قوای داخلی و ذاتی که موجب تسریع نمودن ریخی آن گردید نوع دوم تأثیرات روحی که از خارج بر آن مزید گشت و ثروت جدیدی بر آن اضافه نمود و آنرا توانگر گردانید چنانچه در طریق تطور عمل می‌شود .

این مطلب وقتی روشن می‌شود که ما نمو اسلام را با صبغه نوع افکار و آراء یونانی توأم به بینیم . و چون به نظام فقه توجه دقیق کنیم . اثر قانون رومی را در آن می‌یابیم و در نظام اسور سیاسی ، در زمان خلفاء عباسی علائم و افکار نظرات پارسی را مشاهده می‌نمائیم .

اما در موضوع افکار صوفیانه باید دانست که تصوف اسلامی آمیخته با آراء هندی و افکار فلسفی افلاطونیان جدید می‌باشد . حق کلام آن است که گفته شود همانا اسلام درهمه این موضوعات مذکور استعداد خود را بمعرض ظهور رسانیده و قدرت خود را در جذب بتمام معنی این افکار و تغییر شکل آن نمایانده است و افکار و عقائد و آراء را مانند قدرت نظامی و عملی خود بر ملل مغلوبه تحمیل نمود و آنها را در تحت لوای واحدی درآورد ، و چنان آنرا بهم آمیخت که حقیقت آن بدون تجزیه و تحلیل دقیق و عمیق بهیچوجه آشکار نمی‌شود و رواست که در این مطالب بحث و انتقادی دقیق بعمل آید .

آن کسیکه این قدرت معنوی و سلطه جسمانی را بر ملت عرب بخشید محمد نامیده می‌شود که دنیا را بشارت بافکار جدید نداد .<sup>۱</sup>

۱- چگونه ممکن است پیامبر افکار جدید را بشارت نداده باشد زمانی ظهور کرد که دوره فترت بود و امم در غایت تیره‌روزی در شرك و عبادات باطله بسر می‌بردند . رسول اکرم مردم را در چنین حال هدایت کرد و خداوند آنچه به حضرت رسول وحی می‌فرستاد شفاء در دلدل‌های بیمار و مرضاء روحی را نموده و آنها را از ظلمات جهل و گمراهی خارج و بسوی نور توحید هدایت نمود .

و ما را برآی جدید جلب نکرد که افکارمان را متصل نماید به آنچه در فوق حس و شعور لایتنهای وجود دارد لیکن این موضوع هرگز ارزش نسبی این دین نوظهور را ناقص نمی گرداند .

ولیکن مورخین را عادت بر این است زمانی بخواهند بطوا هر موضوع تاریخی حکم نمایند طرافت و تجدد حاصله را وجهه همت خود قرار میدهند از این نظر مابحث تاریخی را آغاز می کنیم .

بنابر این ضرورت دارد که پیروسیم آیا پیامبر موضوع تازه و ابتکاری بشارت داده است ؟ .

آیا این موضوع از روح پیامبر نشأت کرده است ؟ .  
آنچه نبی عربی بشارت داده عبارت از منتخبات مرکب از معارف و آراء دینی است که بآنها اطلاع داشت و اطلاعات وی مأخوذ از منابع مسیحی و یهودی و غیره نبود ؟ !  
این معلومات تأثیر عمیق در وی ایجاد نمود و روی همین اصول عاطفه دینی حقیقی قوم خود را بیدار کرده است و این تعلیمات که او از عناصر اجنبی کسب کرده بود بنظر پیامبر اسلام برای تثبیت نوعی از حیات دینی که مشیت الهی بر آن قرار گرفته بود ضرورت داشت .

این افکار تأثیرات عمیقی در نفس پیامبر باقی گذاشت . این تأثیرات در وجود پیامبر چنان تأثیر عمیق نمود که گوئی تیری بشدت به هدف اصابت کرده است بنحوی که جزو عقیده قلبی و باطنی او شد و تمام درون او را فرا گرفت و چنان پنداشت که این تعالیم وحی الهی است تا بحدی که وی را این مطلب یقین گردید و خود را وسیله وحی الهی تصور نمود .

---

مؤلف در این مورد میگوید که پیامبر اکرم اصول معارف خود را از منابع یهودی و مسیحی بدست آورده است، در صورتیکه معاصرین حضرت نیز این افترا را بستند و قرآن آنها را رد کرد چنانکه در این آیه شریفه آمده است « وَ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّمَا یُعَلِّمُهُ بَشَرُ لِّسَانِ الَّذِی یُلْحِدُونَ إِلَیْهِ أَعْجَمِی وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُبِینٌ » .

اگر نظر عمومی دقیق به اثر تاریخی قومی که دعوت اسلام روی آن برپا گردید بیفکنند مخصوصاً به محیطی که دعوت محمد نسبت به آن موجه محسوب می شود . محمد بطریقی دعوت می کرد که قبل از او کسی به این عمل مبادرت نکرده بود . اگرچه تجمد و ابتکاری در آن نبود مع ذلک معلومات متخذة صورت خود را عوض کرده بودند تا بعدی که در سرحال اولی دعوت مخالفت و شدت عمل معاندین او را سست نکرد و ادامه این امر بروی دشوار نگردید .

باعقیده ثابت راسخی بانی این مذهب گردید ، طبق قول جماعت صالحی که در این موضوع به تحقیق پرداخته اند محمد در تمام این احوال مظهر انکار و مبارزه با بت پرستی بود و از استهزاء و ایذاء قوم خویش باکی نداشت و باید گفت الحق محمد بدون شک اولین مصلح حقیقی از نظر تاریخی در بین قبائل مختلف عرب است او همیشه در حالت گوشه گیری میزیسته و به تفکر می پرداخته است .

میل و افری بدرک حقیقت و تأمل در مجردات داشت که این همه در سرشت وی اثرات نیکو ایجاد می گردانید و از این روست که می بینیم وی بر ضد اوضاع عقلی و دینی قوم خود اعم از دور و نزدیک قیام کرد .

اگر کسانی روش زندگی قبائل مختلف عرب را بدانند و بوضع اخلاقی و عرف و عادت و جنبه تقلیدی آنها آشنا باشند درسی یابند که بعلمت بت پرستی کامل هرگز آنها نمی توانستند صاحب اخلاق حسنه و مکارمعالیه گردند .

مسقط الرأس محمد مکه بود شهر مزبور مرکز عبادت اعراب بت پرست و قرارگاه اوئان آنان بود . کما اینکه کعبه و حجر الاسود نیز در آنجا قرار داشت البته وجود کعبه و اصنام نه تنها نفع مادی بمردم این شهر داشت بلکه از کبریاء جاهلیت محسوب می گردید از خصوصیات دیگر این شهر تحکم اغنیاء بر فقراء و بیچارگان بود . و نیز سدانست کعبه منشأ استفاده مادی و علامت بزرگی و سیادت و افتخار قومی بود .

محمد حقیقت این اوضاع را دریافت و از بیچارگی و بی نوائی فقراء و طمع اغنیاء

وسوء معامله آنان و بی‌مبالاتی اینطایفه نسبت بکارهای نیک و واجبات حیات انسانی و توجه بچیزهای غیر ضروری که جزو لهو و لعب محسوب می‌شود بسیار متأثر و متألم گردید، بنابراین گفت «المال والبنون زينة الحياة الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثواباً خيراً أملاً» (سورة الکہف الاية ۴۶) .

زمانی که این امور را با عمی دیگر مقابله و مقایسه کرد در نفس وی تأثیری ایجاد نمود و اثرش چنان قوی و شدید و عمیق بود که برای مدت مدید در نفس وی زنده و جاوید ماند .

در چهل سالگی اغلب اوقات در خلوت و تنهایی در غاری در نزدیکی شهر مسقط الرأس خود می‌گذرانید تا بحدی که او را در رؤیای دینی خواب سنگینی در برد شبی در این حالت در یافت که خداوند بقدرت تمام او را بدعوت و رسالت امر نمود . لذا نزد قوم خود رفت و آنها را از ضلالت و خسرانی که گرفتار بودند آگاه نمود و از نتایج آن ترسانید و با قوت کلام بی‌مانندی که کسی در مقابل آن یارای مقاومت نداشت مربی قوم خود گردید و برای آنان بشیروندیز شد .

در بدو رسالت پیامبر تأملات و افکارش بطریق ضرب الامثال در مورد زندگی اخروی بخارج راه می‌یافت و منتشر می‌شد و قوه متخیله او با قوتی تمام روز بروز افزونی می‌یافت .

این تأملات مبنای اساسی بشارت به نبوت پیامبر بود که ناگهان روزی مانند صاعقه در جزیره العرب نمایان گردید .

پیامبر باموری که در اطراف او اتفاق می‌افتاد بدقت می‌نگریست و از اوضاع موجود نهایت اشعزاز را داشت و چون خود را مواجه به کبریا و جبروت اشراف مکه یافت از این رو به ارباب و انذار آنان از روز حساب و جزا و قیامت پرداخت و با حروف آتشین صورت بعث و حساب را برای آنان ترسیم نمود و تمام این سخنان را در حال جذبه مخصوصی که حالت وحی نامیده شد ایراد نمود از آن جمله است «فان الله رب العالمین و مالک يوم الدين يدعوا الي رحمة» .

باین ترتیب محمد اساس دعوت خود را بر سبنای توبه و ندم و خضوع گذاشت و اسلام را با تمثیلاتی که وصف روز آخرت می کرد اعلام نمود و این اوصاف از نتایج محسوب می شود نه از اسباب و علل .

محمد شرك را در دیار خود شکست و عقیده بر آنرا به تمام معنی از بین برد و عقیده به خدای واحد بجای خدایان متعدد برقرار نمود .

او در آغاز دعوت خود بمردم گفت خدایان بدون نفع و ضرر چگونه ممکن است موجود باشند خدا یکی است و سلطه او در دنیا و آخرت حدودی ندارد و در مقابل خدای یکتا شریک و خدای دیگر نیست و حکم نهائی مراوراست .

محمد منذر و ترساننده مردم به نهایت عالم و آخرت بود .

صورت یوم غضب که او آوازه آنرا بلند کرده بود در ذهن او با صفت خاصه ادب دینی جای گرفته بود محمد پیوسته مردم را به یاد روز حساب و قیامت انداخت . ویدار آخرت بشارت میداد مجموع مطالب وی شاید از کتاب تاریخ عهد قدیم و قصص انبیاء متأثر شده باشد که به سبیل تمثیل و تهدید بد کرام اسم سالفه و پیغمبران گذشته پرداخته است که از طرف خدا بهدایت اقوام مأسور بودند مورد استهزاء آنان قرار می گرفتند با نتیجه اسم منبور هلاک شدند «چون گلدزیه» «در بیان مطالب خود دلیلی ذکر نکرده است بنا بر این غرض آلوده و مردود می باشد» .

Wardt - Lane

یکی دیگر از مترجمین انگلیسی قرآن ادوارد لین می باشند این دانشمند در زبان و ادبیات عرب تبحر کامل داشت و آیات منتخبی از قرآن مجید را بزبان انگلیسی ترجمه کرده است چون جوان ضعیف البنیه بود از ترس مرض بمصر آمد و سه سال در آنجا زندگی کرد در مراجعت کتابی در مورد آداب مصریها نوشت و نیز فرهنگی با انگلیسی و عربی تألیف کرد الفلیل را ترجمه نمود و در سال ۱۸۷۶ در گذشت .



## بارتلمی سنت هیلر Barthelemy saint hilaire

مستشرق فرانسوی و مرد دانشمند بود در سال ۱۸۰۵ متولد و هشتاد سال زندگی کرده است مترجم آثار ارسطوست . در سال ۱۸۶۵ قرآن را طبع نمود ، و نیز در همین سال کتاب محمد و قرآن Mahomet et le coran نوشته است و از جمله خاورشناسان با انصاف و بی غرضی است در ستایش سبک قرآن کریم و بیان اعجاز آمیز آن نامه آسمانی داد تحقیق داد ، چنانچه در صفحه ۱۸۷ کتاب محمد و قرآن منطبعة پاریس سال ۱۸۶۵ چنین نوشته است .

«قرآن شاهکار بی مانند زبان عرب است و اعتراف باید کرد که جمال صوری آن با عظمت معنویش برابر است . قوت الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار در این سبک نگارش نوظهور چنان جلوه گر است که قبل از آنکه عقول مسخر معانی آن شوند دلها تسلیم آن می گردند» .

این شیوه بارز و بخصوص محمد است که مستمعین را مجذوب کلام معجز نشان خود می نمود ، پیامبر اسلام در میان انبیاء دیگر باین صفت ممتاز است و می توان گفت که هیچ کسی در هیچ عصری نتوانسته بود این همه نفوذ در کلام خود داشته باشد . قرآن با سبک خاصی خویش دارای مباحث مختلف و فوائد متعدد می باشد هم سرود مذهبی است هم ستایش و نیایش ایزدی و هم متضمن اصول و قواعد و قوانین مدنی و جزائی است هم بشیروندزیر است و هم پندآموز و اندرزگوی . هم مؤمنین را بصراط مستقیم هدایت می کند و هم قصه و داستان و امثال و حکم بیان می کند .

## سنت هیلر

قرآن بهترین و زیباترین اثر لسان عرب است و در بین متون مذاهب ملل و نحل عالم ماندنی ندارد . در توصیف اهمیت این کتاب همین قدر کافی است که اعراب با وجود نفاق و عناد و لجاج زیاد که در سرشت آن قوم است . با وصف اینکه هنری بغیر از فصاحت و بلاغت و سخن سنجی نداشتند در پیش قرآن زانو بر زمین زده آنرا کلام الهی دانسته و بذیل ولای آن دست زدند .

معتقد شدند که هرگز در هیچ زمانی قادر به اتیان مثل آن نیستند .

اعراب سنجی با وجود تعصب شدید اعتراف می کنند که این کتاب مستطاب چه تأثر بی پایان در دل شنوندگان دارد .

قرآن اگر ترجمه شود قسمت اعظم ملاحمت کلام و قدرت و تأثیر خاص آن از بین میرود ، آهنگ گرم کلام سوزون آن بسرودی می گراید ، مع ذلک دورنمای آن شعله جاودانی از خلال ابرهای تیره ترجمه تابان و فروزان است .

بنابراین از اثناء حجاب تیره فام ترجمه جمال فصاحت قرآن نمودار است شاید بگوئید که زیبایی مزامیر داود و سرودهای ودا نیز بوسیله ترجمه درک می شود ولی ناگفته نباید گذاشت که ودا برای هندوان و مزامیر برای یهودان مجموعه فواین مدنی و جنبه راهنمایی زندگی را دربر ندارد .

## فصل چهارم

ماراکیچی Maracci

مترجم ایتالیائی

در سال ۱۶۹۸ متن عربی و ترجمه قرآن را بزبان لاتین منتشر کرد .  
ترجمه وی از منشأ تعصب و غرض سرچشمه می گیرد او در ترجمه قرآن از  
کشیشان الهام می گرفت ماراکیچی ترجمه خود را در شهر Padua در سال ۱۶۹۸  
انجام داد .

ولتر فیلسوف و نویسنده بزرگ فرانسوی می گوید که ماراکیچی هرگز به شرق  
سفر نکرد او یکی از کشیشان نزدیک و مقرب دربار پاپ XI Innocent انیوسان بود  
و اثر خود را به پادشاه مقدس روسی موسوم لئوپولد اول اهداء کرد .  
ماراکیچی در مقدمه ترجمه کتاب قرآن خویش فصلی مشبعی از اطلاعات  
و معلومات خود را در مورد اسلام و محمد برشته تحریر آورد که حکایت از غرض  
و تعصب و کینه دیرینه وی نسبت باسلام می نماید بطوری که جورج سیل یکی از  
مترجمین قرآن با اشاره باین مورد می نویسد .

«ازسالیان دراز و قرون متمادی اطلاعاتی که اروپائیان از اسلام و قرآن اخذ  
کرده بودند از سخرای متعصبین مذهب مسیحی بود بر سبنای اغراض و کینه توزی  
و تعصب نهاده شده و پراز بهتان و افترا بوده است محسنات مسلمانان بکلی در بوته  
نسیان گذاشته شده و اگر بحثی از معایب آنان بمیان می آمد کاهی را باندازه کوهی  
سنگین و با عظمت جلوه میدادند .

ولی آنچه فراموش شده بود وضع کشور اعراب در زمان حیات محمد و قبل از  
بعثت بوده است و همچنین وضع ادیان ملل مجاور اعراب را نباید از نظر دور داشت .  
چنانچه عده از اعراب ستاره پرست و اغلب بت پرست بودند .

ایرانیان که متهمان تراز همه بودند به اهورامزدا و اهریمن معتقد بودند .  
هندویان بت می پرستیدند .

ترکان مذهب خاصی داشتند و چیزهای مختلف می پرستیدند .  
بنابراین یگانه پرستی در آن زمان بسیار قلیل بوده است .

علت العلل پیشرفت اسلام سادگی و بی پیرایه بودن عقاید اسلامی است و این عامل بیشتر از مشیر غازی در انتشار و پاشیدن تخم اسلام مؤثر بود .

اسلام عالم مسیحیت را تقریباً در تحت تأثیر خود آورد و دین و آئین معنوی در آسیا ایجاد نمود مسئله ای که قابل دقت است ترکها مأوی اصلی خود را در آسیا مرکزی رها کردند و بسوی خاورمیانه سرازیر شدند . سپاهیان آنان در آن زمان غیرقابل مقاومت بودند تا همه جا را فتح کردند ولی در مقابل عقیده اسلامی مغلوب شدند و زانو بزمین زدند و سلسله خلافت اسلامی را بنا نهادند .

مغولها در قرن سیزدهم بسیار کوشیدند که بعد از فتح بغداد آثار اسلامی را از بین بردارند ولی از طرف دیگر دست تقدیر خلفاء فاطمی را در مصر برپا کرد و بعد از مدتها همین مغولها اسلام را پذیرفتند و مروج احکام گشتند و مسلمانان متعصب شدند .

تا اینکه یک نفر ترک بعد از فتح مصر و قلع و قمع خلفاء فاطمی جانشین آنان گردید و رسماً خلیفه مسلمین شد که مدت های مدید [یعنی تا حال یعنی در زمان نگارش کتاب جورج سیل] ادامه دارد .

بالاخره در مدت قرون متحدی قرآن کتاب مقدس ایرانیان و ترکان و قسمت اعظم هندیان حتی مردم چین و سکنه افریقا گردید .

بنابراین شایسته است که این کتاب در اروپا بدقت خواند بشود و نکات باریک آن دانسته و فهمیده شود برای اینکه فعلاً منافع اجتماعی شامل یک دسته معین نیست بلکه از آن تمام دنیاست «البته اینهمه عقیده جورج سیل بوده که در مذمت ما را کجی مترجم گفته است»

### Jean Gagniers

استاد دانشگاه اکسفورد بود در سال ۱۷۲۴ شرح حیات پیامبر اسلام را با انضمام ترجمه قرآن در سه جلد نوشته که در آستردام بطبع رسیده و در کتابخانه دانشگاه کمبریج تحت شماره S. 17.48 مخطوط است در آغاز کتاب خود مسیولو کونت ده بولین را مورد انتقاد و سرزنش قرار داده می گوید این آدم که زبان عربی نمیدانسته و اطلاع از علوم اسلامی نداشته چرا در تعریف اسلام و پیشوای آن مبالغه کرده و کاهی را کوه جلوه داده است. و بدین وسیله بمذهب مسیح خیانت کرده و خوانندگان را گمراه نموده است و مطالبی برشته تحریر درآورده که در سایر تراجم از قبیل ترجمه abbé Maracci پیدا نمی شود. نویسنده در کتاب خود مطابق سبک زمان از بد گوئی و تهمت بدون دلیل مضایقه نکرده است می گوید من مانند کنت یک نفر مسیحی هستم ولی روانیست که حق هم کیشان خود را ادا نکنم. خلاصه در هر موردی که کنت از مزایای اسلام بحثی بمیان آورده این مترجم با تعصب خاصی آنرا رد نموده است.

## فصل پنجم

# ترجمه قرآن بزبانهای آسیائی

### فارسی و هندوستانی

- ۱- مولوی فداعلی عایش در سال ۱۲۸۲ در لکهنو (Lucknow) قرآن را با متن عربی و تحشیه فارسی چاپ کرد و در سال ۱۲۸۳ نیز در همان محل تجدید طبع گردید.
- ۲- مولوی محبوب علی حافظ محمد مخدوم و مولوی محمد عبدالحافظ متن عربی و مقدمه و تحشیه فارسی قرآن را با درج مباحثی در مورد اختلاف قرائت در سال ۱۸۶۶ در لکهنو بطبع رسانید و باین عبارت شروع می شود «نحمده الله نستعین به . . . ظاهر است که تقریظ کلام قدیم از حادث چه برآید»
- ۳- در سال ۱۸۶۸ در لکهنو (Lucknow) مولوی محبوب حافظ مخدوم و نیز مولوی محمد عبدالحافظ در مقدمه مقالاتی در مورد اختلاف قرائت بزبان هندوستانی و حاشیه را بزبان شیرین فارسی نوشته اند که باین عبارت شروع می شود «بعد حمد خدای کریم واضح هر که قبل از این یک کلام الله الخ».
- ۴- در سال ۱۸۷۶ متن عربی قرآن با ترجمه فارسی بایک مقدمه بزبان هندوستانی بوسیله محمد احسان صدیقی دوبار طبع و نشر گردیده است.
- ۵- جامع التفاسیر - از سوره پنجاهمین شروع شده و بسوره الناس ختم میگردد بوسیله مرحوم محمد قطب الدین خان شروع و بعد از وفات وی بهمت شاگردش محمد عبدالقادر با تمام رسیده است. این کتاب مستطاب متضمن ترجمه و تفسیر قرآن بزبان هندوستانی است و در سال ۱۲۹۳ در وین چاپ گردیده است.

### ترجمان القرآن بلطائف البیان

۶- ترجمه و تفسیری است بزبان هندوستانی که بوسیله عبدالقادر دیرلاهور در سال ۱۸۸۹ طبع و انتشار یافته است .

### اکسیر اعظم

۷- ترجمه و تفسیری است بزبان هندوستانی که در سال ۱۸۸۷ در مرادآباد بوسیله شخصی بنام محمد احتشام الدین تألیف و طبع گردیده است .

### حمائل مترجم

۸- ترجمه قرآن در زیر آیات نگاشته و تفسیر آن در حاشیه بزبان هندوستانی نوشته شده است . نام مؤلف کتاب حمد الله سیراتی است و در صورت Morrut در سال ۱۸۸۹ چاپ گردیده است .

### تصانیف احمدیه

۹- ترجمه و تفسیر قرآن بزبان هندوستانی است و مؤلف کتاب بسید احمد خان موسوم است و در شهر علیگر Aligarh در سال ۱۸۸۰ انتشار یافته است .  
۱۰- قرآن مترجم بالتراجم الثلاث - بزبان فارسی و هندوستانی دوبار چاپ شده یکی در سال ۱۸۶۸ و دیگری در سال ۱۸۷۶ طبع و نشر گردیده است .

### ۱۱- قرآن مجید با چهار ترجمه مع شأن نزول منتسب بسعدی شیرازی

این کتاب مستطاب متضمن چهار ترجمه است . ترجمه اول بفارسی که در زیر آیات نوشته شده است و به شاعر بنام ایران سعدی شیرازی نسبت داده شده است . ترجمه دوم نیز بزبان فارسی بوسیله شاه ولی الله بعمل آمده است .

### رفیع الدین

ترجمه سوم و چهارم بزبانهای هندوستانی بوسیله عبدالقادر انجام شده است

و نیز فصلی از این کتاب در مورد شأن نزول پاره آیات بزبان فارسی است. کلیتاً در ۸۰ صفحه و در سال ۱۲۹۹ در دهلی بطبع رسیده است.

### (۱۲- قرآن مجید مترجم مع تفسیرین جلالین و عباسی) .

که بزبانهای فارسی و هندوستانی ترجمه و بزبان عربی تفسیر گردیده است مترجمین به ترتیب ولی الله و رفیع الدین نامیده می شوند کلیتاً در ۸۴۸ صفحه و در سال ۱۲۹۹ در سروت Morrut طبع و نشر گردیده است.

### (۱۳- قرآن مجید مترجم و تفسیر تبجیل التنزیل)

قرآن مجید با ترجمه فارسی و هندوستانی که در زیر آیات نوشته شده است مترجمین نیز به ترتیب ولی الله و عبدالقادر نام بوده اند در حاشیه تفسیری بنام تفسیر تبجیل التنزیل که بزبان فارسی است نگاشته شده است. و نام مؤلف آن سید محمد ابوالمنصور قید گردیده است که به تفسیر مزبور نیز تأویلی بزبان هندوستانی تحریر یافته است و نیز پاره مطالب در مورد قرائت قرآن و شأن نزول بعضی آیات و توضیحاتی بزبان فارسی درج گردیده است. این اثر در سال ۱۸۹۰ در دهلی به حلیه طبع آراسته گردیده است.

### (۱۴- قرآن مجید بادو ترجمه مع تفسیر الفرقان)

که بزبانهای فارسی و هندوستانی بوسیله ولی الله و ابومحمد عبدالحق ترجمه گردیده است در حاشیه این کتاب نیز تفسیری بزبان هندوستانی درج و تفسیر الفرقان نامیده شده است در سال ۱۸۹۱ در دهلی از طبع خارج شده است.

### (۱۵- تفسیر قرآن با ترجمه بزبان پنجابی و فارسی)

این کتاب بنام تفسیر محمدی معروف گردیده است و مؤلف آن محمد بن مولانا بارک الله است در زیر آیات ترجمه فارسی و پنجابی ضبط گردیده است. باین اثر شریف تفسیری موزون بزبان پنجابی افزوده و در حاشیه نیز بعضی کلمات توضیح داده شده است و بنام کتاب موضح الفرقان موسوم گشته و دو مرتبه یکی در سال ۱۲۸۸ و دیگر در سال ۱۲۹۷ در لاهور بطبع رسیده است.



### (۱۶- ترجمهٔ بنگالی قرآن مجید و فرقان حمید)

تفسیر و ترجمهٔ قرآن مجید بربان بنگالی بوسيلهٔ نعيم الدين و غلام سرور بعمل آمده است و در سال ۱۸۹۰ در کاراتیا Karatia طبع و نشر گردیده است .

### ترجمان القرآن بلطائف البيان

۱۷- ترجمه و تفسیر قرآن بربان هندوستانی است که بدست عبدالقادر ترجمه و تفسیر شده و در سال ۱۸۸۹ در لاهور چاپ گردیده است .

### القران المترجم مع التفسير الحسینی والفوائد ونجوم الفرقان

۱۸- ترجمهٔ قرآن بربان هندوستانی در زیر آیات نگاشته شده و مترجم آن عبدالقادر نامیده می شود . و در حاشیه همان کتاب تفسیر مواهب علیه درج گردیده و نیز متضمن رساله ای است که پاره از کلمات قرآن را شرح داده و باسم نجوم الفرقان موسوم گشته مؤلف رسالهٔ اخیر مصطفی ابن محمد سعید نامیده شده و این کتاب در سال ۱۸۹۰ در اگره حلیه طبع یافته است .

### الفرقان المجید مترجم مع تفسیر عباسی فارسی

۱۹- ترجمه در زیر آیات بربان اردو نگاشته شده و تفسیر معروف منتسب به عبدالله بن عباس نیز بربان اردو در حاشیه تحریر یافته است . مترجم قرآن عبدالقادر و مترجم تفسیر مولوی عبدالقادر بدائونی است در اکبر آباد و اگر در سال ۱۸۹۰ نشر یافته است .

### ترجمهٔ قرآن

۲۰- ترجمه بوسيلهٔ رفیع الدین بربان هندوستانی در کانپور در سال ۱۸۷۹ بعمل آمده است .

### تفسیر خلیلی

این کتاب متضمن تفسیر و ترجمهٔ قرآن بربان هندوستانی در آره بوسيلهٔ ابراهیم بن عبد العلی آراوی در سال ۱۸۸۹ تألیف یافته است .

### تفسیر فیروزی

۲۲- متضمن ترجمه و تفسیر است از سوره ۷ و ۹ الی آخر قرآن بزبان هندوستانی و مترجم و مفسر آن مولوی محمد فیروزالدین است در سال ۱۸۹۰ در سیدالکوت تألیف یافته است .

### قرآن مجید مترجم سندی

۲۳- مترجم قرآن مجید بزبان سندی موسوم به عزیزالله متولی است که در سال ۱۸۷۷ در بمبئی بانجام این خدمت بزرگ توفیق یافته است .

### هذا مترجم القرآن بلسان الاردی

۲۴- کتابی است باسم فتوحات الرحمانیه فی تفسیر کلام الربانیه ترجمه قرآن بزبان اردی یا تامیل (Tamil) است که بوسیله دانشمند موسوم به حبیب محمد القاهری در بمبئی در سال ۱۸۸۴ تألیف گردیده است .

### ترجمه بنگالی

۲۵- ترجمه بنگالی قرآن در سال ۱۸۸۶ در کلکته بوسیله شخصی موسوم به Girish chandra اتمام یافته است .

### قرآن مجید مع الترحمتین والتفسیر لعبدالله بن عباس

۲۶- ترجمه ایست بزبان فارسی موسوم به فاتح الرحمن که ترجمه فارسی آن بوسیله شاه ولی الله دهلوی و هندوستانی آن بوسیله شاه رفیع الدین دهلوی و نیز متضمن یک تفسیر بزبان عربی منسوب بعبدالله ابن عباس است که در سال ۱۲۸۳ در دهلوی بزیور طبع آراسته شده است .

### قرآن مجید مترجم بالتراجم الثلاث

۲۷- ترجمه فارسی آن بوسیله ولی الله و ترجمه هندوستانی آن بوسیله رفیع الدین

و نیز یک ترجمه ثالث از لهجه دیگر هندوستانی بوسیله شاه عبدالقادر دهلوی بعمل آمده است در سال ۱۲۸۵ در دهلوی بطبع رسیده است .

### قرآن مترجم به ترجمتین مع تفسیر الجلالین

۲۸- متن ترجمه بزبانهای فارسی و هندوستانی در زیر آیات نوشته شده است و نیز در این کتاب مقدمه بزبان فارسی درج گردیده است . ترجمه فارسی بوسیله ولی الله و از آن هندوستانی بوسیله رفیع الدین بعمل آمده است و نیز دو تفسیر در حاشیه بزبان عربی ضمیمه دارد موسوم به تفسیر جلالین (یعنی جلال الدین محلاتی و جلال الدین سیوطی) کلمه بوسیله محمد هاشم علی ناسی در سروت Morrut در سال ۱۲۸۴ چاپ گردیده است . طبع دیگر این کتاب در سال ۱۲۹۶ در همین شهر بعمل آمده است .

### ترجمه کجراتی قرآن

۲۹- ترجمه کجراتی قرآن باسم قرآن نوا ترجمه کجراتی زبان . ترجمه در زیر آیات نوشته شده و در حاشیه نیز توضیحاتی بزبان مزبور داده شده است مترجم آن موسوم عبدالقادر بن لقمان بوده و در سال ۱۲۹۶ در بمبئی منتشر شده است .

### ترجمه قرآن بزبان هندوستانی

۳۰- مقدمه و حاشیه و ترجمه قرآن بزبان هندوستانی است و باسم موضح القرآن نامیده شده و مترجم این کتاب مستطاب عبدالقادر دهلوی بوده و طبع کتاب در سال ۱۸۲۹ میلادی انجام گرفته است .

### قرآن مجید مترجم به هندوستانی

۳۱- مقدمه و ترجمه بزبان هندوستانی است این کتاب متضمن رساله بزبان فارسی است مؤلف آن مفتی محمد سعد الله است و در موضوع تجوید تألیف یافته است ، در سال ۱۸۴۷ میلادی در لکهنو منتشر شده است .

### قرآن مجید مترجم به زبان اردو

۳۲- ترجمه و تحشیه این کتاب بزبان اردو ست و مترجم آن موسوم بشاه عبدالقادر دهلوی است و در سال ۱۸۷۳ در لکهنو چاپ گردیده است .

### قرآن مجید مترجم

۳۳- ترجمه بزبان هندوستانی و متضمن رساله بزبان فارسی باسم خلاصة الرسوم بوسیله عبدالقادر ترجمه گردیده و در سال ۱۸۸۱ در آگره منتشر شده است .

### قرآن مجید مترجم مع تفسیر حسینی

۳۴- ترجمه قرآن بزبان هندوستانی در زیر آیات نوشته شده است که مترجم آن رفیع الدین سی باشد ولی در حاشیه همان کتاب تفسیر فارسی حسین واعظ کاشفی مندرج است . طبع کتاب در شهر دهلی و در سال ۱۸۸۷ انجام یافته است .

### قرآن مجید مترجم محشی به لغات القرآن

۳۵- ترجمه قرآن در زیر آیات بزبان هندوستانی و در حاشیه معانی لغات بزبان فارسی بیان گردیده است و ترجمه و تألیف و طبع این کتاب بوسیله رفیع الدین دهلوی و عبدالحافظ دهلوی در سال ۱۸۶۹ در سروت Morrut بعمل آمده است .

### جواهر القرآن مترجم

۳۶- ترجمه ایست به زبان هندوستانی که در زیر آیات مندرج است در سال ۱۸۷۳ بوسیله شخصی بنام امام علی ابن نجفعلی در لکهنو منتشر گردیده است

### منتخب احکام القرآن با ترجمه اردو

۳۷- ترجمه و تفسیر آیات منتخب قرآن کریم به زبان اردو ست و نام مؤلف کتاب ابراهیم علی خان می باشد در سال ۱۸۷۷ در لکهنو طبع و نشر یافته است .

### طیب البیان فی تفسیر الرحمن

۳۸- تفسیر منظوم سورة الرحمن بزبان پنجابی و تحشیه فارسی بوسیله حافظ محمد انوار علی در سال ۱۸۷۱ در گورگانه انجام پذیرفته است .

## ترجمه قرآن بزبان ترکی

اغلب ترجمه های قدیم مشتمل بر ترجمه تحت اللفظی است که در زیر کلمات بطور جدا گانه نوشته شده است و نیز پاره ترجمه ها بشکل جمله است و موزة اسلام محتوی مقدار زیادی از این تراجم است . برای جلب رضای خدا از طرف اشخاص خیر خریداری و به کتابخانه های مساجد اهداء گردیده است . از جمله ترجمه قرآنی در چناق قلعه پیدا شده است که مربوط بسال ۹۴۹ هجری است . در زیر آیات کلمه بکلمه ترجمه گردیده است و نیز فصول متعددی در مورد قرات قرآن و فضائل قرآن بعنوان تعلیقه ضمیمه این کتاب است .

و نیز در بین آثاری که از چناق قلعه آورده شده است چندین ترجمه قرآن به زبان ترکی پیدا گردیده که مربوط بقرن سیزدهم میلادی است .

در بین کتب خطی موزة قونیة پنج جلد قرآن مترجم بزبان ترکی وجود دارد . یکی از این تراجم در سال ۹۶۵ هجری قمری بوسیله حسین ابن حسن ترجمه گردیده است و دیگری در سال ۹۶۸ بوسیله محمد بن یوسف آغری برزکتابت یافته است .

ترجمه سوم در زبان سلطان مراد دوم تألیف یافته و نام مترجم خضر بن شاهین بوده است .

## مواکب

۱- ترجمه تفسیر کتاب مواهب علییه تفسیر معروف فارسی است که بهمت اسمعیل قرخ افندی در سال ۱۸۶۵ در اسلامبول انجام پذیرفته و باسم مواکب موسوم گردیده است .

## تفسیر الجمالی علی التزیل الجلالی

۲- ترجمه و تفسیر قرآن بزبان ترکی است که از اصل تفسیر فارسی اقتباس گردیده

و مقدمه‌ای نیز بزبان فارسی دارد بسعی محمد نجیم افندی در سال ۱۸۷۷ در مطبعه بولاق طبع گشته است .

### قرآن مترجم به ترکی

۳- در سال ۱۸۷۷ بوسیله شخصی بنام اسماعیل فرّخ افندی بعمل آمده است .

### قرآن مترجم به ترکی

۴- در سال ۱۸۷۱ بوسیله دانشمندی موسوم به محمد خیرالدین خان در حیدرآباد هندوستان طبع و نشر یافته است .

### من التبیان

۵- تفسیر ترکی است که چندان اشتهار ندارد از عربی ترجمه شده است و نام مترجم آن محمد الدباغی است و در سال ۱۸۴۳ در مطبعه بولاق چاپ گردیده است .

### روح البیان

۶- تفسیر معتبری است که بزبان ترکی بوسیله اسمعیل حقّی بورسوی در سال ۱۸۶۰ نوشته شده است .

### سَرقرآن

۷- کتابی است مشتمل بر تفسیر، سوره اول قرآن و ترجمه است از کتاب معروف تفسیر کبیر امام فخر رازی و نام مترجم سیری پاشا می باشد در سال ۱۸۸۵ تألیف یافته است .

### تراجم جدید قرآن بزبان ترکی

بعد از ظهور حکومت جمهوری در ترکیه به مسئله ترجمه قرآن و تفسیر آن بزبان ترکی کوششهایی بعمل آمد و برای اولین بار طبق تصویب مجلس کبیر ملی ترکیه مسئله ترجمه قرآن بهمان زبان به کف کفایت مرحوم ارسوی گذاشته شد .

و موضوع تفسیر قرآن را نیز مالی حمید یازیر نامی عهده‌دار گردید تفسیر مزبور در عرض مدت کمی به حایه طبع آراسته گردید و انتشار یافت ولی مسئله ترجمه در بوته نسیم باقی ماند تا اینکه بعد از مدتی ترجمه های ذیل قدم بعرضه ظهور گذاشت .

### ترجمه قرآن کریم

- ۱- شخصی بنام جمیل صائب ترجمه قرآن کریم را بزبان ترکی منتشر نمود .
- ۲- هیئتی مرکب از شیخ محسن نوراللیان فانیان وحسین کاظم قرآن کریم را بزبان ترکی ترجمه کرده اند .
- ۳- شخصی بنام زکی مغامض که یک نفر عرب مسیحی از اهالی سوریه بود در سال ۱۹۲۶ قرآن را بزبان ترکی ترجمه کرده است .

### ترجمه شریف

- ۴- در سال ۱۹۲۶ بوسیله دانشمندی بنام سلیمان توفیق انجام گرفته است .

### معنای قرآن کریم

- ۵- در سال ۱۹۲۷ شخصی فاضل بنام اسمعیل حقی از میری قرآن کریم را ترجمه کرده است .

### تائری بویوردوگی (کلام الله)

- ۶- در سال ۱۹۳۴ بوسیله عمر رضا دوگرل ترجمه گردیده است .

### ترجمه قرآن کریم

- ۷- در سال ۱۹۲۷ شخص دانشمندی بنام فاتح واعظ عثمان راشد قرآن را ترجمه کرده است



## ترجمه قرآن حکیم و مآلی کریم

- ۸- در سال ۱۹۵۳ بوسیله مردی دانش پژوه بنام باصری چانتای تألیف گردیده است .  
 ۹- اسمعیل حقى بالتاچى اوغلو نیز قرآن سجید را ترجمه وطبع ونشر نموده است .  
 ۱۰- آخرین ترجمه قرآن بزبان ترکی ترجمه عثمان نبی اوغلو است .

قرآن کریم را در دو جلد هر جلد مشتمل بر هفتصد صفحه ترجمه کرده بانضمام تعلیقات مفصل ودقیق در آخر جلد دوم در مورد اسماء قرآن- کیفیت تقسیم قرآن - علوم منشعبه از قرآن - کیفیت گردآوری قرآن- کیفیت نزول قرآن- بحث در سورت قرات سبعه قرآن - در سورت جواز ترجمه قرآن بطور تفصیل بحث مشیع وفاضلانہ نموده که در خور دقت است . مؤلف محترم موسوم بعبدالحق گل پنیاری است .

در سال ۱۹۵۵ در شهر استانبول چاپ گردیده است :

وباین شعر به تعلیقات خود حسن ختام بخشیده است .

وعین الرضا عن کل عیب کليلة

و لیکن عین السخط یدى المساویا

## تفسیر و ترجمه قرآن به لهجه محلی آذربایجان

بقلم شیوای مرحوم میر محمد کریم نجل الحاج میر جعفر العلوی الحسینی الموسوی  
 الباکوئی در سال ۱۳۲۲ هجری قمری تحت عنوان کشف الحقایق - من نکت الایات  
 والدقائق در سه جلد نگاشته شده است ، از جهت سهولت امکان درک معانی وتوضیح  
 نکات دقیق آیات کتاب خدا راهنمای بسیار مفید بوده ومؤلف مرحوم بدون غرض و  
 تبعیت از هوای نفس باتحمل زحمات زیاد در تألیف آن نهایت مهارت واستادی را بخرج  
 داده وکلام الهی را بنحوی که در خور فهم عامه باشد ترجمه وتفسیر نموده که  
 هر ترک زبان بخواندن آن می تواند از فیض حق مستفیض وبهره مند شود .

این کتاب مستطاب در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی با اضافه کردن خلاصه و تاویل آیات و مقدمه شیوائی بوسیله آقای حاج عبدالمجید صادق نوبری فاضل معاصر در تهران بفارسی ساده و روان ترجمه و طبع و نشر گردیده است.

#### ترجمه بزبان عبری

ترجمه قرآن مجید بوسیله شخصی موسوم به Von. H. Reckendorf در سال ۱۷۵۸ در لایپزیک طبع و نشر گردیده است.

#### تفسیر و ترجمه قرآن بزبان پشتو

تفسیر و ترجمه سورة والضحی بزبان پشتو بانضمام دو قطعه شعر مذهبی بهمان زبان بوسیله غلام محمد در سال ۱۸۸۰ در دهلی تألیف یافته است.

#### تفسیر تیسیر افغانی

ترجمه شصت و هفتمین سورة قرآن بزبان پشتو و تفسیر موزون و مسجع بهمان زبان بوسیله شخصی موسوم به محمد امین در سال ۱۸۸۲ در دهلی نوشته شده است.

#### کتاب تفسیر بی نظیر بزبان پشتو

تفسیر دو جزو آخر قرآن است که بوسیله شخصی بنام یعقوب چرکسی در سال ۱۸۸۵ تألیف گردیده است.

#### تفسیر مرادعلی بزبان پشتو

تفسیری است از سورة اول الی سورة ۱۸ که در سال ۱۸۸۸ شخصی موسوم بمرادعلی آنرا نگاشته است.

#### تفسیر محمدی

بزبان پشتوست و مشتمل بر تفسیر دوازده سوره از آغاز قرآن می باشد در سال ۱۸۹۲ تألیف گردیده است.

## فصل هفتم

### ترجمه قرآن بزبان فارسی

ترجم ' رباعی البناء مانند دحرج ومعنی اصلی آن تفسیر و کشف و بیان و ترجمان بمعنی مفسرلسان است چنانکه در قاموس آمده است.

بعبارت دیگر در زبان عرب ترجمه بیان معنی لغتی به لغت دیگر آمده است و از این کلمه ترجمان مشتق شده است. خفاجی در کتاب<sup>۲</sup> «شفاء الغلیل فیما ورد فی الکلام العرب بن الدخیل» گفته است ترجمان معرب تر زبان یعنی رطب اللسان است. از جمله تراجم قرآن ترجمه شیخ جمال الدین ترجمان المفسرین است.

ابی<sup>۳</sup> الفتوح الحسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی نیشابوری در کتاب خود بترجمه آیات قرآن بزبان فارسی پرداخته و معنی فارسی هر کلمه را زیر آن نگاشته است و تصریح کرده که این ظاهر سوره است بعد شروع بتفسیر نموده است.

و ترجمه و تفسیر را با عبارت (این مفهوم ظاهر سوره است) متمایز ساخته و این عبارت را فقط در آخر سوره فاتحه اضافه کرده است. در سال ۵۵۰ وفات یافته است. بدیهی است که کتاب تفسیر ابوالفتوح رازی و کتاب کشف الاسرار میبیدی و ترجمه تفسیر طبری نیز متضمن ترجمه هستند و همچنین ترجمه قرآن بزبان فارسی از قرن<sup>۴</sup> ۱۷ و ۱۸ میلادی در هندوستان متجاوز از صد جلد کتاب است که

---

۱- کتاب الذریعه ج ۴ ص ۷۲ س ۷۳.

۲- کتاب دیوان دین تألیف آقای حبیب الله نوبخت صفحه ۲۶ سطر ۷.

۳- کتاب الذریعه جلد چهارم صفحه ۱۲۶ سطر ۱۹ الی ۲۵.

۴- فهرست کتابخانه موزه بریتانیا رجوع شود.

چگونگی این مطالب ضمن بحث فصل پنجم گفته شده است و ذکر تمام تراجم فارسی در ضمن رساله دیگری مورد بحث قرار خواهد گرفت .

### ترجمه تفسیر طبری

این کتاب مستطاب در زمان امراء سامانی که همه مشوق علم و ادب و دانش و فرهنگ فارسی بوده اند بفرمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی مقارن همان تاریخی که دستور ترجمه تاریخ طبری را صادر کرده بود شروع گردید (یعنی در حدود سال ۳۵۲) ترجمه تفسیر طبری در چهارده مجلد گرد آمد سپس آنرا هفت مجلد کردند هر مجلدی سبعی از قرآن بود نسخه هائیکه تاریخ تحریر آن در حدود ۶۰۶ هجری میباشد و نسخه چهارم آن مفقود است جزو کتب مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی بود و اکنون بقیه در جزو کتب خطی کتابخانه سلطنتی موجود است .

از وجوه اهمیت این کتاب یکی عظمت آن و دیگری اشمال آنست بر تعداد بیشماری از لغات و مفردات فارسی که در مقابل ترجمه مفردات و ترکیبات قرآن آورده است .

این کتاب با نثر ساده و موجز و بی صنعت مرسل نوشته شده و لغات فارسی بر لغات عربی آن غلبه دارد و از طرز نگارش آن چنین مستفاد میشود که مترجم ها پیرو ترجمه مقیّد بوده اند .

این کتاب از جمله نشرهای دوره سامانی است که از عربی بفارسی ترجمه گردیده است .

از مختصات این کتاب آوردن لغات فارسی غریب است که در ترجمه کلمات قرآنی بدان نیازمند بوده است . روش طبری در تفسیر جمع بین روایت و درایت بوده ولی مع الوصف بیشتر جانب روایت را گرفته است و بدین جهت کتابش مورد توجه و مقبول مسلمانان گردیده است .

طبری اغلب در مورد تفسیر لغوی فقط رأی را دخالت داده است.

عادت ترجمه تفسیر طبری بزبان فارسی در مقدمه آن کتاب چنین توجیه گردیده است:

«این کتاب تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر طبری رحمت الله علیه

ترجمه کرد بزبان فارسی در راه راست و این کتاب را بیاورند از بغداد چهل مصحف

بوده نوشته بزبان تازی و باسنادهای دراز بود بیاوردند سوی امیرسید مظفر ابوصالح

منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل (رحمة الله علیهم) اجمعین پس دشوار

آمد بروی خواندن کتاب و عبارت کردن بزبان تازی و چنان خواست که سراینرا

ترجمه کند بزبان پارسی.

پس علماء ماوراءالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد کی روا باشد که ما

این کتاب را بزبان پارسی گردانیم؟

گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن بفارسی مر آنکسی را که او تازی

نداند از قول خدای عزوجل که گفت.

«ما رسلنا من رسول الا بلسان قومه» گفت من هیچ پیغامبری را نفرستادم مگر

بزبان قوم او و آن زبان کایشان دانستند و دیگران بود کین زبان پارسی از قدیم

باز دانستند از روزگار آدم تا روزگار اسماعیل و همه پیغامبران و ملوک آن زمین

بپارسی سخن گفتندی و اول کسی که سخن گفت بزبان تازی اسماعیل پیغامبر (ع)

بود و پیغامبر ما (ص) از عرب بیرون آمد و این قرآن بزبان عرب براو فرستادند و این

بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوک آن اینجانب ملوک عجم است.

پس بفرمود ملک مظفر ابوصالح تا علماء ماوراءالنهر را گرد آوردند از شهر

بخارا چون فقیه ابوبکر بن احمد بن حامد و چون خلیل بن احمد سجستانی و از شهر

بلخ ابوجعفر محمد بن علی از باب الهند فقیه الحسن بن علی مندوس و ابوالجهم

خالد بن هانی المتفقه را از شهر سیبجاب و فرغانه و از هر شهری کسی بود در ماوراءالنهر

و همه خطها بدادند بر ترجمه این کتاب کی این راه راست است. پس بفرمود امیر

سید ملک مظفر ابوصالح این جماعت علماء را تا ایشان از میان قوم خویش هر کدام

فاضل‌تر و عالم‌تر اختیار کنند تا این کتاب را ترجمه کنند پس ترجمه کردند .

### پارهٔ از کلمات کهنه که در این کتاب دیده میشود باجمال بقرار زیر است

۱ - پیغامبران بجای پیغمبران .

مثال ۱ - ج ۱ مقدمه سطر ۱۴ چاپ تهران «همه پیغامبران و ملوکان زمین  
پارسی سخن گفتندی» .

مثال ۲ «واین جابدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان اینجانب ملوک  
عجم است» .

### استعمال کلمهٔ هنباز

مثال ج ۱ ص ۲۹ سطر ۷ «بگو که از آدمیان کی بخدای عزوجل هنباز  
گرفت و اندرین جهان بهشتی ساخت»

### اوکندن بجای افکندن

مثال ج ۱ ص ۴ سطر ۸ «صورتی بود اوکنده از مشرق تا مغرب»  
مثال ۲ ج ۱ ص ۴۸ سطر ۹ «صلصال بود خشک شده و بدان جا اوکنده»

### بلغی بجای برگی

مثال - ج ۱ ص ۳۵ سطر ۶ «بلغی از درخت انجیر باز کردند و برعورت  
خویش نهادند»

### شارستان

مثال - ج ۱ صفحه ۲۸ سطر ۱۳ «و از آن شارستان کرد روئین و آن شارستان  
کیجاست»

مثال دوم در جلد نهم صفحه ۲ سطر ۴ «فحکمه الی الله» برگزاردن آن و بریدن آن بالله است . حکم را برگزاردن و بریدن آن بیان کرده است .

### تفسیر طبری و ترجمه آن

مؤلف تفسیر طبری .

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الطبری است که ابوعلی بلعمی مترجم تاریخ طبری در همه جا باسم پسر جریر از او نام میبرد .

طبری در آخر سال ۲۲۴ و یا اوایل سال ۲۲۵ هجری در آمل مازندران متولد شده است و در وجه تسمیه طبرستان چنین گفته است که :

در نزد ابوحاتم سجستانی برای فرا گرفتن علم حدیث حاضر شدم از شهرم پرسید پاسخ دادم بعد وجه تسمیه طبرستان را سؤال کرد گفتم نمیدانم پس چنین گفت چون طبرستان گشوده شد و آبادی آن آغاز گردید زمین بود پر از درخت و جنگل از این رو فاتحان ابزاری طلب کردند که بدان درخت را قطع کنند مردم آنجا برای این کار تبر آوردند که با آن درختان را میبردند از اینرو سر زمین مزبور طبرستان خوانده شد وفات طبری روز دوشنبه ۲۵ شوال در سال ۳۱۰ هجری در بغداد اتفاق افتاد و در خانه خویش مدفون گردید .

طبری در علوم و فنون گوناگون استاد بود . و در اغلب آنها آثار گرانبها از خود بیادگار گذاشته است . در راه تحصیل علم زحمات بسیار کشیده و مسافرتها زیادی نموده است . یا قوت حموی در کتاب معجم الادباء شرح مفصل و جامع درباره زندگانی طبری و مقام علمی و آثار و تألیفات و سیره و اخلاق وی نوشته است اهمیت مندرجات این کتاب از آن جهت است که اغلب آنها از روایت عبدالعزیز بن محمد طبری منقول است . ماخذ دیگر ابوبکر بن کامل است که یکی از شاگردان محمد بن جریر طبری بوده است .

بنا بر روایت (یا قوت) حموی این دو تن دو کتاب در خصوص سیرت و اخلاق طبری نوشته‌اند که مأخذ یا قوت همان دو کتاب است .

ابن کامل گوید که طبری در هفت سالگی قرآن را از بر کرد در هشت سالگی با مردم در نماز جماعت حاضر شد در نه سالگی شروع به نوشتن حدیث نمود و نیز از قول طبری گوید « پدرم از او ان کودک در تهیه و سائل تحصیل سعی بلیغ بجا آورد و از هیچ گونه همراهی خودداری نکرد . در ری تحصیل را آغاز نمود بفرا گرفتن و نوشتن علم حدیث پرداخت . اولین استاد وی محمد بن حمید رازی بود . نوشته‌اند که طبری متجاوز از صد هزار حدیث از ابن حمید فرا گرفت و آنها را نوشت .

### قصه جمع کردن قرآن

و این قرآن جمله متفرق بوده است بدست خلق اندر یک یک آیت و یک یک سورت کم یا بیش و هیچ کس را بیشتر از ابی بن کعب نبود از بهر آن که او پیوسته در صحبت و خدمت پیغمبر علیه السلام بودی و هر گه که وحی آمدی اگر شب بودی و اگر بروز بودی او بنوشتی و یاران دیگر پیوسته با او نبودندی . و چون پیغمبر علیه السلام از این جهان بیرون شد بروز گار ابوبکر و عمر رضی الله عنهما خلق یک یک دیگر را کافر همی خواندند از بهر این قرآن و هر یک سر دیگر را همی گفتند که این که بدست تو است نه قرآن است .

پس چون عثمان رضی الله عنه به خلیفگی بنشست ، خواست که این قرآن را جمع کند تا این اختلاف از میان خلق برخیزد پس مصحف ابی بن کعب را بیاوردند و هیچ مصحف نیافتند درست تر از آن ، و امیر المؤمنین عثمان از آن نسخه برداشت ، و منادی را بانگ کردن فرمود که هر آن کسی که از قرآن چیزی دارید بیاورید ، و همی آوردند . هر آنچه درست می گشت عثمان آنرا نسخت می کرد و نیز منادی می فرمود کردن .

پس یکی اعرابی ای بیامد ، و گفت که با من دو سورت است که از پیغمبر



شنیدم علیه السلام . عثمان گفت بیاور اعرابی برفت و بیاورد و این بود : اللهم انا نستعینک و تا این جا که و لانکفرک و دیگر سورت این بود که : اللهم ایاک نعبد و لک نصلى و نسجد . پس عثمان گفت یا اعرابی هیچ حجت داری که این قرآن است . گفت ندارم . عثمان گفت که من بی حجتی این را اندر میان قرآن نتوانم آوردن که درست است یانه و پس آنرا بسوخت (نقل از صفحه ۷ و ۸ جلد اول ترجمه تفسیر طبری .)

### مصحف امیرالمؤمنین علی علیه السلام

جمهور علماء را عقیده بر این است که امیرالمؤمنین علی ابتداء به جمع قرآن پرداخته و این مسئله راجعستانی در صفحه دهم سطر سوم کتاب المصاحف خود بیان کرده که حضرت پیش از همه کس بتفسیر و تبیین مشکلات دقیق قرآن پرداخته است و حتی بطوریکه ابن فارس آورده ترتیب سوره های قرآن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بترتیب نزول آنها بود چنانکه سوره اقره باسم در آغاز قرار داشت . به صفحه ۴ کتاب اعجاز قرآن ترجمه آقای ابن الدین منطبعة تهران مراجعه شود .

ابن الندیم در کتاب الفهرست بقرآنی بخط حضرت علی اشاره مینماید . ابن سعود روایت کرده است که «هیچکس از یاران محمدا بقدر علی معرفت و دانائی نبود تا آنجا که میدانست هرآیه در کجا وحی شده است و در چه وقت و در چه ساعتی از شب یا چه پاسی از روز نزول یافته و شأن نزول آن چه بوده است و مسئله «سلونی فوالله لا تسئلونی منی عن شئی الا اخبرتکم» از مولی امیرالمؤمنین علی است به صفحه ۳۶ کتاب تأسیس الشیعه مراجعه شود . برای تکمیل فایده بشرح کافی ملاصالح قزوینی و به کتاب الارشاد شیخ مفید که از بزرگان علماء شیعه و استاد سید مرتضی علم الهدی و سید رضی بوده است مراجعه شود .

## کشف الاسرار و عدت الابرار

الحق ابوالفضل رشیدالدین میبیدی مؤلف این کتاب و این اثر نفیس در ارادت بکلام الهی و در تمسک بدامن قرآن کریم باقلبی مخلص و قدسی صادق پیش آمده است شعله های عشق سوزان وی بخاندان رسول از خلال سطور کتاب وی هویدا است. مؤلف این کتاب، قرآن کریم را در سه نوبت ترجمه - تفسیر و تاویل نموده است فعلاً آنچه مورد بحث است و در کتاب مذکور در تحت عنوان نوبت اول قلمداد گردیده است ترجمه میباشد.

### نوبت اول - ترجمه

ابتدا هریک از آیات را کلمه بکلمه و جمله بجمله ترجمه تحت اللفظی کرده است. در حین ترجمه الفاظ و کلماتی بکار برده که بسیار ساده و روان و مانوس و قریب بذهن و درخور فهم عامه مردم فارسی زبان است. و همین ترجمه مانند گنجینه نفیس برای مفردات و ترکیبات زبان فارسی است محض مثال ترجمه آیه «اذا السماء انشقت» (از سوره انشقاق جلد دهم صفحه ۴۵ سطر ۴) را مورد بحث قرار میدهیم. «آنکه که آسمان بشکافت»

(بعد در مورد ترجمه «و حقت» گوید خود آنرا چنین سزد)

بنا بر این مؤلف سعی کرده در قبال هر کلمه مفرد یا ترکیب عربی یک کلمه مفرد فارسی و در صورت ناتوانی یک جمله فصیح بکار برده و حتی المقدور از استعمال کلمات عربی اجتناب نموده چنانکه در ازاء یکصد و سی و نه کلمه عربی که سوره انشقاق دارد دویست و چهل کلمه بکار برده است و از اینهمه فقط دوازده کلمه عربی است و بقیه فارسی میباشد بنا بر این صدی پنج کلمات عربی است و این موضوع حکایت از قدرت بی پایان مترجم می کند و دلیل بر احاطه وی نسبت بزبان فارسی میباشد. با وجود اینکه ترجمه مقید است و طبیعت زبان فارسی اقتضاء میکند که مترادف

معانی پاره کلمات عربی در آن وجود نداشته باشد در چنین حال در مقام ترجمه یک کلمه جمله ای بیان سینماید مانند آنکه گذشت . مع الوصف عبارت منسجم والفاظ منتخب و جمله دلکش است . حسن و لطف دیگر آنکه با وجود مراعات جوانب و قواعد ترجمه تحت اللفظی اغلب جملات را چنان ادا کرده است تا قواعد دستور فارسی بنحوی اتم رعایت گردیده است . یعنی هریک از کلمات مرکب کننده جمله در سرجل خود بنحوی زیبایی خود نمائی میکند . حتی مراعات سجع و وزن نیز در بین جملات ترجمه نموده است مانند این عبارت :

«آنکه که آسمان پشکافد . و فرمان خدای نیوشد و فرمان برد و خود آنرا چنین

سزد» جلد دهم سوره انشقاق صفحه ۲۵ سطر ۴ و ۵ و ۶

در قبال تراکیب و مفردات قرآن سعی کرده است حتی المقدور مفردات و تراکیب

فارسی بیاورد .

مثال - هم دیدار - ترجمه ملاقی - ناکاست - غیر ممنون - نامه - کتاب

بصیر را بینا و الیم را درد نمای و اصحاب الجحیم را آتشیان ترجمه کرده است .

این دانشمند بزرگوار در نوبت اول مهارت بی مانند خود را در حسن انشاء

و سهولت کلام و ترجمه لطیف ظاهر نموده است بحدی که میتوان گفت این کتاب

یکی از آثار جاوید نشر پارسی در جهان است که بمرور دهور کهنه نگردد و هر زمان

فضلاء و دانشمندان بقدر طاقت و باندازه استعداد خویش از خرسن این دانشمند

خوشه میچینند و از سرچشمه زلال آن سیراب میگردند .

مثلاً چه نیکو ترجمه کرده است از سورة الشورای این آیه را « کذالک یوحی

الیک والی الذین من قبلک » همچنین ( که میشنوی و میدانی ) پیغام میدهد بتو

و ایشان که پیش از تو بودند .

مثال دوم - ترجمه « الله العزيز والحکیم » آن خدای توانا ( بی همتا ) راست

دانش و راست کار. آنچه در ترجمه این آیه مورد توجه است ترجمه (وحی) بی‌یغام و (الله) آن خدای و (عزیز) توانا و بی‌همتا و (حکیم) را راست دانش و راست کار بیان کردن است.

مثال سوم - در ترجمه «الا ان الله هو الغفور الرحيم» چه ظریف ترجمه کرده است آگاه باشید که الله اوست آن آمرزگار بخشاینده (جلد نهم صفحه ۱ سطر هفت)  
مثال - «والذين اتخذوا من دونه اولياء» جلد نهم صفحه ۷ سطر ۶ چنان ترجمه کرده است :

«وایشان که می‌خدایان گیرند فرود از او» که در این عبارت در قبال اولیاء خدایان و دون را فرود ترجمه کرده است و باز در همین صفحه در سطر ۶ (حقیق) را کوشنده و نگهبان و در سطر هجدهم در ازاء آیه «وما انت علیهم بوکیل» گفته است تو برایشان کارساز و گماشته و نگهبان نیستی بنابراین برای کلمه و کیل سه کلمه مترادف ذکر کرده است که دوتای آنها مرکب و یکی مفرد است.

همچنین در صفحه دوم جلد نهم سطر نهم «ام اتخذوا من دونه اولياء» را چنین ترجمه کرده است فرود از او خدایان گرفتند و یاران جستند. باز در این آیه اولیاء را مترادف کلمه خدایان ترجمه کرده است.

تراکیب بسیار نادر و فصیح که برای بیان پاره از مفردات قرآن آورده است و در سایر کتب تفسیر فارسی قبل از این کتاب اثری نیست بقرار زیر است :

اول - در جلد نهم صفحه ۲ سطر ۳ در آیه «وما اختلفتم فیه من شیئی» بمعنی هر چیزی که در آن مختلف شوید «جدا گزینی از هر چه بود» کلمه جدا گزینی بسیار ترکیب خوب و مفید معنی است.

### کتاب ترجمه و تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن

ابوالفتوح رازی هوالشیخ الامام الجلیل قدوة المفسرین ترجمان کلام الله

جمال‌الدین الحسین بن علی بن محمد بن احمد بن الحسین بن احمد الخزاعی الرازی است که در اثناء تفسیر در دو مورد اشاره باین موضوع نموده است که از اولاد یافع بن بدیل بن ورقاء بوده است .

اولی در تفسیر آیه «لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله اموا تابل احياء عند ربهم یرزقون» - (سوره آل عمران جلد اول صفحه ۶۸۳) -

دومین بار در سوره الفتح جلد ۵ صفحه ۱۰۳ در تفسیر آیه «هم الذین کفرو وصدوکم عن المسجد الحرام والهدی معکون ان یبلغ محله» -

بدیل بن ورقاء الخزاعی در سال چهارم هجرت در واقعه بئرمعونه بدرجه شهادت رسید . این خاندان مانند عده کثیری از خاندانهای عربی الاصل بعلمت طول اقامت در ایران وخلطه و آمیزش با ایرانیان بکلی ایرانی وزبانشان فارسی شد برای تکمیل فایده وایضاح احوال بیان میشود که عده از خاندان مؤلف کتاب اهل علم و فضل واز اجله علماء وفقهاء ومحمدثین شیعه امامیه بوده اند .

پدر مؤلف علی بن محمد بن احمد خزاعی است که در مستدرک الوسائل جلد ۳ صفحه ۴۸۸ در حق او گوید «وی از اجله فضلاء بوده است» .

ونیز دو پسر مؤلف شیخ صدرالدین علی و شیخ تاج‌الدین محمد بوده است که فقیه وفاضل ومتدین بوده اند (طبق فهرست منتخب‌الدین)

### شرح احوال مؤلف کتاب

قدیم‌ترین ترجمه که از او بدست است بقلم دونفر از معاصرین وشاگردان اوست .

یکی شیخ منتخب‌الدین ابوالحسن علی بن عبیدالله الحسین بن با بویه رازی .

دیگری رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب متوفی در سنه ۵۸۸

هجری قمری است پس از این دو در کتاب نزهت‌القلوب حمدالله ستوفی که در سنه ۷۴۰ تألیف شده نیز ذکر وی از مؤلف گردیده است .

ملا احمد اردبیلی متوفی در سنه ۹۹۳ در اواخر فصل راجع بمذهب صوفیه

وذم عقائد ایشان در کتاب عقائد حقیقه‌الشیعه طبع تهران سنه ۱۲۶۰ صفحه ۳ باحوال مؤلف اشاره مینماید .

### تحقیق تاریخی درباره چگونگی گرد آمدن قرآن

قرآن بطور متفرقه و تدریجی در مدت بیست و سه سال نازل شد زمانی یک آیه و موقعی چند آیه برحسب اجتیاجات و پیش آمدهای روزمره که باصطلاح شأن نزول نامیده می شود بدیهی است پاره از سوره ها در مکه و برخی در مدینه نازل گردیده است. بعضی از یاران پیامبر اکرم (ص) آنچه از قرآن نازل می گردید از پیش خود یا بفرمان حضرت روی سنگ و پوست و استخوان برگ خرمای نوشتند و نیز طبق اخباری که از صحابه رسیده است پیامبر یاران خود را در تقدیم و تأخیر محل آیات در سوره ها و حل مشکلات قرآن هدایت می فرمودند.

چندتن از صحابه و تابعین قرآن را باسلیقه خود تدوین و آنرا مصحف می نامیدند و نام خود را مضاف الیه این کلمه می کردند از آن جمله هستند مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام. ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت. مشهور است زید آخرین کسی بوده است که مصحف خویش را بحضرت عرضه و قرائت کرده است در کتاب بنام المصاحف سجستانی از مصحف های عبدالله بن عباس و عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر و عائشه و حفصه و ام سلمه اسم برده شده است.<sup>۱</sup> و نیز همان کتاب متضمن فصلی در مورد اختلاف مصاحف است. چنانکه قبلا اشاره گردیده است و در متون معتبر تاریخی مندرج است اولین شخصی که قرآن را جمع آوری نموده است امیر المؤمنین علی است.

### قرآن در زمان ابی بکر

و بعد از رحلت حضرت رسول در زمان خلافت ابی بکر چون عده زیادی از حافظین قرآن در جنگ یمامه کشته شدند عمر بن خطاب ب فکر جمع و تدوین قرآن افتاد و این مسئله را با خلیفه وقت در میان گذاشت.

۱- به صفحه ۸۱ الی ۸۷ کتاب المصاحف ابی بکر عبدالله بن ابی داود سلیمان بن الاشعث سجستانی منطبقه مصر سال ۱۹۳۶ رجوع شود.

۲- به سطر یازدهم صفحه ۵۰ الی ۷۳ کتاب المصاحف رجوع شود.

ابی بکر ابتداء از اقدام باینکار ابا نمود ولی در اصرار عمر راضی گردید و انجام این مهم را بزید بن ثابت که از اصحاب حضرت رسول و کاتب وحی و حافظ قرآن بود واگذار نمود. وی به کتابت و تدوین قرآن پرداخت و آنرا بابو بکر تسلیم نمود. نسخه مزبور در سیزدهمین سال هجری بدست عمر رسید. و پس از مرگ وی بدست حفصه دختر عمر و زوجه پیغمبر باقی بود تا در تدوین و جمع قرآن مورد استفاده عثمان واقع گردید و بعد از فوت حفصه بحکم عثمان نابود گردید.

### قرآن در زمان عثمان

علت جمع مصاحف دیگر و تدوین و تجدید کتابت قرآن در زمان عثمان این بود: حدیقه بن ایمان در جنگ ارمستان اختلاف قرائت های مسلمین را مشاهده کرد و قاریان قرآن را منحرف از اصل فطرت عربی خود یافت و کیفیت موضوع را باطلاع عثمان رسانید. عثمان قرآنی را که نزد حفصه بود مطالبه نمود و زید بن ثابت و عبدالله بن زبیر<sup>۱</sup> و سعد بن عاص و عبدالرحمن بن حارث را مأمور کتابت قرآن نمود و بقریشیان گفت در هر جا بازید بن ثابت اختلاف پیدا کردید و به لهجه قریش بنویسید زیرا که قرآن به لغت قریش نازل گردیده است و عثمان اینرا با نسخه سابق مقابله نمود و هفت نسخه از قرآن را کتابت نمود یکی را در مدینه نگاه داشت و برای هر یک از شهر های مکه و شام و یمن و بحرین و بصره و کوفه نسخه ای فرستاد. بعد عثمان مصحف ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود را باب شصت. نخستین قرآن که در عصر پیغمبر نوشته شده بود با خط حمیری بود و پس از آن بر حسب اشارت پیغمبر با حروف سریانی نگاشتند و از آن پس کاتبین وحی که از آن جمله مولی علی ابن ابی طالب و ابن عباس بودند قرآن را

---

۱- حدیقه بن ایمان اهل عراق فاتح همدان وری و دینور بود به صفحه ۸۱ تاریخ قرآن ابو عبدالله محمد زنجانی به صفحه ۲۱ سطر ۶ اعجاز قرآن و صفحه ۴۲ سطر چهارم الفهرست ابن الندیم مراجعه شود

۲- کتاب تاریخ قرآن زنجانی صفحه ۸۲ سطر ۸

باخط کوفی نوشتند تا زمان هارون الرشید قرآن را بر پوست می نوشتند. در زمان برمکیان قرآن را بگونه تومارهای بلندی روی کاغذ نوشتند مشهور است که وضع اعراب در قرآن در دوره عبدالملک بن مروان و در زمانی که زیاد بن سمیه والی بصره بود بدست ابوالاسود<sup>۱</sup> دئلی انجام گردیده است.

در اغلب ستون معتبر چنین درج گردیده است :

چون عجم با عرب اختلاط پیدا کرد. تحولی در زبان تازی آغاز گردید. مولی<sup>۱</sup> اسیر المؤمنین علی علیه السلام برای ابقاء لسان عرب با ابوالاسود دئلی اصول علم نحو را تعلیم داد و باین ترتیب مقدمات تدوین علم نحو را فراهم آورد.

---

۱- رجوع به سطر ۱۲ صفحه ۲۴ جلد اول کتاب مناهل العرفان فی علوم القرآن  
منطبعة مصر سال ۱۳۷۲ هجری قمری



## فهرست مندرجات

|        |                                                            |
|--------|------------------------------------------------------------|
| صفحه ۱ | مقدمه مؤلف                                                 |
| ۷ «    | شرح حال پروفیسور آربری                                     |
| ۹ «    | فصل اول مترجمین انگلیسی قرآن کریم                          |
| ۶۸ «   | فصل دوم مترجمین فرانسوی قرآن مجید                          |
| ۷۳ «   | فصل سوم مترجمین آلمانی قرآن کریم                           |
| ۸۶ «   | فصل چهارم مترجمین ایتالیائی قرآن کریم                      |
| ۸۹ «   | فصل پنجم مترجمین هندی و پاکستانی قرآن و سایر لهجه های هندی |
| ۹۷ «   | فصل ششم مترجمین ترکی افغانی و عبری قرآن مجید               |
| ۱۰۲ «  | فصل هفتم مترجمین فارسی قرآن شریف                           |
| ۱۱۳ «  | فصل هشتم گردآمدن قرآن                                      |

## فهرست تعلیقات

|           |                                                |        |
|-----------|------------------------------------------------|--------|
| فصل اول   | تحدی و معارضه قرآن                             | صفحه ۱ |
| فصل دوم   | تکرار و اشاره به قصص و وعد و وعید و مواعظ      | « ۱۱   |
| فصل سوم   | اعجاز و ماهیت آن                               | « ۱۵   |
| فصل چهارم | موقعیت کلمات در قرآن                           | « ۱۷   |
| فصل پنجم  | موسیقی قرآن                                    | « ۱۹   |
| فصل ششم   | در مورد رد تهمت ناروای لغزش به پیامبر اکرم (ص) | « ۲۱   |

## فهرست مراجع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- ترجمه تفسیر طبری
- ۳- کشف الاسرار و عده الابرار ابوالفضل رشیدالدین میبدی منطبعة دانشگاه تهران
- ۴- کتاب تفسیر روح الجنان و روض الجنان فی تفسیر قرآن ابوالفتوح رازی
- ۵- تفسیر لاهیجی
- ۶- ترجمه انگلیسی قرآن کریم در دو جلد با کوشش دانشمند بزرگوار پروفیسور آربری استاد کرسی عربی دانشگاه کمبریج
- ۷- ترجمه انگلیسی قرآن مجید بوسیله جورج سیل
- ۸- ترجمه انگلیسی قرآن بقلم رودول
- ۹- ترجمه انگلیسی قرآن بوسیله پالمر
- ۱۰- ترجمه انگلیسی قرآن بوسیله پیککسول
- ۱۱- ترجمه فرانسوی قرآن نگارش کازیمرسکی
- ۱۲- ترجمه فرانسوی قرآن بقلم ژول لا بوم
- ۱۳- ترجمه فرانسوی قرآن بسعی سیوری
- ۱۴- ترجمه فرانسوی قرآن باهتمام بارتلمی سنت هیلر
- ۱۵- دائرة المعارف فرانسوی
- ۱۶- دائرة المعارف انگلیسی
- ۱۷- اندیکس اسلامیکوس
- ۱۸- فهرست کتابخانه موزه بریتانیا
- ۱۹- ترجمه تاریخ طبری

۲. - کتاب المصاحف ابی بکر عبدالله بن ابی داود سلیمان بن الاشعث السجستانی
۲۱. - کتاب تاریخ تمدن اسلام گوستا ولبون
۲۲. - کتاب العقیده والشریعة گلدزیهر
۲۳. - کتاب قصص قرآن جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشمند
۲۴. - کتاب تاریخ ترک مرحوم دکتر رضانور منطبعة اسلامبول
۲۵. - کتاب تاریخ ادبیات جناب آقای دکتر صفا رئیس دانشکده ادبیات تهران
۲۶. - کتاب تفضیل الایات القرآن الحکیم
۲۷. - کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعه شیخ آقا بزرگ طهرانی
۲۸. - دیوان دین آقای حبیب الله نوبخت
۲۹. - کتاب تأسیس الشیعه
۳. - کتاب دراسات اسلامی گلدزیهر
۳۱. - تاریخ ادبیات عرب بقلم شیوای مرحوم رینولد نیکلسن
۳۲. - الفهرست ابن التمدیم
۳۳. - کتاب کشف الظنون حاج خلیفه
۳۴. - کتاب تاریخ قرآن کریم چاپ استانبول تألیف عثمان کس کی اوغلو
۳۵. - کتاب ملل ونحل شهرستانی
۳۶. - کتاب اقرب الموارد سعید الخوری الشرتونی اللبنانی
۳۷. - کتاب مجمع البحرین شیخ فخرالدین الطریحی
۳۸. - تفسیر سواکب بزبان ترکی
۳۹. - ترجمه قرآن حکیم ومالی کریم بزبان ترکی
۴۰. - ترجمه ترکی قرآن بوسیله عثمان نبی اوغلو
۴۱. - تاریخ ابرو القدا
۴۲. - سیره ابن هشام
۴۳. - الاتقان فی علوم القرآن تألیف علامه سیوطی

- ۴۴- اعجاز القرآن تألیف قاضی باقلانی
- ۴۵- کتاب تاریخ زندگانی محمد تألیف دکتر محمد حسین همکل
- ۴۶- کتاب تاریخ قرآن نولدکه آلمانی
- ۴۷- مجمل التواریخ والقصص
- ۴۸- تفسیر المیزان تألیف علامه معظم آقای حاج سید محمد حسین طباطبائی
- ۴۹- کتاب وجوه القرآن تألیف ابوالفضل جهیش بن ابراهیم تفلیسی به کوشش آقای دکتر محقق
- ۵۰- معجم البلدان یاقوت حموی

## تعلیقات

### تعلیقہ اول

#### تحدی و معارضه قرآن

لغت عرب در زمان نزول قرآن کریم باوج ترقی رسیده بود قبائل عرب بواسطه دقت فکری و ذوق فطری با وجود نداشتن شعور ملی و توجه تمام به تعصب قبیله فقط از نظر فصاحت و بلاغت بمنزله یک ملت بودند و مظهر حیات آن قوم در الفاظ آنان جلوه گر میشد. در پیش چنین قومی قرآن با فصیح ترین عبارت و بهترین اسلوب و معنی نازل شد و مالک وحدت عرب گردید که مرهون وحدت لغت بود و این کار اساس سیاست قرآن در پیشرفت مرام خود بود زیرا که اهمیت عرب با اهمیت لغت آنها پیوستگی داشت چون آن هنگام که قرآن بر لغت آنان چیره گشت و بر آنها در این جهت برتری یافت. اعراب در پیشگاه کلام فصیح و بی بدیل و نظیر قرآن زانو زده سر تسلیم فرود آوردند و هر عرب و سر لوحه افتخار قوم تازی فصاحت بود چون در مقابل قرآن ناتوان شدند و آثار انکسار و سر شکستگی در آنان نمودار گردید بناچار موقعیت خود را در سایر شئون زندگی نیز از دست دادند و مغلوب شدند با آنکه یاران پیامبر بسیار کم وعده منافقین و مشرکین و یهود خیلی زیاد بود دلاوران و سخن سنجان و سخن سرایان در بین آنان بسیار بودند زمانی در برابر پیامبر اسلام زبون گردیدند که عظمت قرآن در پیش چشمشان مجسم شد و یک کلمه از آن باندازه یک قصیده و یک خطبه مهیم در دل آنان تاثیر کرد و از آن پس بهواداری پیامبر اسلام قیام کردند و هر قطره حکم دریائی پیدا کرد و هر سری بقدر قبیله قدرت و قوت یافت.

این معنی بخوبی برای مسلمانان در آغاز فتوحات تا آن هنگام که رعب اسلام

در دل کفار قرار گرفت محسوس بود. مسلمانان برای هلاک دشمنان خود از این موقع استفاده می‌کردند و اگر این قبیل امور در کار نبود محال بود قوسی که دارای عده و جمعیت قلیل بودند بر ممالک نیرومند دنیا مانند ایران و روم چیره گردند با آنکه اشراف قریش و یهودان قبائل مختلف عرب را بچنگ مسلمانان تشویق می‌نمودند اعراب از مبارزه با یاران پیامبر اسلام و با پیکار بآیین نوحاسته اسلام با داشتن وسائل کافی خودداری می‌کردند زیرا که تلاوت هر آیه از قرآن در فکر و قلب و اعصاب آنان تزلزل وضعف و سستی ایجاد می‌کرد چنانکه اسلام عمر نمونه از این قبیل است و بعدی مشهور است که احتیاج بذکر ندارد و نیز ولید بن مغیره روزی بر پیغمبر وارد گردید حضرت رسول قرآن را براو خواند در او تأثیر کرد ابوجهل از این امر خبردار گردید و نزد ولید آمد و گفت طائفه مخزوم می‌خواهند برای تو مالی جمع کنند که تو نزد محمد نروی ولید گفت قریش میدانند که من از همه آنها ثروتمندتر می‌باشم ابوجهل گفت سخنی درباره محمد بگو که حاکی از کراهت تو باشد گفت چه بگویم بخدا قسم در بین شما مردی داناتر از من در انواع شعر و رجز و اشعار جتن نیست و آنچه محمد آورده بهیچ وجه شباهت بآنها ندارد و گفته‌های او دارای حلاوت و فوائد زیاد و نتایج بسیار میباشد و چیزی بر آن برتری ندارد و سخن دیگران را درهم می‌شکند سخنان او سحرآمیز است و انسان را سرور و مجذوب می‌نماید و اختیار از کف مردمی گیرد.

باری در بین عرب رسم چنان بود که در قصائد و خطب برای کسب آوازه و بلند نامی تعدی می‌نمودند بنابراین پیامبر با آنان تعدی کرد و آن را در چندین آیه ذکر نمود تا این ندا در طی زمان شنیده شود به نوع بشر معلوم گردد در سخنی که کانون فضیلتی عالم بود و طبق حکایت تواریخ اعراب اصیل در آن زمان از نظر سخن سرائی و نکته‌سنجی و ریزه کاریهای ادبی بجائی رسیده بودند که بی‌سابقه بود بطوری که نسل‌های بعد هم نتوانستند قدم در جای قدم آنها بگذارند.

گفتار آنها در قدرت بیان و رعایت تناسب مقام و رسا بودن عبارات و حلاوت تعبیرات با آخرین درجه کمال رسیده بود. قرآن بقدری که میسر بود غرور مخصوص

اعراب را تحریک کرد و آنها را بمبارزه و معارضه و تحدی دعوت نمود و مدتی مدیسه‌پری شد پاسخ‌خی جز عجز و ناتوانی نشنید .

در مقام تحدی ابتدا طلب معارضه بمثل قرآن بود سپس بده‌سوره از آن هر چند مطابق با واقع نباشد و فقط در آن نظم و اسلوب قرآن رعایت شده باشد و پس از آن تحدی قرین تهدید و توأم با توبیخ و سرزنش گردید چنانکه فرماید .

### (وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله)

یعنی هرگاه در آن چه ببنده خود فرو فرستادیم در شک و تردید سی باشید سوره‌ای چون آن بیاورید و اگر این کار نکنید و هرگز نخواهید کرد از آتشی که خداوند آن را برای کافران مهیا کرده است بپرهیزید .

در این آیه بآنها بطور قطع خبر داده است که مثل آن نخواهید آورد و غیر از خداوند از دیگر کسی چنین داعیه عظیم محال است و یک فرد عادی عرب توانائی اعلام چنین ادعا را ندارد .

سخن‌سرایان تازی این همه را شنودند و چون سلامت بار توأم به اشتغال نفی ابدی آن را دریافتند و به رسم مردم سقله چون از استدلال فروماندند از در بدگوئی و هرزه‌درائی و افترا وارد شدند و پیامبر اسلام را شاعر و مجنون نامیدند و برخی پافرا تر نهادند منشأ این فیض را بشخص عجمی نسبت دادند و آن را نقل از افسانه‌های پیشینیان پنداشتند ولی قرآن جواب دندان شکنی بآنها داد و گفت (وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ) سوره نحل آیه ۳ . ۱ .

بخوبی میدانیم که کافران میگویند قرآن را بشری باو می‌آورد با اینکه زبان آن کسی که قرآن را باو نسبت میدهند عجمی است و این قرآن زبان عربی روشن است .  
 با این حال چگونه ممکن است پیغمبر قرآن را از او آموخته برخی گفته‌اند پیامبر اسلام پاره‌ای از مطالب را از سلمان یاد گرفته است زیرا که سلمان از علمای ایران بوده و به مذاهب و ادیان آشنائی داشته است در حالیکه سلمان در مدینه ایمان آورد



و قسمت عمده قرآن در سکه نازل گردیده است و آنچه در سوره‌های مدنی از معارف و حقائق و تاریخ گذشتگان وجود دارد بطور کامل در سوره‌های مکتبی نیز هست پس سلمان و دیگران کدام مطلب تازه را آوردند اگر انجیل‌ها و تورات را هم بدیده تحقیق بنگریم سپس بقرآن مراجعه نمائیم و تاریخ انبیاء اسم را ملاحظه نمائیم خواهیم دید بین این دو تاریخ تفاوت زیادی است در کتب عهدین گناهان و لغزشها به پیغمبران بزرگ خدا نسبت داده شده است قرآن آنان را از این نسبت‌ها بری دانسته است از این گذشته در مندرجات عهدین مطالبی یافت میشود که نه مربوط بموضوعات دینی و نه اخلاقی و نه مذهبی است و شاید قسمت عمده آنها از همین قبیل باشد در صورتیکه مندرجات قرآن مربوط به مکارم اخلاق و احکام و مواعظ است. باری کفار قریش چون همه درها را بروی خود بسته دیدند لب فرو بستند و دست به شمشیر بردند ولی در این کار زار نیز مغلوب گردیدند و کسانی نیز که در صدد معارضه باقرآن برآمدند از انجام این مهم عاجز و ناتوان ماندند و چند نفر را در تواریخ نام برده‌اند از جمله مسیلمه کذاب و ابن مقفع بوده است که باجمال بذکر آن خواهیم پرداخت

## مسيلمه كذاب

از جمله کسانی که در صدد معارضه با قرآن برآمد مسيلمه كذاب بود اودر زمان حیات حضرت رسول بمدينه آمد و قبول اسلام کرد سری پرشور داشت نبوت را وسیله رسیدن بریاست پنداشت نامه به پیغمبر نوشت که او را در رسالت شریک گرداند یا بعد از وفات جانشین خود کند مسيلمه دریمامه بین طایفه بنی حنیفه زندگی می کرد حضرت رسول برای تعلیم اهل یمامه و تکذیب مسيلمه شخصی بنام نهارالرجال بآن سوی گسیل داشت ولی این مرد قلب ماهیت کرد طرفدار مسيلمه شد پیش مردم اظهار نمود پیامبر اسلام مسيلمه را شریک خود کرده است و نیز درباطن امر آنچه از آداب و سیر و اصول معجزه ها که از حضرت رسول دیده و شنیده بود بمسيلمه یاد داد وی بدین وسیله خود را شبیه حضرت محمد (ص) نمود در تمام موارد که در صدد معارضه با پیغمبر برآمد رسوا گردید .

قرآنی ترتیب داده بود چون سخن کاهنان مسجّع و متضمن شرح حوادثی بود که برای او رخ میداد و جواب سؤالاتی که از او می نمودند از جمله آیات وی این است الشاة السوداء واللبن الابيض انّه لعجب محض . یعنی قسم بگوسفندان و رنگهای آنها و دنبه های سیاه و سینه و میان آنها و گوسفندان سیاه و شیرهای سفید خیلی شگفت آور است آمیختن شیر با آب . چرا شیر را با خرما مخلوط نمی کنید و نیز در مقام معارضه با سوره فیل گوید «الفیل ما الفیل وما ادراك ما الفیل له ذنب وئیل وخرطوم طویل» .

یعنی فیل چیست آن فیل را از کجا میدانی که فیل چیست او را دمی تابیده  
 و خرطومی دراز است بنابراین تمام سخنان او بر این روش واهی و سخیف است که  
 نظم آن مضطرب و معانی آن مبتذل می باشد و در مقام مقایسه با آیات قرآن سخافت  
 آن مثل روز روشن و عیان است و نیازی با استدلال ندارد .

## کسانی که ادعای نبوت کردند

### صلیحه بن خویلد اسدی

از کسانی بود که ادعای پیغمبری کرده ولی در سال نهم هجرت اسلام آورده بود. و بعداً دعوی رسالت نمود او مردی دلیر بود و کتابی برای خود ادعا نکرده است ولی تعدادی از کلمات او را با قوت در معجم البلدان آورده است.

نبوت را وسیله رسیدن بریاست و جاه و جلال می پنداشت و قبیله اش بملاحظه تعصب با و گرویده بودند. خالد بن ولید از طرف ابوبکر مأمور دفع فتنه او شد. در هنگامی که مسلمانان آماده جنگ بودند و مبارز می خواستند او خود را در عبائی پیچیده بود و منتظر وحی بود و رئیس قبیله بنی فزاره پیوسته از وی می پرسید که وحی نازل شد یا نه و او جواب منفی میداد تا بالاخره دریافت که او از رسالت بهره ندارد و بسوی قوم کرد گفت ای افراد قبیله نبوتی در کار نیست ولی از قومیت خود دفاع کنید بنا بر این شمشیر از نیام در کشید و بعرصه کارزار شتافت و کشته شد و این غائله پایان یافت.

## ابن مقفع

در عهد خلافت مهدی عباسی عده‌ای از فضلاء که سر دسته آنها ابن مقفع معروف بوده در صدد نوشتن تفسیر قرآن برآمدند و برای انجام این منظور ابن مقفع را در سرای خالی به نشانند چنانکه هیچ چیز خاطر او را مشغول به خود نکند و او مشق همی کرد و همی نوشت بعد از شش ماه یاران پیش او رفتند و گفتند در این مدت چه کرده‌ او خوارها کاغذ نوشته بود و باطل کرده و آن کاغذها را انبار کرده بود. ابن مقفع گفت چندین روز کار بآیتی درمانده‌ام و اینهمه طومارها نوشته‌ام و هرگز مانند شبیه قرآن ننموده صالح بن عبدالقدوس گفت کدام آیت است گفت در قصه نوح می‌گوید . «و قیل یا ارض ابلعی ماءك و یاسماء اقلعی و غیض الماء و قُضی الامر و استوت علی الجودی»

گفتند برخیز و بیرون آی که اینکار نابودنی است چون در شش ماه عوض آیتی نتوانستی کرد همه قرآن را چون توان .

ولی این امر بعید بنظر میرسد چه ابن مقفع از بزرگان علم و ادب بوده و از همه کس باصول بلاغت آشناتر بوده و نیک میدانسته است که معارضه باقرآن ممکن نیست. بنابراین انتساب این عمل به ابن مقفع و ابن سینا محال می‌نماید و اینهمه جز پندار پاره ملاحظه بیش نیست ، و از منشا حسد ابناء زمان سرچشمه گرفته غرض آنان بدنام کردن فحول رجال ادب و دانش بوده است .

۱- عبدالله ابن مقفع مترجم کتاب کلیله و دمنه و خدای نامه عربی ،

۲- نقل از مجمل التواریخ صفحه ۳۳۸ از سطر ۸ - الی ۱۸ .

## سجاح دختر حارث

زنی که ادعای پیغمبری کرد سجاح دختر حارث از قبیله بنی تمیم بود. آئین ترمائی داشت از تربیت و تهذیب علماء نصرانی بهره‌ور بود. ترک کیش عیسی گفت و پس از وفات پیامبر دعوی نبوت کرد او بر ساء قبائل میگفت من زنی بیش نیستم اگر سلطنت پیدا شود از آن شما خواهد بود لذا آنان بدو گرویدند کارش بالا گرفت. ابتدا بچنگ مسیلمه کذاب رفت مسیلمه از او بیمناک گردید و از در صلح درآمد و تقاضای ازدواج با او نمود آیاتی چند از آیات انشائی خویش بروی خواند چون بدین آیه رسید .

فَتَوَلَّجُ فِيْهِنْ اِيْلَاجاً ثُمَّ تَخْرُجُهَا اِذَا تَشَاءُ اخْرَاجاً فَيَنْتَجِنُ لِنَاسِخَالاً اِنْتَا جَا ۛ

معنی فارسی آن بسیار زشت و رکیک است حکایت از شهوت مفرط و زالت و پستی می‌نماید عجباً سجاح بعد از شنیدن آن آیه با تقاضای وی موافقت نمود ایندو پیامبرد روغین ازدواج کردند .

مسیلمه بدین وسیله میخواست بر تعداد یاران خود بیفزاید بحکایت طبری در آن هنگام که بطرف قوم خود برگشت باو گفتند مسیلمه چه مهریه برای تو تعیین کرد گفت مسیلمه دو نماز از نمازهایی که محمد آورده است از قبیل صبح و عشاء بصداقیه من از شما برداشت و طبق روایات اغانی عوام بنی تمیم نماز عصر را نمی‌خوانند (میگویند این نماز بواسطه مهریه دختری از طایفه ما برداشته شده است) و این حکایت ثابت می‌نماید که ایمان آنان صرفاً روی عصبیت قومی بوده و این است وضع کسانی که در مقام تعبدی برآمده و ادعای رسالت نموده‌اند .

## ابن راوندی

ابوالحسن احمد بن یحیی معروف بابن راوندی از اهل مروالروز و مقیم بغداد بود. گویند پدر او یهودی بوده و اسلام آورد و بعضی از یهود گفتند پدرش کتاب ما را تباه کرد و پسرش نیز کتاب شما را تباه می کند. ابوالعباس طبری نوشته است. ابن راوندی بر مذهب بی استقرار پیدا نمی کرد. برای یهود کتابی در رد اسلام بنام (البصیره) در مقابل چهارصد درهم تألیف نمود پس از تمامیت آن در مقام رد آن برآمد و صد درهم گرفت و از آن خودداری کرد.

بلخی در کتاب محاسن خراسان گوید که ابتدا وی پاك عقیده بود ولی تغییری در احوال او پیدا آمد و خلمی در خرد او ایجاد گردید. تألیفات وی همه حکایت از اتحاد و زندقه می کند از آن جمله کتاب (التاج) می باشد که موضوع قدم عالم را بحث و اثبات می کند.

کتاب دیگر او الزمرد است که در این کتاب رسالت را ابطال می نماید وجه تسمیه کتاب از لحاظ خواص زمرد است که گویند چون مار باو نظر کند چشم او آب می شود. این کتاب را نیز اگر مخالف باو نظر کند بدن او ذوب گردد. برای قیاس<sup>(۱)</sup> است. تمام دلائل او سست و افکار و عقائدش سخیف و آرائش علیل بوده است ابوالفداء مرگ او را در سال ۲۹۳ نوشته است.

---

۱- ابوالفداء، اسماعیل بن علی بن محمود بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ایوب، ملقب به الملک المؤید. شاهنامه از مورخان و جغرافی دانان بزرگ اسلام است در شهر حماة در گذشت (الاعلام ص ۱۰۹).

## تعلیقات

### فصل دوم

#### تعلیق در موضوع تکرار و اشاره به قصص و وعد و وعید و مواعظ

چون قرآن در مقام تحدی بیک سوره کوچک اکتفا نمود بعضی می پنداشتند که آوردن سوره کوچک کار آسان باشد ولی توفیق نیافتند و آنگهی اگر معارضه امکان پذیر باشد کم یا زیاد در آن فرقی نخواهد داشت بنابراین نکته باریک تر زواینجاست علت تکرار موضوعات مختلف که درباره تاریخ وقصه ها و وعد و وعید و مواعظ و احتیاج می باشد معلوم می گردد زیرا که قرآن یک موضوع را در مورد متعدد و به تعبیرات مختلف بیان نموده تا آنکه ناتوانی تازیان و مدعیان راعلی العموم به اتیان مثل هریک از تعبیرات نسبت بیک معنی به ثبوت برساند و بعضی از ارباب غرض باین نکته توجه نکرده و تکرار قرآن را حمل بر ضعف آن دانسته اند جاحظ در مورد تکرار چنین گوید :

سر تکرار در قرآن اختلاف موارد خطاب آن نسبت به مخاطبین می باشد دریک جا یهود و دریک مقام عرب و در موقع دیگر کسان دیگری مورد خطاب می باشند قرآن به تناسب مقام صورت خطاب را با آنکه اصل موضوع یکی است تغییر داده است در هنگام مخاطبه با اعراب کلام را مختصر و موجز آورده و در مقام مخاطبه با یهود به تفصیل پرداخته است

و نیز تکرار علت آموزش و پرورش دیگر داشته است غرض قرآن آموختن توحید



و تربیت و تهذیب مردم بوده و مربی از تکرار موضوع برای تفهیم آن بنحو مطلوب ناگزیر است. (بقول معروف خاك از تاب مكرّر زرشود). تکرار نصایح و مکارم اخلاق در ذهن ساده اعراب بدوی یا هر کس دیگر شائبه شک و تردید را باطل می گردانید.

قرآن میزان سنجش حق و باطل است سخن شوخی نیست ظاهری و باطنی دارد ظاهرش دانائی است و باطنش علم است بیرونش زیبا و درونش عمیق است. پاره از آن گواه پاره دیگر است.

اگر کسی در وجوه معانی قرآن تأمل کند در خواهد یافت که یک کلمه بترتیب مورد دارای معانی و مفاهیم متفاوت می باشد متهی بی اطلاعی و تنگ حوصله بودن و تمایل به انتقاد بی جا عده را از صراط مستقیم منحرف نموده است.

مثلاً اگر کلمه کفر را در نظر بگیریم طبق مندرجات کتاب تفسیر المیزان ج ۱ ص ۶۴ س ۹ در درجات مختلف پنج معنی و مفهوم و بیان متفاوت برای این کلمه ذکر کرده است ۱ از قبیل کفر انکار ۲ کفر ترک دستور ۳ کفر بیزاری ۴ کفر نعمت که برای مزید اطلاع بهمان کتاب مراجعه فرمایند.

در مورد قصص باید در نظر داشت گرچه در تنزیل عزیز قصص پاره امم و اقوام و افراد وارد شده است امّا غرض از ایراد قصه ها بیان وقایع تاریخ نیست زیرا که غرض تاریخ بیان جزئیات حوادث و تعیین زمان حدوث وقایع است در صورتیکه قرآن مجید صریحاً توجه باینگونه تعلیمات را بی اهمیت شناخته است چنانکه نسبت به تعداد افراد اصحاب کهف و همچنین درباره عدد قوم یونس عبارات قرآنی حاکی از عدم عنایت به اینگونه تشخصات و تعدادهاست.

بنابراین منظور از ذکر قصص در قرآن مجید پند و اندرز و بیان عبرت است بحکم نصّ تنزیل برای هدایت پراست و دعوت بسوی حق سه طریق مشخص است و آن سه عبارت از حکمت و وعظ حسنه و جدال بوجه نیکو است از خلال قصه ها و حدیث دیگران چهره زیبای مواظ نمایان می گردد و چون بطریق غیر مستقیم گفته

می شود سلال آور نیست اثرش در ذهن شغونده باقی میماند توجه او را بسوی خود جلب می کند مایه عبرت اومی گردد . قصص قرآنی با داستانهای تورات و کتب دیگر این تفاوت را دارد که بوجه احسن قصه شده است همه عبرت آمیز است با دعوت بتوحید آغاز می شود و آینه وار مقاومت و مجاهده مردان راه حق و عناد و لجاج مخالفین را نشان میدهد ، در پایان هر داستان مردم نادرست و خائن بفرجام بدی دچار می شوند گروندگان و نیکوکاران رستگار می گردند .

انبیاء هرچه می کنند در راه رضای خداست و در راه ابلاغ وظیفه رسالت است که از طرف پروردگار در عهده آنان گذاشته شده است پیامبران خیر خواه و سهربان هستند پند و اندرز میدهند با مردم تند خو و بی سروسامان و عنود و لجوج سرکار دارند و به بیمارانی مانند که از درمان گریزانند و طیب را دشمن جان پندارند ، برخی می گویند فرشته ای باید مأمور هدایت آدمیان شود . عده از پیاسر خود مائده آسمانی می خواهند ، قرآن مجید با اصول حقه اینگونه امور اشاره می کند و به حقیقت وقایع رهبری می فرماید تا ارباب خرد در آن بیندیشند و اگر بخواهند حقیقت واقعه تاریخی را دریابند و گرنه بعبرت و موعظه ای که حاصل داستان و مشهود اصل است اکتفا کنند . تکرار پاره داستان ها در قرآن کریم چنان با اصول بلاغت تنظیم یافته که سرتاسر عبرت و حکمت است . گاهی قصه موجز است و زمانی مفصل .

پاره اوقات داستان از ابتدا شروع می شود و موقعی یک واقعه مهم داستان بعنوان سبب اختیار می گردد گاهی چند قصه کوتاه در ردیف هم قرار می گیرد تا ارباب خرد و اصحاب عبرت این داستانها را با هم مقایسه نمایند و اصول لایتغیر اجتماعات و وحدت مبانی ادیان را دریابند .

پیامبر اسلام اسی بود استاد نادیده و درس ناخوانده ، مدرک و سندی که دلالت بر مصاحبت و معاشرت حضرت محمد با اخبار یهود نماید بدست نیامده است

مع الوصف همه قصص قرآن در کتب انبیاء ماضی اصل و مبدئی دارد و این خود نشان صدق نبوت حضرت ختمی مرتبت است و قرآن کریم در اغلب موارد باین موضوع اشاره می نماید «پیش از نزول قرآن کتاب خوان نبود و بدست خویش کتابی نمی نوشتی و گرنه ابطالگران از کار قرآن بشک درمی شدند (آیه ۸۴ از سوره عنکبوت) .

«وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ يَمِينُكَ إِذًا لَا رَتَابَ الْمُبْطِلُونَ

## تعلیقات

### فصل سوم

ردّ اعتراض کسانیکه در اعجاز قرآن بشک اندرند (از تفسیر المیزان جلد اول  
چاپ قم صفحه ۷۱)

#### اعجاز و ماهیت آن (مربوط به صفحه ۳۶)

این مطلبی را که قرآن ضمن این آیه دربارهٔ معجزه بودن خود گفته و منکرین را دعوت بمقابله نموده است در واقع بازگشت بدو ادعا می کند یکی وقوع اصل معجزه و دیگری بودن قرآن از مصادیق آن. ناگفته پیداست اثبات مدعای دوم برای اثبات مدعای اول هم کافی است یعنی اگر ثابت کنیم قرآن معجزه است معلوم میشود وقوع اعجاز در خارج مانعی ندارد و اتفاقاً هم قرآن از این راه وارد شده و بوسیلهٔ تحدیدی هر دو نتیجه را گرفته است فقط این سؤال باقی میماند که اساساً چگونه اعجاز صورت پیدا میکند با اینکه برخلاف جریان طبیعت است زیرا که طبق جریان معمولی طبیعت هر چیزی سبب معهودی دارد و این قانون علیت استثنائی برنمیدارد و تخلف ناپذیر است قرآن پاسخ این سؤال را میدهد و حقیقت مطلب را بیان میکند بنابراین بحث قرآن در دو قسمت میباشد.

۱- وجود اعجاز و اینکه یکی از مصادیق آن قرآن است قرآن این دو موضوع را بوسیلهٔ تحدیدی اثبات میکند.

۲- بیان حقیقت اعجاز و اینکه چگونه ممکن است حادثه ای برخلاف جریان طبیعت واقع شود و کلیت قوانین عادی طبیعی را نقض کند ما هر یک از این دو قسمت را جداگانه مورد بحث قرار میدهم.

## اعجاز قرآن

تردیدی نیست که قرآن در آیات متعددی (اعم از مکتبی و مدنی) دربارهٔ اعجاز خود دست به تحدی زده و تمام این آیات می‌رسانند که قرآن معجزه و خارق عادت است حتی آیه سابق «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» اگر چه ضمیر مثله را نیز به پیغمبر (ص) برگردانیم بطور مستقیم متضمن استدلال بر اعجاز قرآن است منتها از راه تحدی باوردن سوره‌ای مشابه سوره‌های قرآن از فردی مانند پیغمبر (ص) و بطور غیر مستقیم دلالت بر نبوت پیغمبر اسلام می‌کند شاهد این سخن اینست که در ابتداء آیه می‌فرماید: اگر در آنچه بر بنده خود فرستاده ایم تردید دارید نفرموده: اگر در نبوت بنده، ما تردید دارید - بهر حال هر یک از تحدی‌هایی که در قرآن واقع شده متضمن یک نوع استدلال بر اعجاز قرآن است.

منتها این آیات از نظر عمومیت باهم تفاوت دارند مثلاً آیه شریفه «قُلْ لَّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» اسراء - ۹ که از آیات مکتبه است و بخوبی دلالت بر تحدی عمومی قرآن دارد باین معنی که این تحدی نه تنها از نظر فصاحت و بلاغت و اسلوب قرآن است زیرا اگر چنین بود میبایست تحدی مخصوص به جمعیت و دسته معینی یعنی عرب خالص از اعراب جاهلیت و مخضرمین (اعراب زمان جاهلیت و اسلام را هر دو درک کردند) قبل از آنکه زبان اهل آنها آلوده شده باشد در حالیکه اینطور نیست و آیه با صدای رسا عموم اهل جهان را بمقابله و معارضه دعوت می‌نماید.

## تعلیقات

### فصل چهارم

#### موقعیت کلمات در قرآن

از آنجا که اساس نظم قرآن بر آن است که برای هر کدام از حرکات و حروف معنایی منظور نماید محال است در آن حرف و یا کلمه زائد یافت شود و یا حشو و اعتراض و نظایر آن راه یابد و همچون نظام تکوینی که هر موجودی برای غرضی ایجاد شده است در قرآن نیز هر حرف و یا کلمه برای معنایی ترکیب گشته بطوری که اگر آن کلمه یا حرف برداشته شود سستی و نارسائی کلام محسوس می گردد و یا اگر بخواهند بجای آن کلمه دیگری بگذارند محال است چیزی جای گزین آن شود و بقامت آن معنی که در قرآن ذکر شده است راست و درست آید و این یکی از مهم ترین اسرار اعجاز قرآن است که اعراب آنرا احساس نموده اند و اگر نمیتوانستند در موقع یک کلمه و یا یک حرف اعتراضی نمایند بدون تردید آنرا اظهار میداشتند زیرا این روش در میان آنها در مقام معارضه در قصاید و خطب معمول بوده است .

و در یک معنی که از آن با الفاظ متعدد تعبیر می شود بارعایت فصاحت و بلاغت دقیق ممکن نیست هیچ کدام بجای دیگری بکار رود زیرا هر لفظی دارای موقع مخصوصی است و این معنی کاملاً در نظم قرآن و روابط بین الفاظ و معانی و فصاحت و سلاست الفاظ رعایت گردیده و هیچ گونه سهو و خطائی در آن راه نیافته است و این از مختصات قرآن است و کسی نیز مدعی آن نگشته و قرآن از این جهت مافوق قواعد لغوی و ادبی می باشد .

گوئی آن الفاظ و معانی که در قرآن بکار رفته است سنجی دیگر از اصوات و حروف و معانی می باشد زیرا در ترکیبی که ما فوق ترکیبات معمولی است قرار گرفته و گوئی از رشته الفاظ خارج گشته و در طبقه معانی داخل شده است و دارای همان تأثیرات که معانی در نفوس دارد می باشد .

## تعلیقات

### فصل پنجم

#### موسیقی قرآن

اعراب در تألیف حروف و تنظیم لهجه هاملتزم بطریقه فنی صحیح از موسیقی نبوده اند و بهر نحو که پیش می آمده است از آن تبعیت می کرده اند و ترجیع صوت بدون آنکه به تغییر حروف نظری داشته باشند اکتفا می نمودند هنگامی که قرآن نازل گردید در حروف و کلمات و جمله های آن الحانی از موسیقی فنی یافتند که پیش از آن بنظیر آن سابقه نداشتند و از اینجا راهی دیگر از اعجاز برای آنها کشف گردید . کسانی که بر موز موسیقی آگاهی دارند میدانند که در موسیقی عربی هیچ تناسبی مانند آن تناسب که در کلمات و حروف و اصوات قرآن می باشد وجود ندارد و این معنی بهیچ وجه قابل انکار نیست .

حتی کسانی که در مقام معارضه باقرآن برآمدند مانند مسیلمه و دیگران تنها بالحانی که مخصوص باصوات است اکتفا کرده و با عباراتی مسجع و یا مقفی که خالی از الحانی که مربوط بترتیب حروف بود، سرگرم می شدند و با مقایسه بین خواندن عبارات فصیحی عرب بطرز خواندن قرآن و طریقه ادای آن اهمیت این معنی بخوبی معنوم می گردد و انحطاط آنها نسبت بقرآن از این جهت نیز ثابت می شود زیرا ترتیبی که در روش قرآن از نظر جهر و همس و شدت و رخوت و تفخیم و ترقیق و جز اینها از صفات لفظی که در قرآن مراعات گردیده است بهیچ وجه با روش سایر عبادات عرب مربوط نبود ، و با طریقه آنها سازگار نمی باشد .

این نظم و ترتیب در قرآن تنها وسیله ای بود که طبع عرب را صفا داد و آنانرا



دارای ذوق موسیقی گردانید و بطریقه دیگری از نظم و اسلوب آشنا ساخت که بانظیر آن سابقه نداشتند و از سجع و ترسیل که بین آنها معمول بود دست کشیدند و اگر قرآن نمی بود اعراب تمام فضائل ادبی خود را از دست میدادند و برای آنها جز یک سلسله لغات عامی باقی نمی ماند .

## تعلیقات

### فصل ششم

#### در مورد ردّ تهمت ناروای لغزش به پیامبر اکرم (ص)

منظور از این لغزش مسئله زوجات پیغمبر است. اعتراض پاره از خاورشناسان بیشتر در موضوع زینب دختر جحش و خویشاوند حضرت رسول وزن زید آزاد شده پیامبر دور میزند.

حضرت محمد (ص) با زینب دختر خزیمه ازدواج کرد پس از آن ام سلمه دختر امیه را بزنی گرفت. بعد از آن زینب دختر جحش را که شوهرش زید بن حارثه او را طلاق داده بود بعقد خود درآورد.

زید بن حارثه همان کسی است که خدیجه او را بخريد و به محمد بخشید که او آزادش کرد و پسر خویش خواند. در اینجاء از خاور شناسان و مبلغان بانک میزنند نگاه کنید محمد ص که در مکه مردم را به قناعت و زهد و توحید و گذشتن از لذایذ این جهان ناچیز میخواند مردی شهوت پرست شده با آنکه سه زن در خانه داشت باز هم سه زن گرفت و باین هم اکتفا نکرد بعد از آن ها نیز سه زن دیگر گرفت بگرفتن زنان بی شوهر قناعت نکرد به زینب دختر جحش که در قید ازدواج زید بن حارثه آزاد شده خود بود دل بست برای آنکه یک روز در غیاب زید بیخانه او گذشت و زینب از او استقبال کرد در آن هنگام زینب لباسی پوشیده بود که جمالش را آشکار ساخت و در دل محمد کارگر شد باینجهت گفت «سبحان مقلب القلوب» و هنگام برون رفتن این عبارت را تکرار کرد زینب آنرا بشنید و آثار عشق را در چشمان او دید برخویشتن ببالید و آنچه را شنیده بود با زید گفت زید بفوریت پیش پیغمبر رفت و اظهار داشت که حاضر است زن خود را طلاق گوید. پیغمبر بدو گفت زن خود

را نگهدار و از خدا بترس ولی زینب پس از آن با زید نساخت ناچار او را طلاق داد . محمد از گرفتن او خودداری کرد . ولی دلش بدو مشغول بود تا این آیه نازل شد سوره احزاب آیه ۳۷ « وَاِذْ تَقُولُ لِلَّذِي اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاَنْعَمْتَ عَلَيْهِ اَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللّٰهَ الْخ . یعنی هنگامی که میگوئی توباً آنکس که خدا بدو نعمت داد و تو نیز با او نیکی کردی زن خود را نگاهدار و از خدا بترس و نهان میکنی در دل خود آنچه را که خدا آشکار خواهد کرد از مردم بپرسی ولی خدا سزاوارتر است که از او بترسی وقتی زید حاجت خود را از او برآورد وی را بتو دادیم تا بر مؤمنان در گرفتن زنان پسر خواندگان خویش در صورتیکه حاجتی از آنها برآورده باشند زحمتی نباشد و فرمان خدا انجام شده است . در این موقع پیغمبر او را بزنی گرفت . آب و تاب دادن بموضوع مزبور و آنرا از رنگ اصلی اش درآوردن از مبدعات خاورشناسان می باشد .

شیوه مدعیان بر اساس این است که تمام ایرادات را از کتب مربوط و تفاسیر قرآن اخذ می کنند از قبیل تفسیر کبیر امام فخر رازی ولی به توضیح رفع اشکال و به جواب ایراد توجه نمی کنند و تعصب و غرض خود را ظاهری سازند . اولاً می توانیم در جواب همه این سخنان بگوئیم بفرض محال اگر تمام این سخنان راست باشد هیچیک از آنها با بزرگی و پیغمبری محمد منافات ندارد اصول و قواعدی که بر مردم عادی جاری است بر بزرگان نفوذ ندارد و سزاوار است که بر پیغمبر نیز نافذ نباشد مگر موسی نبود که دو تن را در کشمکش دید که یکی از پیروانش و دیگری از دشمنانش بود و آن کسی را که از دشمنان بود بزد و به کشت . این کشتنی ناروا بود که نه در جنگ رخ داد و نه در حالی نظیر جنگ و این مخالف قانون است ولی موسی مطیع قانونی نبود و این حادثه با پیغمبری و بزرگواری او منافات نداشت . عیسی از این جهت که مطیع اصول و قواعد عادی نبود از محمد ص و موسی و سایر پیغمبران جلوتر بود زیرا کار او در حدود بسط نفوذ و اشباع میل متوقف نماند بلکه تولد و زندگانی او

مخالف قوانین و رسوم طبیعت بود . روح خدا بصورت انسانی بر مادر او ظاهر شد تا پسری پاکیزه باو بخشد. مریم از کار او در عجب شده و گفت چگونه پسری خواهم داشت در صورتیکه آدمی بمن نرسیده است و بدکار نبوده ام (رجوع شود بداستان تولد حضرت عیسی). گرچه دانشمندان یهود همه این چیزها را انکار می کنند و عیسی را به یوسف نجار نسبت میدهند و در عصر ما نیز بعضی دانشمندان این گفتار را اختیار کرده اند ولی عظمت و پیغمبری عیسی نشان میدهد که خدا بخاطر او قواعد طبیعت و قوانین خلقت را تغییر داده است عجب اینجاست که مبلغان مسیحی دیگران را دعوت می کنند که درباره تولد عیسی به تغییر رسم گیتی معتقد شوند ولی حادثه را که کوچک تر از آن است بر محمد ص عیب می گیرند در صورتی که مسلماً حوادثی که مخالف قوانین و رسوم اجتماع است درباره بزرگان رواست .

«محمد تا پنجاه سالگی جز خدیجه زنی نگرفته بود» - محمد خدیجه را در بیست و سه سالگی یعنی در بهار جوانی بزنی گرفت با وجود این بیست و هشت سال تمام خدیجه تنها همسر او بود . در آن روزگار داشتن چند زن در میان عرب شایع بود بعلاوه محمد ص الله مطابق رسوم آن زمان حق داشت با وجود خدیجه زنی بگیرد زیرا پسری از او زنده نمانده بود و عربها دختران را زنده به گور می کردند و تنها پسران را در ردیف فرزندان بشمار می آوردند محمد ص الله هفده سال پیش از بعثت و یازده سال پس از آن با خدیجه زندگی کرد و هیچ وقت بفکر نیفتاد جز او کسی را در زندگانی خود شریک سازد . در آن عصر زنان حجاب نداشتند و زینت خود را آشکار می ساختند بعداً اسلام این کار را حرام کرد با وجود این محمد ص کسی نبود که بر زیبایی زنان فریفته شود و در زندگانی خدیجه پیش از ادواج با او باینکار معروف نبود با این ترتیب عجیب است که پس از پنجاه سالگی ناگهان عوض شود و باینکه پنج زن داشت و از آن جمله عایشه بود که در تمام عمر خود او را دوست میداشت بیک نظر دلباخته دختر جشش شود و شب و روز در فکر او باشد و نیز عجیب

است که پس از پنجاه سالگی باقتضای دوستی زنان در فاصله پنج سال بیش از هفت زن و در ظرف هفت سال بیشتر از نه زن بگیرد سخنانی که نویسندگان مسلمان درباره زن دوستی محمد ص می گویند و نویسندگان فرنگی نیز با آنها هم سخن می شوند چنان ناپسند و پوچ است که درباره مردان عادی و مادی نیز روا نیست چه رسد بمرد بزرگی که پیغمبری او صحنه زندگانی و جریان تاریخ جهان را عوض کرد و می تواند بار دیگر نیز خط سیر تاریخ را تغییر دهد .

### «درین زنان محمد فقط خدیجه فرزندی باقی گذاشت»

اگر تغییر ناگهانی محمد ص عجیب و غیر طبیعی باشد این حادثه نیز عجیب بنظر میرسد که بیش از پنجاه سالگی از خدیجه چند فرزند پیدا کرد و درس شخصیت سالگی نیز زن او ماریه پسری بنام ابراهیم آورد ولی بجز این زن سایر زنانش که بعضی جوان و بعضی مابین سی و چهل سال یا بیشتر بودند در هر صورت صلاحیت آوردن فرزند داشتند هیچ کدام فرزندی نداشتند . این حادثه عجیب را که درباره نه زن رخ داد و برخلاف جریان عادی و امور طبیعی است چگونه تفسیر می کنند ؟ محمد ص اگر چه بواسطه مقام پیغمبری از لحاظ روحی پدر همه مسلمانان بود ولی مسلماً از این جهت که انسان بود بداشتن فرزند علاقه داشت .

بیست و هشت سال چنانکه گفته شده با خدیجه زندگانی کرد و جز او کسی را در زندگانی خود شریک نساخت وقتی خدیجه وفات یافت سوده را که بیوه سکران بن عمرو بود بزنی گرفت هیچ کس نگفته است که سوده، جمال یا مال و مقامی داشت که بتوان گفت این ازدواج بخاطر آن رخ داده است . سوده ، زن یکی از مسلمانان اولی بود که در راه دین رنج برده با مسلمانان به حبشه مهاجرت کرد بود سوده نیز با شوهر خود به حبشه رفت و در رنج و محنت شریک وی بود محمد ص او را بعقد درآورد تا زندگی آنها را مرتب کند و وی را از افتخار همسری خود بهره مند سازد و اینکار از هر جهت سزاوار قدردانی و ستایش است . عایشه و حفصه دختران ابوبکر و عمر بودند و محمد ص میخواست بوسیله رشته خویشاوندی آنها را با خود مربوط سازد .

چنانچه برای همین منظور علی و عثمان را به دامادی خود انتخاب کرد. علاقه و محبتی که نسبت به عایشه داشت بعد از ازدواج بوجود آمد و در هنگام ازدواج وجود نداشت از اینجهت نمی توان گفت او را باقتضای محبت بزنی گرفت زیرا موقعی که از عایشه خواستگاری کرده هفت سال داشت و دو سال پس از آن زفاف رخ داد نمی توان باور کرد که محمد ص او را در سن هفت سالگی دوست میداشته است. دلیل دیگر بر تائید این مدعا این است که پیامبر مطابق گفتار عمر نسبت به حفصه علاقه نداشته و بوجود این او را بزنی گرفت. عمر گوید بخدا ما در عصر جاهلیت زنان را در کاری به حساب نمی آوردیم تا خدا آیاتی نازل ساخت و برای آنها نصیبی قرار داد. هنگامی که من در کاری مشورت می کردم زنم گفت چنین و چنان کن گفتم کار من به توجه مربوط است گفت عجب است که نمی خواهی کسی در کار تو مداخله کند. دختر تو با پیغمبر خدا مناقشه می کند بحدی که تمام روز را در حال غضب بسر می برد. ردای خود برگرفتم، و از خانه بیرون آمده پیش حفصه رفتم و گفتم دخترک من تو با پیغمبر خدا بحدی مناقشه می کنی که تمام روز را در حال غضب بسر می برد حفصه گفت بلی با او مناقشه میکنم گفتم از عذاب خدا و غضب پیغمبر خدا حذر کن. دخترک من تو باین زن که به حسن خود و محبتی که پیغمبر بدو دارد می نازد نگاه مکن (مقصود نایشه است) بخدا من میدانم که پیغمبر ترا دوست ندارد و اگر بخاطر من نبود طلاق میداد.

با این ترتیب مسلم است که محمد عایشه و حفصه را در نتیجه محبت و علاقه نگرفت بلکه میخواست روابط خود را با مسلمانان نزدیک تر کند.

ازدواج بازینب دختر خزیمه و ام سلمه این موضوع را بطور قطع ثابت میکند. زینب همسر عبیده بن حارث بود که در جنگ بدر کشته شد جمالی نداشت ولی زنی خوش طینت و نیکوکار بود او را مادر بینوایان می گفتند وقتی زن پیغمبر شد دوره جوانیش گذشته بود و یک یا دو سال بیشتر با او بسر نبرد.

ام سلمه زن ابوسلمه بود و از او چند فرزند داشت. ابوسلمه در جنگ احد زخم دار

شد و زخمش التیام یافت پس از آن پیغمبر او را به جنگ طایفه بنی اسد فرستاد و آنها را متفرق ساخت و با غنیمت بمدینه برگشت و در نتیجه این سفر زخم او دهان بگشاد و بدین سبب وفات یافت. پیغمبر در هنگام مرگ بر بالین ابوسلمه حاضر بود برای او دعایی کرد تا جان بداد و اشکش از دیده فرو ریخت چهار ماه بعد از مرگ ابوسلمه پیامبر از ام سلمه خواستگاری کرد، ام سلمه عذر آورد که فرزندانش زیادند و جوانیش در گذشته است ولی پیغمبر اصرار کرد تا او را بعقد خود درآورد و به تربیت فرزندانش همیت گماشت با وجود همه اینها آیا باز هم مبلغان و خاورشناسان گمان می کنند که پیامبر ام سلمه را بخاطر جمالش بزنی گرفته است. اگر چنین بود از دختران مهاجران و انصار کسانی بودند که در جوانی و جمال و ثروت هزار مرحله از ام سلمه پیش بودند و فرزندی نداشتند. که باردوش او شود و می توانست آنها را بزنی انتخاب کند ولی پیامبر ام سلمه را بهمان منظور عالی که زینب دختر خزیمه را گرفت بزنی برگزید و بهمین جهت علاقه مسلمانان نسبت باو زیاد شد و در عین حال که او را پیغمبر خدا میدانستند پدر مهربان خود می شمردند زیرا او بحقیقت برای هر بینوا و ناکام و ناتوان و بیچاره و درمانده و یتیمی که پدرش در جنگ کشته شده بود مانند پدری دلسوز و مهربان بود.

### داستان زینب دختر جحش

گروهی از خاورشناسان و مبلغان تصورات خود را بر آن افزوده و یک قصه عشقی بوجود آورده اند بشهادت تاریخ صحیح و بی غرض از جمله مفاخر محمد است و نشان میدهد که پیغمبر اسلام در این حادثه بمقاد گفتار خویش آنجا که گوید «ایمان مرد کامل نمی شود مگر آنکه هر چه را برای خود می خواهد برای برادر خود بخواهد» رفتار کرد، و شخصاً برای محور سوم جاهلیت و عملی ساختن یک قسمت از مقررات دین خود اقدام نموده است.

خویشاوندی محمد و زینب - برای آنکه معلوم شود داستان زینب دختر جحش بصورتی که پیش از این گفتیم بکلی بی اساس و دروغ است کافی است این نکته

را بگوئیم که زینب دختر امیمه عمّه پیغمبر بود و تحت نظر او تربیت شده بود .  
 پیش از آنکه زن زید شود او را بخوبی می شناخت و از جمالش خبر داشت زیرا رشد  
 او را از طفولیت تاجوانی دیده بود و هم او بود که زینب را برای زید خواستگاری  
 کرد با این ترتیب تمام آن خیالات و افسانه سرائیها که میگویند پیغمبر برخانه زید گذشت  
 و او در خانه نبود زینب را دید و چشمش از جمال او خیره شد و گفت «سبحان مقلب  
 القلوب» یا اینکه می گویند وقتی در خانه زید را گشود نسیم پرده اطاق زینب را  
 پس زد و پیغمبر او را دید که لباسی نازک به تن داشت و دراز کشیده بود تمام  
 اینها افسانه سرائی بی اساس است زیرا که محمد با زینب خویشاوندی نزدیک  
 داشت و اگر او چنین جمیل بود ممکن بود قبل از وقت پیامبر او را برای خود  
 بگیرد نه اینکه برای آزاد شده خویش زید خواستگاری کند .

طبق تواریخ موجود پیامبر زینب را برای زید خواستگاری کرد برادر زینب  
 عبداللّه بن جحش راضی نبود خواهرش همسر کسی شود که غلام بوده است و بعد  
 آزاد گردیده و اینکار را برای خواهر خود ننگ می دانست و مطابق رسوم آن زمان  
 این کار ننگی بزرگ بشمار میرفت و دختران اشراف به همسری بندگان اگر چه آزاد  
 شده بودند تن نمیدادند ولی پیامبر میخواست این قبیل ملاحظات بی معنی که نتیجه  
 تعصّب بود از میان برود و همه مردم بدانند که عرب باغیر عرب جز بوسیله پرهیز  
 کاری امتیاز ندارد چنانچه خدا می فرماید :

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰىكُمْ . یعنی هر کسی از شما پرهیزکارتر است پیش  
 خدا بزرگوارتر است ولی در عین حال نمی خواست زن بیگانه ای را بدین کار وادار  
 کند بدین جهت دختر عمه خویش را برای محو کردن این رسم ناروا برگزید . زید  
 آزاد شده و پسر خوانده خویش را که مطابق رسوم عرب از او میراث می برد پشوه ریش  
 انتخاب کرد . و باصرار او زینب و برادرش باین ازدواج رضایت دادند چنانچه خدا  
 در این باب فرماید سوره احزاب آیه ۳۶ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضٰى  
 اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ . مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ



فَقَعْدُ ضَلَّ مَبِينًا یعنی برای زن مؤمن و مرد مؤمنی روا نیست وقتی خدا و پیغمبرش درباره چیزی حکم کردند در کار خود اختیار داشته باشند و هر کسی فرمان خدا و پیغمبرش را نبرد بضلالتی آشکارا دچار است .

### زینب و برادرش راضی می شوند

پس از نزول این آیه عبدالله و خواهرش بدین کار رضایت دادند زید بازینب زفاف کرد و محمد مهر او را پرداخت وقتی زینب بخانه شوهر خویش رفت با اوسازگار نبود بلکه زید را آزار میداد و به نسبت خویش و اینکه هیچ وقت بنده نبوده است بر او افتخار می کرد . زید بارها از بد رفتاری زینب شکایت پیش پیغمبر می برد و اجازه میخواست او را طلاق دهد و پیغمبر در جواب می گفت زن خود را نگهدار و از خدا بترس و زید تاب معاشرت زینب را نیاورد بناچار طلاقش داد .

پیش از اسلام نزد عرب رسم بود که پسر خوانده را دارای حقوق فرزندان نسبی میدانستند و حکم میراث و حرمت ازدواج را که میان فرزندان و متعلقان یک خانواده جاری است در باره آنها جاری می ساختند شارع اسلام میخواست این رسم ناروا را باطل کند و در این باب آیه نازل شد سوره احزاب آیه ۴ وَمَا جَعَلَ اَدْعِيَاءَ كُفْمُ اَبْنَاءَ كُفْمُ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ وَاللّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ یعنی پسر خواندگان پسران شما نیستند این سخنی است که شما می گوئید ولی خدا راست میگوید و کسان را براه راست هدایت می کند .

از این آیه مستفاد می شود که پدر خوانده می تواند کسی را که زن پسر خوانده اش بوده است بزنی بگیرد ولی چه کسی حاضر بود رسم کهن را زیر پا گذارد و به چنین کاری اقدام کند .

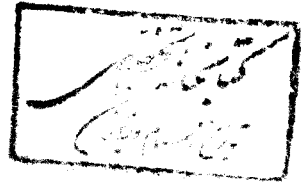
بلی پیامبر شخصاً برای اجرای این حکم حاضر شد و زینب را پس از آنکه زید او را طلاق داد بعقد خود در آورد ولی در خاطر او می گذشت که مردم درباره مخالفت او با این رسم قدیم چه ها خواهند گفت و مقصود از گفتار خدا را که گوید

«نهان میکنی در دل خود آنچه را خدا آشکار خواهد کرد و از مردم می‌ترسی ولی خدا سزاوارتر است که از او بترسی.»

## چرا محمد با زینب ازدواج کرد

پیامبر در انجام فرمان خدا پیشرو دیگران بود و از گفتگوی مردمان در باره ازدواج با زینب باک نداشت زیرا ترس مردم در مقابل ترس خدای چیزی نیست بدین جهت با زینب ازدواج کرد تا حکم اسلام را درباره ابطال حقوقی که بموجب رسم کهن برای پسر خواندگان مقرر شده بود اجرا کند و این قسمت از آیه ناظر بدین موضوع است سوره احزاب آیه ۳۷ فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا لَكَیْ لَا یَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِیْ اَزْوَاجِ اَدْعِیَائِهِمْ اِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ اَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا .

روایت تاریخی درباره ازدواج پیامبر با زینب دختر جحش از این قرار است زینب دختر عمه پیغمبر بود و پیش از آنکه به زید شوهر کند پیغمبر او را دیده بود و از جمالش خبر داشت و هم او زینب را برای زید خواستگاری کرد پس از ازدواج با زید نیز او را دید در آن روزگار حجاب نبود بعلاوه پیامبر باقتضای خویشاوندی و بمناسبت اینکه زینب همسر آزاد شده او بود. زید شکایت زن خویش را پیش وی می‌آورد و طبعاً با او ارتباط داشت. وقتی خداوند خواست بنده آزاد شده را از لحاظ شرافت و حقوق بمقام اشخاص آزاد برساند و حقوق پسر خواندگان را باطل سازد احکامی در این باب نازل شد و این احکام در نتیجه ازدواج زینب با زید و طلاق گرفتن او و ازدواج با پیامبر تأیید گشت. با این ترتیب آیاجائی برای افسانه بافیهای مبلغان میماند. کینه دیرینه دشمنان اسلام آنها را وادار می‌کند که درباره همسران پیغمبر مخصوصاً درباره ازدواج زینب دختر جحش روایات ضعیف و ساختگی را مورد اعتماد قرار دهند، و جنایات بزرگ و جبران ناپذیر نسبت به تاریخ مرتکب شوند.



### مأخذ این تعلقیه

- ۱- قرآن مجید .
- ۲- سیره ابن هشام تألیف ابومحمد عبدالملک بن هشام جهری متوفی بسال ۲۱۸ هجری طبع مصر سال ۱۳۲۹ قمری
- ۳- قصص قرآن تألیف دانشمند معظم جناب آقای علی اصغر حکمت منطبعة تهران سال ۱۳۳۳ .
- ۴- ترجمه کتاب زندگانی محمد تألیف دکتر محمدحسین هیکل .
- ۵- تفصیل الآیات القرآن الحکیم تألیف محمد فرید وجدی
- ۶- الاتقان فی علوم القرآن تألیف علامه سیوطی
- ۷- اعجاز القرآن تألیف قاضی باقلانی
- ۸- دائرة المعارف اسلامی
- ۹- کشف الاسرار و عدة الابرار تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی



## غلط‌نامه

| صفحه | سطر | غلط       | صحیح               |
|------|-----|-----------|--------------------|
| ۱    | ۱۴  | فرار      | قرار               |
| ۲    | ۱۲  | چنایات    | جنایات             |
| ۳    | ۲۱  | فضیح      | فضیح               |
| ۴    | ۱۹  | بشرح      | بشر                |
| ۵    | ۳   | نمودار    | نمودار             |
| ۵    | ۱۱  | محققانه   | محققانه            |
| ۱۰   | ۱۱  | ازقران    | از ترجمه قبلی قرآن |
| ۱۵   | ۱   | گره       | کره                |
| ۱۸   | ۲۰  | اگوت      | اگوست              |
| ۲۰   | ۴   | یان اراضی | یان راضی           |
| ۳۴   | ۴   | قرآن      | قرن                |
| ۳۵   | ۲۴  | وانی      | وافی               |
| ۴۲   | ۱۷  | رغب       | رغبت               |
| ۵۵   | ۷   | عهده      | عهد                |
| ۸۵   | ۸   | تأثر      | تأثیر              |
| ۸۷   | ۲۰  | خواند     | خوانده             |